



لجنة ائمة علمي طلبة من اقرب اهلنا ان يتقدمه



۱۷۷

ماهانامه مسجد ماهانامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد / شماره ۱۷۷ / مهسر ماه ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: سعید کریمی • دبیر تحریریه: حسن علی آبادی **دیران سرویس** • سرویس منبر: ناصر بریعی • سرویس رواق: سعیدعلی آقایی • سرویس محراب: علی بانسی • سرویس شستمان مهدی اخلاقی • کارشناسان تحریریه: حجت‌الاسلام دکتر مروی طیبی، دکتر طباطبائی، حجت‌الاسلام حسن فکری، ذابال نجمی • گروه مؤلفین: حجت‌الاسلام صمدزندی، حجت‌الاسلام حسین رجبی، حجت‌الاسلام دکتر مجید رضائی دوانی، محمد طاهاتو حیدری، جواد توحیدی منش، حسین مروی، مهدی یوسفی، سعید محسن زاده، جواد محمدزمانی، احسان چندقی، محمدحسن جاویدی، محسن کیانپندسری، مصطفی موسوی تبار، رضا رضائی، رضا کاظمی، رادمرزاقی طالقانی، مرتضی اسدی، علی قان بیلی، سینا فیاض، سعید مهدوی وفاق، علیرضا بشیری، محمدحسینی، مرشبه عبوسی • طراحی و گرافیک: مصطفی سلیمانی / سعید مهدی حسینی • عکس: مصطفی معراجی • وب‌استار: محمدباقر حقانی فضل • شمارگان: ۳۰۰۰



منبر



مهارت شادی بخشی در سخنرانی ۴/ ■ نمونه فیش ۶/ ■ قرامطه دیروز داعش امروز ۱۲/ ■ انگیزه های تالیف نهج البلاغه ۱۳/ ■ فضیلت های فراموش نشدنی ۱۵/ ■ جستاری در زیارت جامعه کبیره ۱۷/ ■ ریشه تاریخی سقیفه ۱۸/ ■ نمی از دریای آرامش ۲۰/ ■ تکریم خانواده در سیره عالمان ۲۱/

رواق



گونه شناسی زیارت ۲۴/ ■ زیارت خانه ای از شرافت صاحب ۲۵/ ■ کومب ملا گردهمائی بزرگ هندوها ۲۸/ ■ بودیسم و حریم امن زیارت گاهها ۲۹/ ■ زائران در پیسج و خم کوه ها ۳۰/ ■ چنارهایی برای همگرانی ۳۱/ ■ حج بی رکن ۳۳/ ■ از زیارت رم تا زیارت فاطیما ۳۵/ ■ طواف گرد خدای خودپرست ۳۶/

محراب



قطره ای از چودو کریم در مسجد امام جواد(ع) ۳۸/ ■ فرشته هایی در قالب انسان ۴۲/ ■ سعادت در سایه هدایت ۴۴/ ■ زمانی برای نگریستن ۴۶/ ■ میز گرد مکتوب - کودک مسجد ۴۸/ ■ رسانه هایی برای رساندن پیام انقلاب ۵۰/

شبهستان



آینده از آن ماست ۵۴/ ■ بوترباش خوانند چرا که... ۵۶/ ■ دست استعمار پیر کوتاه ۵۷/ ■ جریان اجتهاد دینی ۵۸/ ■ نظر تا عمل ۵۹/ ■ استقلال اقتصادی در چار چوب اقتصاد دینی ۶۱/ ■ ابتدا و انتهای یک خط ۶۲/ ■ آسان به رسم آسان ۶۳/ ■ مراقب خون خود باشید ۶۴/ ■ اعبد طلاب نجف بود ۶۴/ ■ عدو شود سبب خیر ۶۵/ ■ به جز ابروی تو محراب دل حافظ نیست ۶۷/ ■ جلوه حکمت ۶۸/ ■ نقد غلط یک فرهنگ ۷۰/ ■ کتابخانه مسجد ۷۲/

♦ در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر منبع مجاز است.
♦ مطالب خود را ترجیحا تایپ شده به رایانامه نشریه ارسال کنید.
♦ مطالب ارسال شده به تحریریه ♦ بازرگانه نمی شود.
♦ باتشکر از تمام عزیزانی که مارا در تهیه ♦ یاری رسانند.

ادرس قم: بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (ع) پلاک ۱۰۳
دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد
تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۵-۶ • شماره: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۷ • سامانه پیام کوتاه: ۱۵۱۵۴۲-۳۰۰۰
نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • پست الکترونیک: n.masjed@chmail.ir



کودک درون مسجد

«وقتی بچه بودیم، همه می‌نشستیم و مادرم قرآن می‌خواند؛ خیلی هم قرآن را شیرین و قشنگ می‌خواند. ما بچه‌ها دورش جمع می‌شدیم و پر ایمان به مناسبت، آیه‌هایی که در مورد زندگی پیامبران بود را می‌گفت. من خودم اولین بار زندگی حضرت موسی، زندگی حضرت ابراهیم، و بعضی پیامبران دیگر را از مادرم شنیدم. هنگام قرآن خواندن وقتی به آیه‌ای که نام پیامبران در آن بود می‌رسید، بنا می‌کرد به شرح دادن»^۱.
این خاطره مقدمه‌ای است بر یک نکته بسیار کلیشه‌ای و تکراری درباره ضرورت حضور کودک در مسجد. به همان اندازه که تأمین مالی برای رشد جسمی کودک ضرورت دارد، تأمین شرایط تربیتی برای رشد و ارتقای روحی و معنوی او نیز ضروری است. حضور کودک در مسجد ضروری است از جهت که حفظ و بالندگی فطرت موجودات مولود نیاز به بستری سازنده و دائمی دارد. در دوره هفت سال اول زندگی سبادت کودکانه باید در خطه تعریف شده دینی و عقلانی طی شود تا فرد در انوار دیگر دچار بحران‌های روحی نشود.

بستر تربیتی اسلام که کاملاً بر چارچوب عقلایت و علم تعریف شده است، بهترین شرایط پرورش توحیدی و معنوی و اربابی کودک آماده می‌کند. از فضای قاعدمنده خانواده گرفته تا فضای اخلاقی مدار مسجد. مسجد همچون خانواده که محل امن برای همه اعضا، به خصوص کودکان، است، به عالی‌ترین شکل می‌تواند محل

امن و ایمان کودکان باشد.

اینکه چارچوب‌های نسل جدید کمتر با این خانه‌مهر و محیط ارتباط برقرار کرده‌اند، نیازمند آسیب‌شناسی‌ای جدی است. ممکن است برخی از این آسیب‌ها مربوط به فضای تربیتی خانواده باشند و برخی دیگر مربوط به دور شدن فرهنگ مسجدی از نوع نگاه پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام به کودک.

با تعریف جامعی که رسول مکرّم اسلام درباره سه دوره اول زندگی بیان فرمودند به خوبی می‌توان مهندسی فرهنگی پرکاربردی را ارائه کرد. شناخت و تعامل با کودک بر اساس دوره سبادت و بندگی که در آستانه نوجوانی است بخشی از شناختی است که متولیان فرهنگ مسجدی برای پیوند ماندگار و عمیق ترکودکان با مسجد باید به آن توجه ویژه نمایند. این کار کمی سخت است اما شدنی است. امام جماعت و بقیه بزرگواران را باید فضای مسجد را با روشی حساب‌شده در اختیار کودک بگذرانند که این کار راه جهاد دانشمندی است که سه سایه مگذری ویژه خود را بر او درآید. امرالمؤمنین علیهم‌السلام فرموده‌اند: «من یتیم لم ینم عنه؛ کسی که به خواب غفلت رفته دشمنش هرگز خوابیده و بیدار است».

شناختن روحیات کودکانه می‌تواند راه ارتباط و تعامل کودک را در سایه‌سار تربیت دینی مستدام پدید بیاورد. مثال کودک‌ان از مهم‌نات‌پنداری با قهرمانان سیاسی‌لذت می‌برند و گاه خود را امل آنان تصور می‌کنند؛ شاهد این مسئله توجه ویژه کودک‌ان به قهرمان‌های انیمیشنی است. به نظر می‌رسد توصیف دقیق قهرمانان دینی با زبان کودکانه در فضای مسجد یکی از سهیل‌الوصول‌ترین روش‌ها برای پیوندی ماندگار با کودک‌ان باشد. به خصوص اینکه ریشه اخلاقی و معرفتی این قهرمانان کاملاً بر اساس فطرت توحیدی است. گواید مؤثر بودن این روش تأثیرپذیری کودک‌انی است که در سال‌های قبل از انقلاب با قهرمانان کربلا هم‌نات‌پنداری کردند و خود قهرمانانی الگوساز برای نسل‌های آینده گردیدند.

پی‌نوشت:

۱. بخشی از خاطرات کودکی رهبری، فرهنگ انقلاب که تحت سرپرستی یک روحانی پارسا طی شد.

منبر

مسجد / شماره ۱۷۷ / مهر ۱۳۹۲

آنچه که بیش از همه در ذی‌الحجه خودنمایی می‌کند، مناسبت‌های ولایی آن است و شاید بتوان ذی‌الحجه را ولایی‌ترین ماه سال لقب داد. مطلع آن با مسالاروز ازدواج اسماعیلی امیر مؤمنان علیه‌السلام و صدیقه کبری علیها‌السلام آغاز می‌شود و وقایعی نظیر: سید ابراهیم انگشتر بخششی حضرت علی علیه‌السلام در کوفه، مباحثه، نزول مسوره دهر در شش‌سال اهل بیت علیهم‌السلام و بذیرش خلافت از مسوی امیر مؤمنان پس از قتل خلیفه سوم از مناسبت‌های ولایی این ماه است اما قلب تپنده آن عید غدیر می‌باشد.

گویاروز هجدهم این ماه روز تعیین جانشینی برای انبیا بزرگ خداست زیرا انتخاب پوشش‌ین نون به جانشینی حضرت موسی، نعمون الصفا به جانشینی حضرت عیسی و اسف‌ین بر خیا به جانشینی سلیمان علیهم‌السلام از مناسبت‌های این یوم الله است.

ولایت والا ترین نعمت خداست از این رو این روز در روایات بزرگترین عید شیعیان به شمار آمده است. در این شماره به مهارت شادای اقرنی دینی در مساجد و مفاصل اشاره شده است. پرواقرنی از نگاه دیگر به فضایل حضرت علی علیه‌السلام و کاروی انگیزه‌های تألیف نهج البلاغه از دیگر مطالبی است که در این شماره می‌خوانیم.



<p>۴</p>	<p>۶</p>	<p>۸</p>	<p>۱۰</p> <p>شهادت امام محمدباقر</p>
<p>۱۱</p> <p>شهادت حضرت مسلم بن عقیل</p>	<p>۱۲</p>	<p>۱۳</p>	<p>۱۵</p>
<p>۱۶</p>	<p>۱۸</p>	<p>۲۰</p>	<p>۲۱</p>



مه‌ارت شادی بخشی درس‌خنرانی

صمد نظری



ماهنامه آشنایی فرهنگی و هنری

۹

در شماره‌های قبل اشاره شد شادی‌بخشی در منبر و وعظ و سخنرانی دو حالت دارد یا در اجرا و یا در محتوا که مه‌ارت شادی‌بخشی در اجرا این‌هاست. در این شماره به تبیین مه‌ارت شادی‌بخشی در محتوای سخنرانی پرداخته می‌شود.

شادی‌بخشی در محتوای سخنرانی:

۱. هفت‌نقطه فواید سخنرانی:

۱. عامل ماندگاری پیام است.
 ۲. شایع و فراگیر است و نامتأمل مخاطبان آن را برای یکدیگر نقل می‌کنند.
 ۳. حالت انس و خودمانی بودن را بین گوینده و شنونده ایجاد می‌کند.
 ۴. ذهنیت‌های منفل مثل خشک بودن، خشن بودن و... را بسط سخنران دینی دور می‌کند.
 ۵. گاهی موجب آسان‌شدن فهم مطلب می‌شود.
- عامل رفع خستگی از سخنران و مخاطب است.
- فواید سخنرانی:**
۱. با لطیفه و طنز، زندگی‌ها تحقیر نشوند، نه خودی‌ها و نه حتی سخنران.
 ۲. آسا رفتار ملطبی و سخنرانی دینی منافات نداشته باشد و حریم مقدسات دینی شکسته

اولی: عبرت‌آمیز آبی‌چی؟

دومی: آخه در نماز و در وصف شبی بدون اجازه صاحبش باز کرده بودم؟

۲. تضعات شادی‌انفرین

نمونه‌ها: مردی را که ادعای نوتوت می‌کرد نزد هارون الرشید بردند. هارون پرسید: «مجازات چیست؟» گفت: «هر چه بخوای.» هارون گفت: «این چندنوجوان بی‌ریش را که در مجلس حضور دارند، ریش دار کن.» گفت: «حیف است که این صورت‌های زیبا و نیک‌ارزشت کنب، اگر بخوای، تو را بی‌ریش می‌کنم.»^۱

۳. غیرمنتظره‌نویسی

نمونه‌ها: حضرت رسول اکرم ﷺ و پیامبر امیر ﷺ مشغول خوردن خرما بودند و حضرت هر خرمایی که می‌خورده، هسته‌اش را می‌سازد تا این‌طور بفرماید: «مجلس است و خرمای خورده است».

جلوی حضرت علی جمع شد و مقابل پیامبر هیچ هسته‌ای نبود. حضرت رسول به شوخی فرمودند: «من کثرتوا فیه آلول» یعنی: هر کس که هسته بیشتری جلوش جمع شده، پر خوراست.

۴. تشبیه

نمونه‌ها: هانوز تاریک بود. زمنده‌ها تازه نماز صبح را به جماعت اقامه کرده بودند و هنوز صف جماعت از هم پاشیده نشده بود. یکی از زمنده‌ها با حالتی بسیار ممنوی بلند شد و با صلوات شروع کرد برای بچه‌ها عطر زدن و التماس دعا گفتن... فضایی عطر آگین و ممنوی ابعاد از چند لحظه جو عوض شد؛ یک مرتبه یک مسوج اعتراض پدید آمد. چرا چون همه صورت‌ها و دست‌ها سیاه شده بود، بله، این زمنده مقداری عطر داخل جوهر ریخته بود و عطر آغشته به جوهر برای زمنده‌ها زده بود. بچه‌ها بلند شدند دنبال آن زمنده؛ بعد که گریش آوردند، حسابی خاش را گرفتند.

یک مرتبه آن زمنده جمله بسیار زیبا و تکان دهنده‌ای گفت: «بچه‌ها من طوره که دیدید روسایهی این دنیا مثل همین روسایهی جوهر است که با مقدار آبی پاک می‌شود، خلیلی ناخانی نازده‌ها ولی روسایهی آخرت با هیچ چیز پاک نمی‌شود.»

۵. تمثیل

نمونه‌ها: گروهی گرسنه قاطری را دید و آهسته به او نزدیک شدند. برای سرگرم کردن و شکار او با ملافت گفتند: «چند سال از عمر شریف شما می‌گذرد؟» قاطر جواب داد: «من دانه‌های پدرم تاریخ عمرم را هستی با پام نوشته است شما که بزرگ حیوانات را کشتی و خواندن بلدی با بخوان بین من چند سال دارم.»

۶. شوخی

نمونه‌ها: قبل از انقلاب خطیب مشهور و توانا، مرحوم فلسفی در شیراز با امامی نبودند و

مشغول وعظ و خطابه در حالی که شخصیت بزرگ‌گویی هم مثل شهید محراب آیت الله دستبند پای منبر ایشان بودند. مرحوم فلسفی با قصد تجلیل از شخصیت ایشان یک شوخی با آیت الله دستبند نمودند: «در مجلس ما شخصیتی حضور آیت الله دستبند، صاحب کتابان کبیره، حضور دارند.» بلافاصله شهید دستبند با لبخند و لهجه شیرازی خود فرمودند: «خوش انصاف قلب سلیمش را بگو.»

نمونه ۲: اشعب بن جابر، بسیار شوخ و لطیفه‌گو بود. وقتی پیر شد، او را ملامت کردند که «تو دیگر پیر شده‌ای و وقت هزار گویی و شوخی کردن تو گذشته است؛ حال دیگر نوبت توبه و انابه است.» در این آخر عمر، مدتی هم مشغول شنیدن و عیظ و حدیث باش. گفتند: «قاله و الله من حدیث هم شنیدم.» گفتند: «اگر راست می‌گویی، حدیثی نقل کن.» گفت: «تافع بن ذبیل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برایم نقل کرد که دو خصلت پسنیده است که در هر کس باشد، سعادت دنیا و آخرت نصیب او می‌گردد.»

اهل مجلس که خیلی خوششان آمده بود، به او احسنات و آفرین گفتند؛ سپس از او خواستند که ادامه حدیث را نقل کند. اشعب گفت: «یکی از خصلت‌ها رانغ فراموش کرده بود و دیگری را من از یاد برآمدم.»

۷. استفاده از خبرهای شاد

نمونه‌ها: در سال ۱۶۶۶ و روزنامه «ای بیکی اسرار» اطلاع داد که فردا در پایتجه آلبیسه نمایشگاه با شکوهی از الاغ برپا می‌شود؛ علاقه‌مندیانی توانستند از ساعت چهار بعد از ظهر در این جشن شرکت نمایند. در ساعت چهار بعد از ظهر جمعیت تیزی از کنجکاوان به محل نمایشگاه رفتند؛ ولی هیچ خبری نبود تا دو ساعت منتظر شدند و باز هم خبری نشد. یک روز بعد همان روزنامه نوشت که نمایشگاه الاغ دوازده به خوبی برگزار شد.^۲

نمونه ۱: شخصی پس از چند سال اقامت در عربستان به شهر و دیار خود بازگشت. اقوام و نزدیکانش به دیدن او آمدند و او پرسیدند: «این چند سال که در اینجا بودی، عمری را خوب یاد گرفتی؟» گفت: «آری.»

پرسیدند: «در عربی به شتر چه می‌گویند؟» گفت: «چیز آن بزرگ‌هاست سالی می‌کنند؟ از چیزهای کوچک‌تر پرسیدند.» گفتند: «به

خرگوش چه می‌گویند؟» گفت: «گفتیم کوچک، ولی نه این قدر کوچک.» از آن موسساتها پرسیدند: «به‌ر چه می‌گویند؟» گفت: «خود بزرگ‌انمی‌نامم؛ ولی به پشاجش یک چیزی می‌گفتند.»^۳

۸. شعر طنزآمیز

نمونه ۱: ناصر خسرو در خصوص اینکه ممکن نیست اجزاء مردگان در روز قیامت به حالت اول برگردد گفت:

مرده‌ای را در دست، گریگ بخورد
ز بخوردند کر کش و زانان
این چنین کس به خشر زنده شود؟
تیز بر ریش مردم نادان
خواجیه ناصردین طلوسی نیز در جواب او، چنین فرموده است:

گر دگارش به خشر زنده کند
گرچه اعضای او شود جو جو
ز اولین باز نیست مشکل‌تر
تیز بر ریش ناصر خسرو^۴

نمونه ۲: مرحوم ملاحسن فیض کاشانی چشم چیش ناقص داشت. یکی از علمای آن سنت نام‌های به مرحوم فیض ارسال کرد و در آن نوشت:

روبه صفتا کر تو روپناه نه‌ای
چشم چپ تو، راست یگو، چو چراست؟
مرحوم فیض در جواب نوشت:

در مذهب زلمان جهان، عین عطاست
چپ کوری و راستین، این شیوه ماست
روبه صفتا کر تو روپناه نه‌ای
بغض علی اولی علی تو چو راست؟^۵

معرفی چند کتاب بنام هزود طنز:

۱. «با هم بخندیم و نوشته اسکندر متقی نژاد.
۲. «ادبانه عرفان زبانی خنده» نوشته سید جواد هاشمی نژاد.
۳. «خلاصه رساله دلگشا» نوشته عبدزاکانی.

پی‌نوشت:

۱. عقیق زاده، «مجموعه داستان‌ها و نثرهای خنده‌ص»، ۲۲.
 ۲. رسی اشکانات، ص ۱۹۲.
 ۳. لطائف‌الالباب، ص ۹۰.
 ۴. ماهی‌زبان، «پایه‌های ص ۱۸۵»
 ۵. «رسان اشکانات»، ص ۱۹۳.
 ۶. «مجموعه داستان‌های خنده»، ص ۱۹۴.
 ۷. «دویش، مصلحتی لطیفه‌های خنده‌ص و حسین از مردمان آن دیار»
 ۸. «دیده»
 ۹. «بزرگان علم و دینان علم»، ص ۳، ج ۳، ص ۴۴۳.
 ۱۰. «قصص المله»، ص ۳۷.



حکمت و آثار قربانی

محمد طاها توحیدی

پندنامه
فرهنگی
دینی
۶

ایجاد انگیزه
در آغاز که حضرت آدم و حواری عالم خاکسای پانهازند زندگی آنها بسیار ساده بود و نوعاً اختلاف مهمی امعاز اختلاف در مذهب، آراء، افکار و عقاید یا اختلاف در زندگی مادی میان آنان وجود نداشت. از این رو خداوند متعال شریعتی را تشریح ننموده و تنها اعمال و احکام محدودی را برای آنان تبیین کرد. یکی از آن مسائل محدود، مسئله «قربانی» بود.

بااستناد به آیه ۲۷ سوره مائده می توان گفت که اولین قربانی بشر کنونی در زمان حضرت آدم صورت گرفته است. در آیه مذکور خداوند خطاب به حضرت موسی «می فرماید: «حکایت دو پسر آدم (هابیل و قابیل) را به راستی و حقیقت برای آنها بخوان. هنگامی که هر دو به قربانی تقرب جستند. پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از آن دیگری پذیرفته نشد.»

وجود قربانی در زمان اولین انسان ها نشانده عبادت و توجه ویژه خداوند متعال و اهتمام جدی نوع بشر به این عمل شایسته است. نیز همین که خداوند در این آیه از قربانی به عنوان سنتی نیک یاد نموده و آشنا نمودن دیگران با آن را سفارش کرده است دلیل دیگری بر اهمیت و جایگاه رفیع این عمل صالح است.



منبر ۶ مهابت

اقناع اندیشه

قربان مصدر «قرب، یقرب» است که در لغت به معنای نزدیکی شدن و هر چیزی است که به وسیله آن به خدا تقرب جویند. در عرف اسلامی استی بر ای ذبحه یا سینه که روز عید قربان «بنا بر این معنای قربانی این است که انسان به وسیله ذبح گوشتند گاو و شتر، خود را به خدا نزدیک نماید تا بر دستمال مال کشیدن در راه خدا، زمینه ای برای تقرب تو نزدیک به اوست.

بر اساس آیات قرآن کریم، قربانی از سوی خداوند برای همه امت ها تشریح شده است و هدف از تشریح قربانی این است که انسان ها تنها در برابر خداوند یکتا «تسلیم» باشند. خداوند به گوشت قربانی نیازی ندارد؛ منتها قربانی ملامت سنجش ایمان و تسلیم محض بودن انسان در برابر خداوند است. «چرا بن حضرت ابراهیم و به قربانگاه در آن اسماعیل، نمونه بارز تسلیم شدن در برابر خداوند است.»

در اسلام نیز اصل عمل قربانی همواره تا کید شده است. امام جواد «در این باره فرمودند: «فان عمل افطرًا زیومًا للآخرین من ذم سفوفیک اومتنی فی ذوالالذین اودی رحیم قاطع یاخذ علیہ بالفصل وینذوه بالشلام و یحیل اطفعم من صالحه لیکفک و ذغالی یقتتها حیوانه من التانی و اهل المشکنة و المملوک و تعاهد الامتة» در روز عید قربان هیچ عملی با فضیلت تر از این چیز نیست. خونی که به سوسه قربانی ریخته شود با نامی که در مسیر احسان به والدین یا خواشوندی که قطع رحم می کند، بر داشته شود تا چیزی به او بخشد و در گفتن سلام سبقت گیرد یا بر پیرین جای قربانی به دیگران اطعام کند و یقیناً را به همسایگان از تیمجان و بیکارگان و بر دکان بدهد و از اسیران دلجو می کند.»

امام باقر «فرمودند: «لَنْ اَللهُ یَجِبَ اِطْعَامَ الْقَلْعَامِ وَ اِزَاقَةَ اَلْمَاةِ هَمَا خَدَاوند، عَدَا دَان و فر کردن در آن دو سعت دارد و مطولوب است.»

ام سلمه نزد پیامبر «صلی الله علیه و آله» گفت: یا رسول الله! عید قربان فرا می رسد و من بهای قربانی را اندام هر س از ایجاز هارم قرض بگیرم و قربانی کنم؟ حضرت فرمودند: نه! پس بگیر و قربانی کن. زیرا آن قرضی است ادا نشدنی (یعنی ارض را بخواند سبحان ادا می کند چون در جهت رضای اوست.)

آنچه قربانی در اسلام را دیگر اقوام و ادیان متفاوت می کند، انگیزه و نیت قربانی کردن است. در اسلام قربانی کردن کن قبل از هر چیزی باید به خاطر خدا و یاد کردن نام خدا انجام گیرد تا به هدف نهایی قربانی که همان قرب و نزدیکی به اوست، منتهی شود (این در واقع مرز بین ایمان و شرک که به خداست امامی است).

مثال در دین یهود، غرض از ذبح و سوزاندن مثال در تقدیس خون قربانی و رسیدن بوی حاصل از آن به منشمام خدا می دانند.

تخریک احساس

آثار و بوکات قربانی
الف) قربانی سبب قطع دلستگی ها و جلوه ای از تسلیم بودن و ایثار مال در راه خداست.^{۱۱}
ب) قربانی مصداق «شعائر الله» است.^{۱۲} شئاری که انجام آن سبب می شود تا آدمی در لحظاتی به یاد خاوندی بیدند که فرمان قربانی را صادر نموده است.

ج) قربانی باعث کشایش در زندگی فقرا و مساکین می شود. پیامبر «صلی الله علیه و آله» فرماید: «مَا جَعَلَ اللهُ هَذَا الاّ لَصُخْرِی لَتَشْبَحَ مَسَاكِنُكُمْ مِنْ اَللَّحْمِ قَاتِلُكُمْ هُمْ؛ خداوند قربانی را مقرر و واجب کرده تا اینویان و مسکینان از گوشتش استفاده کنند و سیر شوند؛ پس این را اطعام کنید.»^{۱۳}

د) قربانی باعث مستجاب است که قربانی سه قسمت شود: یک سوم آن را خود فرد د قربانی باعث جلب رحمت خداوند و زمینه بخشش گناهان است. حضرت امیر المؤمنین «فرمودند: اگر مردم می دانستند قربانی چه نمرای دارد، قرض می گرفتند و قربانی می کردند. با اولین قسطه خونی که از قربانی بریزد، قربانی کنند بخشوده می شود.»^{۱۴}

ح) قربانی کردن سبب قفا و گرفتاری است. ابی الله سمعی می فرماید: «در نهمست سال ۴۱ تا ۴۲، دوسه مرتبه آن ابی الله بجهت به من فرمودند که شش ماه امام خمینی «رضی الله عنه» بود فراض ساعت فلام دو اسر گوسفند قربانی کن. من می ادمم به امام «رضی الله علیه و آله» اطلاع دادم ایشان هم بلافاصله به من می گفت: شش ماهه قصاب بگویند دو اسر گوسفند از طرف ما قربانی کند. بعد پولشان را می دهیم. بار دیگر نیز آقای بجهت به من پیام داد که به امام بگویم: سه اسر گوسفند قربانی کند، آقا هم بلافاصله دستور داد سه اسر قربانی کنند.»^{۱۵}

شعبه عبادت شری از نقل می کند: «آیت الله هبا الدینی در شبهای عملیات دستور قربانی و صدقات به ما می داد و ما می دیدیم. به واسطه آن صدقات و قربانی چه خطرهای مهمی از کنار گوش ما رد می شد که اگر نیندقیقه پس و پیش می شد به حیات ما خاتمه می داد.»

پی نوشت:

۱. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶، فرهنگ فارسی
۲. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۳. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۴. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۵. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۶. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۷. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۸. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۹. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۱۰. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۱۱. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۱۲. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۱۳. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۱۴. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶
۱۵. اشعائر الله: ج ۱، ص ۶۶

بی‌درگتی مال حرام

جواد توحیدی منش

مجاذیکند خودباهمایی

ما در اطراف خود با مسائل متفاوتی روبه‌رو هستیم. برخی از این مسائل را با استفاده از عقل و برخی را با درس گرفتن از دیگران می‌توان حل کرد؛ مثلاً عقل می‌تواند کشف کند که اگر پولی را خرچ کردیم، به همان میزان از پول ما کم می‌شود؛ یا اگر در آمد بیشتری داشته باشیم، سریع‌تر می‌توانیم به اهداف مالی خود برسیم. استفاده از تجربه و نظر دیگران نیز زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری منطقی و حساب‌شده است.

اما برخی از امور هم وجود دارند که عقل و نه دیگران، نمی‌توانند آنها را تبیین کنند؛ اموری همچون رابطه بین صدقه دادن و سلامتی به مقصد رسیدن، رابطه بین کسب حلال و برکت در مال، رابطه بین جارو زدن در خانه و مغازه و افزایش روزی و...

این امور در پیشگاه خداوند حکیم، همچون امور عقلی، تصمیمی و یقینی است؛ اما عقل نمی‌تواند رابطه بین آنها را درک کند. حال این معادلات منطقی، مستلزم دقت در قرآن کریم و روایاتی است که توسط معصومین علیهم‌السلام رسیده است؛ زیرا تنها خاستگ که به برنامهما و نیازهای زندگی انسان علوم دارد، از این رو خداوند پروردگاری به صراحت از برخی از راه‌های نهفته پرده برداشته و در برخی موارد توضیح تبیین را به سخنان معصومین علیهم‌السلام واگذار نموده است. در اینجا نمونه‌ای از این

تبیین‌ها را از زبان امام هادی علیه‌السلام بررسی می‌کنیم.

نکته هشتم

در دوران زندگی امام هادی علیه‌السلام خوش گذرانی، موسرانی و میگساری در برابر شخص خلیفه و ظلم، جور و غارت بیت‌المال و تصرف آن در عیاشی‌ها، جان مردم را به لب رسانده بود. فشار اقتصادی چنان بر علویان سنگین شده بود که کودکان شیعی از گرسنگی ناله می‌سرمه دادند. در تاریخ آمده است بانوان علوی حتی یکدست لباس مناسب برای نماز خواندن نداشتند. شرایط به گونه‌ای بود که مال حلال کمابود. امام هادی علیه‌السلام خطاب به محمد بن هارون فرمودند: شما در زمانی هستید که هیچ چیز سخت‌تر از بدست آوردن مال حلال و برادر دینی که برادرش بی‌خواب باشد، نیست!

در این موقعیت سخت، مال اندکی می‌توانست گره‌بریزگرایی از زندگی شیمان و یاران امام هادی علیه‌السلام باز کند. در آن شرایط امام هادی علیه‌السلام خطاب به یکی از یارانش به نام داود که کمتر به حلال و حرام اهمیت می‌داد، فرمودند: «یا داود! این الحرام لا یتیمی و ان نعی لا یتیم؛ زله فیه و ما تلقه له لم یؤخذ علیه و ما خلفه کان زاده االی القار؛ ولی داود! همان‌ها مال حرام، زیاد نمی‌شود و اگر هم زیاد شود، برکتی در آن نیست و با خوشی مصرف نمی‌شود. در برابر آنچه از اموال حرام که اتفاق و کمک کرده‌اید حتی اگر در راه‌های خیر باشد (اجر و پاداشی بر اینان نیست) و آنچه را که خرچ کرده‌اید و نگه دارید، همان، زیاد و توشه‌ای برای آتش دوزخ است».

امام علیه‌السلام در این روایت به چهار نکته اساسی درباره مال حرام و پیامدهای آن اشاره می‌کند:

نکته اول: مال حرام زیاد نمی‌شود.

نکته دوم: مال حرام اگر هم زیاد شود، برکت ندارد.

امروزه در آمدها زیاد شده است، اما برکت ندارد؛ بنابراین زندگی جیف و میل می‌شوند؛ بخشی صرف بیماری‌های سخت و...

برکت از مسائلی است که به‌رزق و روزی نسبت داده می‌شود. برکت به معنای قایده یا نیت‌تواند تصمیمی و یقینی است؛ اما عقل نمی‌تواند رابطه بین آنها را درک کند. حال این معادلات منطقی، مستلزم دقت در قرآن کریم و روایاتی است که توسط معصومین علیهم‌السلام رسیده است؛ زیرا تنها خاستگ که به برنامهما و نیازهای زندگی انسان علوم دارد، از این رو خداوند پروردگاری به صراحت از برخی از راه‌های نهفته پرده برداشته و در برخی موارد توضیح تبیین را به سخنان معصومین علیهم‌السلام واگذار نموده است. در اینجا نمونه‌ای از این

از عالمی سؤال شد: برکت یعنی چه؟ و چه فرقی با رزق حلال دارد؟ گفتند: به حال به‌ر حال، خود را بداند گفتند: درای، برسد؛ یا اتفاق افتاده که مریض شده و امپول تزریق کرده بداند؛ جواب گفتند: بله! آن عالم بلندی زد و گفت: حال جلال اگر برکت کند، به‌تعالی ششیرین می‌شود و ماه جان و اگر برکت نکند، می‌شود و نمودن امپول درمان آفت کشید بپسیند در برکت به‌سرمی می‌برد یا فقط در حلال!

نکته سوم: اگر مال حرام در راه خدا اتفاق آنگذرد، انچه خواهد داشت.

تحریک احساس

نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: همانا یک نفر از شما دست‌هایش را برای دعا بوسی آسمان بلند می‌کند و می‌گوید: یا رب! او حال اینکه خوراکش از حرام لباسش از حرام! ما این حال چه نوعی است از او مستجاب شود چه عملی و کرداری از او پذیرفته گردد؟ در صورتی که او مال حرام انفاق می‌کند، حتی بجهای ما آورد، صدقه از حرام می‌دهد؛ اگر ازواج کند، به حرام ازواج کرده و اگر روزی به‌گیا، در غلای حرام انقطاع کرد پس وی بر او کفایتی نداد؛ خود با نیکو است و پاکیزه را می‌پذیرد؛ در کتابش فرموده است: «انما یتقبل الله من المؤمنین»^۱.

نقل شده است که روزی احدین اسحاق، ۱۶۰ کیسه از جوهای که شیعیان قم و اطراف فرستاده بودند، در مقابل امام عسکری علیه‌السلام گذاشت. امام از دهمی فرزند خویش فرمودند: عزیزم این جوهر را در امامزمان (عجل الله فرجه) فرمودند؛ یا باشی است که دست باک، کم، به بعضی از این مال‌های حرام بر خورد کند؟ حلال و حرام آنها را از هم جدا کن. سپس حضرت جوهر حلال را از جوهر حرام جدا کردند و گیسهایی که در آن به سبب آن فروش و نظایر آن، مال حرام وجود داشت، برگرداندند و فرمودند این جوهر به درد نمی‌خورد.^۲

نکته چهارم: اگر مال حرام ننگه داشته شود، همان عملی فروزان می‌شود که در دوزخ انتظار صاحبش را می‌کشد. بنابراین مال حرام جز ضرر و زیان برای صاحبش به بار نمی‌آورد.

نکات سازمانی

مصادق حرامی در زمان ما

۱. کسب در آمد از طریق حرام و نوع گفتن: حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «قول لثغار اقمی من لا و الله و تبتی و الله و لئیل و لئیل اقمی من الیوم و غدا؛ وی بر تاجران امت من از قسم خوردن در داد و ستد و ولی بر مستحکران امت من از امروز و فردا کردن»^۳.
۲. گرفتن قرض‌های غیر مجاز و غیر قانونی: ۳. کسب درآمد از طریق غش و معامله و کم فروشی؛
۴. رشوه و رانت خواری؛
۵. ماه داختن حقوق الهی (خمس و زکات)؛
۶. امام صادق علیه‌السلام: «هن منغ حقیابله عو جل ائقی فی باطل و ملینه؛ کسی که حق خدا را زیادتر از دوزخ راه حق مال خود را صرف نکند، دوزخ را بر آن مقدار در راه باطل صرف خواهد کرد»^۴.
۷. عمال ربوی و نزول خواری؛
۸. کسب مال از راه باطل؛

عواقب حرام خواری

۱. بهر گندم که خوردی می‌حسابی دلت را با بیفتند اقمند حجابی
۲. نچشیدن لذت عبادت؛
۳. قحطی و خشکسالی؛
۴. بی‌برکت شدن مال و درآمد؛
۵. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «ذا تمتمت الیک الآفة متعت الراضی بیکتها من الزرع و الثمار و الفغانین کلها؛ هرگاه که مردم زکات خود را بریزند، زمین برکت خود را از زکات میوه‌ها و مدن‌ها دریغ می‌دارد»^۵.
۶. محسوس شدن دعا؛
۷. دستخرف شدن نسل آدمی؛
۸. عسگندگی و قساوت قلب؛
۹. دل‌خوابی کوفیان بر اثر استفاده از مال حرام چنان کسی شده بود که حضور امام معصوم علیه‌السلام میان آنان کار ساز نشد و کلام حق امام هم هیچ اثری در آنان نکرد؛ آنها برای اینکه ندانی حق را نشوند، فریاد کشیدند و سر و صدا کردند.
۱۰. امام حسین علیه‌السلام علت سگندگی و عدم کربش آنان در برابر حق را این گونه بیان کرد: «فقد غلنت یومکم من الحرام و طویع غلی قلوبکم؛ شکم هایتان از حرام پر شده و بر قلب‌هایتان مهر خورده است»^۶.

توجه شود همین لقمه‌های حرام بود که آنان را بسزای ریختن خون نوزادش ماشا هم‌هم تشویق کرد!

پی‌نوشت:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸، ع ۵۸، ع ۵۹.
۲. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸، ع ۱۰.
۳. کافی، ج ۲، ص ۳۱۴.
۴. قمی، ص ۱۸۹.
۵. انبساط القلوب، ص ۱۰۷، ص ۲۱۷.
۶. ابن‌عساکر، ص ۲۰۳، ص ۴۴۲.
۷. کافی، ج ۲، ص ۵۶.
۸. بقره، ۲۷۴، ص ۸.
۹. سوره، ۱۶۱، ص ۲۴.
۱۰. اعیان الشریع، ج ۲، ص ۲۲۳.
۱۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۸.



شهادت حضرت امام محمد باقر

یاسین شیخ زاده

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَيكُمْ يَا حُرَّانَ عَلِمَ اللهُ السَّلَامَ عَلَيكُمْ يَا
قَرَابَةَ وَخِيَةَ اللهُ السَّلَامَ عَلَيكُمْ يَا ثِقَةَ الْيَدِي
السَّلَامَ عَلَيكُمْ يَا غَامَةَ النَّفْسِ السَّلَامَ عَلَيك يَا بَاقِرَ
عَالِيَيْنِ...

مقدمه

سلام ما بی‌شع و بی‌تغاف و بی‌ارتش
بر آن خرم که بلد ملک تنگهایش
سلام ما بی‌شع، آن تجسیم غربت
گواهر بی‌سخن تربت امامت
بی‌شع که مقدس چهار معصوم است
چهار نور خدای دمدار دماش
یکی است حضرت باقر از آن چهار امام
که تاخ زده آتش به قلب یارانش
غربی اوست، که در موسم زیارت حج
مدینه و آن همه زائر که هست مهمانش
شب شهادت او یک نفر نمی ماند
که اشک غریب‌شانند به قبر و یارانش
دری که سجده که قدسیان بود خاکش
به زائرش شده آن نهد آن بوسه
درایش^۱

ذکر مصیبت

امام باقر، فرمودند: هنگامی که جدم حسین^ع به
شهادت رسید، من چهار ساله بودم و جریان شهادت
آن حضرت و آنچه در آن روز بر ما گذشت همه را به
پادم^۲، یعنی عطش و تشنگی ها، بدن های پاره
پاره و شمشیرها سه های بریده و نیزه ها، پیکرهای
بی خون غلیظ و مسموم، اسبان، آبی خیمه ها و بچه ها
و پای برهنه و اسلحه ها، همه را دیده و دلش
خون گشته

هزار خاطره و غیر نمی رود از یاد
غروب سرخ مجرم منی و روز یاد
به گلواره خالی خورشید سوگند
رباب و خیمه ملامت نمی رود از یاد
فراق بود و عیب بود و کودکان حرم
خوش غیرت و زخم منی و روز یاد
دمی که هستی زینب زوی زین افتاد
همان مصیبت اعظم، منی و روز یاد
به دشت دختر و زن های برهنه و دوان
بدون یاور و مخرم، منی و روز یاد
اسیر بودن یا خواهران آن معجز...
هجوم سیلی محکم، منی و روز یاد
به شام بر سر ما سنگ می زند از یاد
پلای شهر خیمه، منی و روز یاد

به شهر ملامت، بر زم، بید، بین تشنگ
سر گشته و در هم، منی و روز یاد^۳

بی‌نوشته:

۱. قرنی از بیانات امام باقر^ع.
۲. شعر از استاد دینود.
۳. در محضر اهل بیت.
۴. شعر از شیخ عباس جعفری.
۵. شعر از صاحب زاده.
۶. مدینه المعاصیر ص: ۲۹۹، غلامه مجلسی، بحارالانوار ج: ۴۴.
۷. ص: ۲۲۹.
۸. حیات الامم محمد الطراز ج: ۳، ص: ۲۹۲.
۹. شعر از علی کربلاییان.

بیان مقتل

در مقاتل آمده امام باقر^ع را با زین
آشسته به سم مسموم کردند، چوری
که بدن آقا از شفت تأثیر سم محروم
شد. امام صادق^ع فرمود: پدرم به
من سفارش کرد که از مالم مقناری
را وقت کن تا نوحه سر ایان در ایام حج
در ما بر لیم تو حه سر ایی^۱، وقتی
خبر شهادت حضرت به امام صادق^ع
رسید، برای غسل و کفن بدن پدر بلند
شدند: در حالی که اشک بر گونه شان
روان بود. بدن مقدس امام باقر^ع را
تشیع کردند و به سوی قبیع آوردند و
برای ایشان قبری در کنار پدر و عموی
بزرگوارشان امام سجاد^ع و امام
حسن^ع حفر کردند و پدر گرامیشان
را در قبر قرار دادند.^۲

گزین مصیبت

اما... نمی تازم تیر زهر بر دل امام باقر
^ع بیشتر از گداختن یا آن تیر همه
شعبه ای که هرگز عروضا را به جای آب،
به گلوی عموی شش ماهه اش، علی
اصغر نشتست: «شفت من الانالی
الان» همه صابران پیدا حسین...

ختم روضه

همین که دو تایی به میدان رسیدند
روی دست خورشید، پیش راه دیدند
لی کوچکش خشک و حلقوم و
چهار راحت گلسوی علی را
برینند^۳

یاسین شیخ زاده

علیه

السَّلَامَ عَلَیکَ يَا أَوْلَ الشُّهَدَاءِ وَإِمَامِ الشُّعَدَاءِ ...
السَّلَامَ عَلَیکَ يَا وَجِیداً غَریباً عَن اهلِةِ نَبِیِّنِ الأَعْدَاءِ
یَا لِناصِرِ وَا لِحَیْبِ^۱

مقدمه

از صبح از لیل سیدالشهدا
یگانه یوسف یاز سیدالشهدا
تو کدی که همه جاهد امام حسین
به شهر کوفه غمناز سیدالشهدا
گرفته جان و سر خویش در کف اخلاص
به کوفه گشته تیز پندار سیدالشهدا
تویی که مرغ دلت بر فراز عقیل
همیشه بودی که فغان سیدالشهدا
تو با نثر سرت اولین کسی هستی
که آلداده به گلزار سیدالشهدا

بیان مقتل

عبدالله بن زیاد، محمد بن اشعث را فرستاد تا با
گروهی حضرت را دستگیر کنند. مسلم زره را بر
تن کرد و سوار بر اسب شد و با سربازان ابن زیاد
جنگ نمایانی کرد و گروهی از ایشان را به درک
واصل کرد. محمد بن اشعث فریاد زد: مسلم!
فرمود و چون عقیل اشعث را جراحتی بی شمار بر
بدن تازانیش رسید دست و معیض دست سربازان
با او باقی ماند و وقتی برای نجات به داخل مسجد
رفت، آن دهن فرفرفند و حضرت مسلم بی کس و
تجهان مسلم بن عقیل، تنها از مسجد بیرون آمد
در کوه های شهر کوفه گشت تا به در خانه پیرزنی
رسید به نام «لوعه»، که خانه از دو آواز و جرعه ای
آب طلبید. آن پیرزن آب آورد و مسلم را سیراب
کرد. جناب مسلم بن عقیل به خانه آن زن پناه
برد ولی فرزند پیرزن وقتی از وجود مسلم
بن عقیل خبر داد، شد مکان حضرت
را به سربازان عبدالله ملعون
نشان داد.

گزین مصیبت

لحظه های آخر حضرت مسلم بر اثر
تشنگی فراوان آب طلبید. آب را در
ظرف ریختند و برای مسلم آوردند.
همین که مسلم آن آب به لبهای
خویش نزدیک کرد که بیاشامد،
ظرف آب، از خون رنگین شد و
نیاشامید. تا سه بار کاسه را از آب
کردند: تا خواست بنوشد، خون دهان
مبارکشان در آب ریخت و توانست
بنوشد.^۲

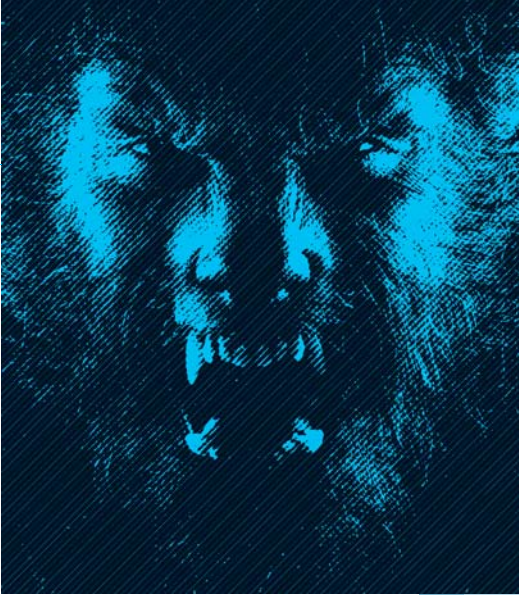
آری او سفیر حسین است و باید از
ارباب خود نشان داشته باشد، چرا
که سیدالشهدا هم در لحظه های
آخر گوشه گویا گلگاه صدا می زد
چگرم از تشنگی می سوزد ولی با لب
عطشان سر از بدنتش جدا کرد و همه
صدا زیند مظلوم حسین...

ختم روضه

بودند دیو و دده همه سیراب و می مکید
خاتم، به قطعا لب سلیمان کربلا
از آب هم مضایقه کردند کویان
خوش داشتند حرمت مهمان
کربلا

بی‌نوشته:

۱. قرنی از بیانات امام باقر^ع.
۲. شعر از استاد دینود.
۳. در محضر اهل بیت.
۴. شعر از شیخ عباس جعفری.
۵. شعر از صاحب زاده.
۶. مدینه المعاصیر ص: ۲۹۹، غلامه مجلسی، بحارالانوار ج: ۴۴.
۷. ص: ۲۲۹.
۸. حیات الامم محمد الطراز ج: ۳، ص: ۲۹۲.
۹. شعر از علی کربلاییان.



قرامطه دیروز داعش امروز

حسین مرعشی

«قرامطه» شاخه‌ای از فرقه اسماعیلیه است که در کتیب تاریخی و ملی و محصل به عنوان گروهی تنگ‌فکر، افراطی، عامل کشتارهای دسته جمعی و غارت‌گر مسلمانان معرفی شده‌اند. اینان بسیاری از مسلمانان بی‌گناه را قربانی انحرافات فکری و افراطی خود ساختند و می‌توان گفت که عملکردهای افراطی و تند و خشن سیاسی و نظامی این گروه قابل مقایسه با گروه «خوارج» در عصر نبی‌امیه و داعش امروز است، هر چند از لحاظ اعتقادی مشابهتی با یکدیگر ندارند.

قرقه قرامطه لقب یا تانگاران «حمدان قرامطه» اخذ شده است. اصول اولیه اعتقادات قرامطه، همان اصول پذیرفته شده در فرقه «اسماعیلیه» است که بیان آن در رسالت این نوشتار نیست. ملطی شافعی پس از نسبت دادن عقاید عجمی به قرامطه از جمله اینکه آنها، فرضی چون نماز، روز و نمازگزار و حج را واجب نمی‌دانند، اضافه می‌کند که آنها معتقدند کسانی که با عقیده آنها مخالفند، کافر و مشرک هستند و خون مالشان

حلال است و می‌توان آنها را سیر کرد. فتا که نشانگر اوج خشونت و افراط‌گرایی این فرقه است، یکی از مکتب‌های مهم و البته تلخ از عملکردهای خشن و زشت قرامطه حمله به مکه معظمه و استیلا فوجی در آنجا، جمله سرقت حجرالاسود است که به آن اشاره خواهد شد.

مقر قرامطه

در سال ۲۶۶ هجری در مناطقی از جنوب خلیج فارس و بحرین و قطیف و احساء، قرمطی‌ها حکومت مستبانه قدرتی تشکیل دادند که در اس آن شخصی به نام «سوسیدجایی» بود. هجوم بی‌امان قرامطه بحرین به شهرها و آبادی‌های دور و نزدیک کشتارهای بی‌رحمانه مردم، رب و غارت و خشت زبانی بر مسلمان به وجود آمده بود. در این میان کاروان‌های حجاج پیش از همه در معرض خطر بودند. کاروان‌های حجاج به خصوص حاجاتی که از طرف عراق به مکه می‌رفتند و مجبور بودند از جنوب نوزده قرامطه عبور کنند، همواره مورد حمله آنها بودند. این حملات

منبر

در سال‌های ۳۱۳ و ۳۱۴ آنچنان شدید بود که در میان‌ها هیچ یک از کسانی که از راه عراق به مکه عازم بودند، موفق به انجام مناسک حج نشدند.

یورش به حجاج خانه خدا

در سال ۳۱۷ خشونت به اوج خود رسید و قاجمه عظیم رخ داد. در این سال قرامطه طبق یک نقشه و توطئه حساب‌شده، به کاروان‌هایی که از سمت عراق در مسیر مکه بودند، حمله نکردند و کاروان‌های حجاج از جمله کاروان عراق به سرپرستی منصور دلمی، سالم و بدون مزاحمت به مکه رسیدند! اما قرامطه به فرماندهی ابوطاهر جنابی حجاج را غافلگیر کردند و با یورش وحشیانه، هم به آنها و هم به ساکنین شهر مکه حمله کردند و دست به کشتار عجمی زدند و اهانتی بی‌سابقه به مسجدالحرام اتفاق افتاد.

در این واقعه ابوطاهر در حالی که مست بود و بر روی اسبی قرار داشت و ششمیر عراقی در دستش بود با یک سیاه‌نهد نفی وارد مسجدالحرام شد. گفته شده اسب او نزدیک بیت ادرار کرد. قرامطه هر چه توانستند از حجاج و اهل مکه کشتند و از مقدسات اسلامی تنگ حرمت کردند. ششمیر عراقی قرامطه طواف کندگان، کاروان‌ها و زائران و کسانی را که به دروازه کوه‌ها فرار کرده بودند و رومی کرد مردم فرامی‌زدند که با هم ایگان خدایمی کشید؟ ناهمی گفتند کسی که با الوامی مخالفت کند همسایه خانجاست. تعداد کشته‌شدگان مجموعاً به حدود سی هزار نفر رسید که بسیاری از آنها از چادر زمزم ریختند و بعضی‌ها را بندوق کش و کفت و نماز جاهای دیگر دفن کردند.

در همین حال که قرامطه مردم را از تبخ می‌گزینیدند و از کشته‌ها غارت می‌ساختند، زورپهلوانان و جمله بزرگ‌توانان بیت را از جای خود بکنند و بی‌یکی از آنها سقوط کردند. آنها حجرالاسود را از جای خود برداشتند و با خود به بحرین بردند.

ریبون حجرالاسود

موضوع ریبون حجرالاسود در همه کتاب‌های تاریخی که جریان حمله قرامطه به مکه را نقل کرده‌اند، آمده است. در بعضی از کتیب این مطلب هم اضافه شده که ابوطاهر از گز به یعنی حجاج به (الحرام) را خواهم کشت و مکه را منهدم خواهم کرد زیرا به جای خواندن پرستیده می‌شود».

اسروزه همان سخنان قرامطه را می‌توان از زبان داعش شنید که در کتیب هزاران جنایت و تنگ حرمت مسلمانان، در جدیدترین اظهار نظر حمله به مکه معظمه و تخریب خانه کعبه را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

هر کس وارد این خانه شود در امتیاز می‌گیرد در حالی که دیدید آنچه را که من کردم» یک نفر از مردم که خود را برای کشته‌شدن آماده کرده بود لجام اسب او را گرفته و گفت: «معنای این سخن (که مضمون آیه‌ای از قرآن است) آن نیست که تو می‌گویی، بلکه معنای آیه این است که هر کس وارد این خانه شد او را در امان قرار دهید». قرامطه اسب خود را حرکت داد، رفت و به او توجی نکرد.

به گفته ابن کثیر، ابوطاهر قبه‌ای را که روی چاه زمزم بود، خراب کرد و دستور داد بایک مکه را از جای خود کنند و پوشش مکه را برداشته، قطعه قطعه کرد و به مردی دستور داد که بالای کعبه رفته و میراب را از جای خود بکنند و بی او بالا افتاد و مرد در این حال ابوطاهر از کتیب میراب منصرف شد. سپس دستور داد حجرالاسود را قلع کنند. پس مردی آمد و سا گریز بر آن گوید و گفت: «طیبا لبیل»؟ کجاست؟ «حجراته من سجیل» کجاست؟ سپس حجرالاسود را آکنند و به بیلا، خود حمل کردند.

قرامطه از ده روز (به نقلی شش روز) به نقلی هفت روز در مکه ماندند، آنگاه به سرزمین خودشان - حجر یاز- گشتند و حجرالاسود را با خود بردند. گفته شده که زیر حجرالاسود، چهل شتر هلاک شدند و جای حجرالاسود در کوشه خالی ماند و مردم دست خود را به جای آن می‌کشیدند و تبرک می‌جستند. قرامطه حجرالاسود را به شهر «احساء» بردند، اینکه در بعضی از منابع محل نگهداری حجرالاسود، بحرین یا حجر زد که بیان چیست است از زمان به منطقه و سیمی از شمال عرسان، فعلی بحرین و یا حجر شد می‌شد که شهر «احساء» در همین منطقه قرار داشت.

گفته‌های از جنایت قرامطه قرامطه ۱۲۰۰ سال قبل از تاریخ همان سخنان قرامطه را می‌توان از زبان داعش شنید که در کنار هزاران جنایت و تنگ حرمت مسلمانان در جدیدترین اظهار نظر، حمله به مکه معظمه و تخریب خانه کعبه را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

یکی از اعضای گروه نوروستی دولت اسلامی عربی در ماه موسوم به داعش تهدید به تخریب خانه خدا در مکه کرده است و نوشته: «عربان خاندان بنوری با همی شیخا البغدادی عبادت کنند که سنگ‌ها را گز به یعنی حجاج به (الحرام) را خواهم کشت و مکه را منهدم خواهم کرد زیرا به جای خواندن پرستیده می‌شود».

البلاغه

انگیزه‌های تألیف نهج البلاغه

حسین بهاقان

انتشار:

اخ القسّر آن یا نهج البلاغه میراث گران سنگ معارف الهی و دربردارنده عجایب بلاغت و شگفتی‌های فصاحت و گوهرهای زبان عربی و کلمات نغز دینی و دنیوی است که مشعشع قزوون در راه جویندگان حقیقت و سالکان طریقت است.

سید رضی با بهره جستن از جایگاه بلند علمی و سیاسی خویش، ناب‌ترین معارف علوی را در «نهج البلاغه» به جامعه بشری تقدیم کرد. نوشتار پیش رو، عوامل و انگیزه‌های تدوین و تألیف این کتاب شریف را می‌کاود.

شرف ابوالحسن محمد الرضی الموسوی در قرمات‌وایی آل‌نجری در بغداد متولد شد. روزگار سید رضی معاصران با دوره خلافت عباسیان، بر قرمات‌وایی آل‌نجری بود. شرف رضی «نهج البلاغه» را از شش سال پیش از وفات خود در سال ۴۰۰ تألیف کرد. «دو عامل اساسی در گردآوری الف) شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که از نیمه نخست سده چهارم بر بغداد حاکم بود و دو نیمه سده پنجم ادامه داشت.

ب) شخصیت سیاسی، اجتماعی، علمی و ادیبی سید رضی».

شهرت‌اندیش سیاسی حکام در عصر سید رضی

عولیان در حکومت‌بنی‌امیه‌ونی عباسی‌نخ‌ترین روزگار خود را چشیدند. آنان کشتار و اسارت هم گیسوان خود را می‌دیدند و توهین و تفرین بر امیرالمؤمنین علیه السلام را برای منابر می‌شنیدند. نخستین بخشنامه مایه مفریه نای اموی در کوفه و بصره و همه سرزمین‌های اموی مبنی بر دشمنان به علی علیه السلام در خطبه‌های نماز جمعه و زودن فرهنگ علوی و جعل حدیث بود. به‌وسیله عالمان درباری و واژگونه نشان دادن فضیلت‌های آشکار حضرت علی علیه السلام بود. عباسیان نیز گرچه در ابتدا برای تثبیت و تحکیم قدرت سیاسی و نظامی خود برکردی به فرهنگ شیعی دانشمندولی در ادامه امامان شیعه را محدود و زندانی می‌کردند و سرانجام به شهادت می‌رساندند. دوره مورد تامل مجالسی از دشمنان حضرت علی علیه السلام ترتیب داده می‌شود به استهزای پرداختند.

آل‌بویه نیز اگرچه سلسله ایرانی و شیعه‌مذهب بودند ولی علاقه‌مند به ادامه فرمانروایی خود در میان مردم ایرانی و عرب و ترک بودند که اکثریت عظیم آنان مذهب سنی داشتند. از این رو آل‌بویه از لحاظ مذهب به تسامح مشهورند و گرایش شیعی آل‌بویه نیز دردی از دردهای شیعه را کاهش نداد و حاکمان دلمی برای منافع خود، موجبات آزار و اذیت شیعیان را فراهم آوردند و بزرگان شیعی می‌مانند «طاهر ذوالنطاق» پدر «سید رضی» را دستگیر و زندانی کردند.^۱

معاذت‌الله شخصیتی سید رضی

۱. سید رضی شاعر برجسته قرن چهارم سید رضی در چنده تاریخ‌هایی در زمینه‌های تفسیر، مذهب، فقه، تاریخ و کلام اسلامی در میان هم‌عصران خویش به عنوان یک شاعر توانا شناخته می‌شد. آثار او کتاب متعدد در زمینه شعر و ادب گویای این مدعاست. او برای اولین بار در نه سالگی، قصیده‌ای درباره پدرش سرود. طبق تحقیق زکی میرزا مضمیری، او جمعا چهل قصیده درباره پدرش سرود که نشانگر روح علاقه و به‌یادش است.^۲ برای بهتر نشان دادن قدرت سید رضی در پهنه ادب، باید دو شعر برجسته زمان او را بشناسیم و بدلیلم که سید رضی در وصف وی یونند این دو شعر برجسته است:

شخصیت سیاسی سید رضی

اولین منصب سیاسی از سوی پدر سید رضی به

او پیشنهاد شد. طاهر ذوالنطاق سال‌ها منصب نظارت دیوان نظام و سرپرستی حجاج و زائران خانه خدا و رسیدگی به حال مسادات دودمان ابوطالب را بر عهده داشته‌بود و علی ضعف و کهنولت سن تمام این مناصب را در سال ۲۸۰ به فرزندی، سید مرتضی که در آن زمان ۲۱ سال داشت اعطا کرد.^۳ حوادث بزرگ و پیشامدهای شگفت و دگرگونی‌های اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی و تحولات فرهنگی روزگار سید رضی را اساسا در بر گرفته بود. به‌ویژه آنکه وی از خاندانی بزرگ بود. روز خاندانی سرگ برآی و خواندانش اتقانی می‌آفاد. در آغاز جوانی به سبب مسولیت‌های سنگینی که بر عهده‌او گذاشته‌شده، مورد توجه خلیفه و ششاهان و بزرگان و وزیران قرار گرفت. بنابر این طبیعی است که شمار و آثار او هم‌سازنده حوادث تاریخی و اجتماعی باشد.

بینه تألیفات سید رضی

علی‌رغم تساهل آل‌بویه در مسائل مذهبی، قرن چهارم هجری به یکی میان‌بر تفکر شیعی است. در این دوران آل‌بویه با گرایش‌های شیعی خود بر سرزمین‌های اسلامی باطنی و فتنه‌شومیان که تاکنون در زیر تیغ عباسیان قدرت‌تفلس نداشتند، مجالی یافتند تا به ترویج مبنای مذهب پیردانش خود کرسی‌های آزاداندیشی برپا کنند. در این میان سید رضی با دو باوری قدرتمند، جایگاه رفیع علمی و نفوذ سیاسی- پیوسته در انتظار فرصت بود تا به‌وسیله عواملی که پیوسته خود را اختیار سید می‌داشتند بر ضد دستمگران بشورد. حق اهل بیت علیهم السلام را که سال‌ها موبایان عباسیان غصب کرده بودند، بگردید.

وی با فراست و سیاست تمام بدون اینکه جامعه اهل سنت آن زمان را تحریک کند، با تکیه بر برخی توانایی فوق‌العاده خود در زمینه شعر و ادب، شیعه را با تکیه و پی‌بندی امیر کلام، حضرت علی علیه السلام را در قالب کتابی گزینش و جمع‌آوری کرد و در ادب نام آن را «مجمع البلاغه» گذاشت. وی درباره وجه تسمیه این کتاب در مقدمه نگاشته است: «دیدم بهتر است که آن را بپنج رویه نظارن می‌نامیم و در کتاب درهای بلاغت را به نام نظارن می‌نامیم و چون یونند که هرگز در آن دستن آن زدیم و می‌سازد».

تکلیف تألیف نهج البلاغه از زبان مؤلف

سید رضی در مقدمه «مجمع البلاغه» انگیزه خود از تألیف این کتاب را گنجینه بخشی از سخنان

امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی می‌کند که از جنبه‌های فصاحت و بلاغت بر جستگی ویژه‌ای دارد. وی در این مقدمه تصریح می‌کند: «در کلمات آن حضرت نگرستم و بهترین نشان را بر گزینش کردم و فقط به جنبه‌های فصاحت و بلاغت آن نظر داشتم».

در پایان ترجمه بخشی از مقدمه شریف رضی بر نهج البلاغه را در تبیین انگیزه وی از نگارش این اثر از نظر می‌گذرانیم:

«من در عنوان جوانی و ایام‌بهار زندگانی، با آغاز به تألیف کتابی در فضائل مخصوصا ام‌المطهر علیه السلام نمودم... چون از ذکر فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام علی علیه السلام فراغت یافتیم، پیش آمده‌ای روزگار گرفتاری‌های گوناگون ایام مرا از تکمیل بقیه کتاب باز داشت.

گروهی از دوستانم، چون این کتاب را نگرستند آن را پسندیدند و از من خواستند کتابی تألیف کنم که شامل هر گونه سخنان برگزیده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها، رساله‌ها، مواظف و کلمات فصاحت باشد.

با این همه من ادعایی نمی‌کنم که به تمامی سخنان آن حضرت دست یافتیم؛ بلکه دور نیست بگویم آنچه از سخنان حضرت نیلور، در آنچه از او بردم زیادت بوده و آنچه در مقدمه کار آمده از آنچه گرد نیامده کمتر است».

پی‌نوشت:

- ۱. جعفری، سید محمد مهدی، آموزش‌های الهیه، ص ۳۸.
- ۲. جعفری، سید محمد مهدی، آموزش‌های الهیه، ص ۳۹.
- ۳. ذوالنق، علی‌سید، مؤلف نهج البلاغه، ص ۱۲.
- ۴. همان، ص ۱۸.
- ۵. همان، ص ۱۷.
- ۶. همان، ص ۱۷۲.

معتبر

شماره ۳۲
۱۳۹۲

فصلیت‌های فراموش‌نشده‌ی

نگاهی دیگر به بیان فضایل امیر مؤمنان محمدحسین مروجی طبیبی

«ذکر علی عبادت» از جمله احادیث مشهور نبوی است که در شهر تبریز غرب است. دقت در این حدیث مآرایه این نکته خرمون می‌سازد که قضاصل مقصود از ذکر و یاد حضرت علی، فقط نام آن حضرت و تکرار آن نیست؛ چنان که برخی از صوفیان درام آن گرفتار شده‌اند. اگر معنای «ذکر علی» به‌مدرتی تفسیر شود، عبادت‌بودن و عظمت آن نیز روشن خواهد شد. مقصود از «ذکر علی» بیان معطایی است که یادآور عظمت و مقام شایع آن حضرت باشد که چیزی جز بیان فضائل و مناقب آن حضرت نیست؛ چنانچه نقل فضائل و مناقب یکی از مهم‌ترین راه‌ها و چنگ‌بند و گرایش مردم به اخص است.

حضرت سیدالیه فضائل امام علی علیه السلام و عبادت‌بودن آن زبانی خود را نشان می‌دهد که در زمان حیات و پس از شهادت آن حضرت در سه مرحله فضائل آن حضرت مورد تاخت و تاز دشمنان ایشان، به‌ویژه بنی‌امیه، قرار گرفت. در

مرحله نخست تکمیل و انکار فضائل آن حضرت

توسط اصحاب سقیفه کلید خورد. در مرحله دوم همانندسازی، شیعیان، سرتق و مصاهره فضائل امام علی علیه السلام برای دیگران بود؛ چنان که ابن ابی‌الحدیث معتزلی در شرح نهج البلاغه به تفصیل در این باره سخن می‌گوید. هر مرحله سوم لمن و سب امام علیه السلام است که پس از شهادت آن حضرت توسط معاویه علی علیه السلام در یکی از بخشنامه‌های خود به استناد ارباب فرمانداران چنین خطاب کرد: «اگر ثابت‌شده فردی دوستدار علی و خاندان اوست، نام او را از فهرست مردمان دولت محو کنید و حقوق او را قطع و از همه مزار محروم سازید».

در وی در بخشنامه دیگری کام‌فراش نهاد و دستور داد که گوش و بینی افرادی را که در دوستی

«دولت‌های اموی و عباسی نسبت به فضائل علی علیه السلام حساسیت خاصی داشتند و برای جلوگیری از انتشار مناقب وی قبیضان و محدثان و قضاوت را احضار می‌کردند و فرمان می‌دادند که هرگز نباید درباره مناقب علی علیه السلام سخن نقل کنند. از این جهت، گروهی از محدثان ناچار بودند که مناقب امام را به کلیه نقل کنند و بگویند: سوری از فریض چنین کرده».



خاندان علی علیه السلام می‌کنند، بر نه خانه‌های آنان را ویران کنند. در نتیجه این فرمان، بر ملت عراق، به‌ویژه کوفیان، ائجتان قشاری آمد که احدی از شیعیان از ترس مأموران مخفی معاویه نمی‌توانست راز خود را حتی به دوستان ابراز کند؛ مگر اینکه قبلا سوگندش می‌داد که راز او افشاسازد

اسکافی در کتاب «تقص عثمانیه» می‌نویسد: «دولت‌های اموی و عباسی نسبت به فضائل علی علیه السلام حساسیت خاصی داشتند و برای جلوگیری از انتشار مناقب وی قبیضان و محدثان و قضاوت را احضار می‌کردند و فرمان می‌دادند که هرگز نباید درباره مناقب علی علیه السلام سخن نقل کنند. از این



ریشه تاریخی پیغمفه

یگرگفته از خبیرگزایی شبستان



یکی از سوالات جدی در تاریخ صدر اسلام این است که چگونه احصایی که از بذل مال و جان در راه رسول اسلام دریغ نمی کردند و اگر از شرکت در جنگ معاف می شدند، چشمانشان اشکبار می شد، سفارش اشکار آن حضرت نسبت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از ارس از آن حال به فراموشی سپردند و به رای سقیفه گرن نهادند. محمد الله حکیم و پیر و هوشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه در گفت و گویی به تشریح و تحلیل واقع پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخته است.

پیغمفه ۱۷ ساله سقیفه

در بررسی تاریخی یک حادثه تلاش می شود تا تمام ابعاد آن مد نظر قرار گیرد. غیر از اخبار و گزارشاتی که درباره وقوع حادثه وجود دارد آن راز پیغمفه این است که تا زمانه که واقع گشته به همین آن ریزیدان این حادثه تأثیر گذار بوده است؛ حادثه سقیفه نیز از این قاعده مستثنی نیست. واقعه سقیفه یک ریشه کهنه تاریخی دارد که به ۱۷۰ سال پیش از وقوع آن بازمی گردد. سال ها پیش از سقیفه، پدیده‌ای در میان قبایل اعلامی پیامبر، توانست قبایل مختلف قریش را که زیر سلطه قبایله قرار داده بودند، بهم متحد کرده آنها را به داخل مکه بیاورد و قبایل پیشین را کنار بزند. اعلامی پیامبر، اعلامی پیامبر قریش در میان سایر قبایل و در نظام قبایله‌ای آن روز دارای جایگاه ویژه سیاسی، اعتقادی و قبایله‌ای شد. قسمی با گردآوری قریش و برقراری اتحاد میان آنان سروری و ریاست آنان را هم به دست آورد.

بوده‌ای که قریش نیز بزرگوار پذیرفت و فرمان او اطاعت کرد.

ریاست سیاسی یا بنی هاشم ریاست نبوی یا بنی عبدالمطلب

قصبی در میان قریش حکم یک حاکم را داشت و احکام صادر از سروری او اطاعت و سنت‌های او اجرا می‌شد و پیش از آن که مرگ مناصب مکه و شریعت وراثتی تقسیم کرد و بیشتر آنها را به پسرش عبدالمطلب داد. پس از قصبی ریاست سیاسی به پسرش عبدالمطلب و سپس به هاشم و «بنی هاشم» و ریاست نبوی (پره‌داری و خزان‌داری) کعبه به «بنی عبدالمطلب» رسید. پس از مرگ عبدالمطلب و عبدالمطلب فرزندان آنان بر سر تقسیم مناصب مکه با هم اختلاف کردند؛ در نتیجه قبایل و تیره‌های قریش نودست شدند و ۱۳ و ۱۲ تیره تمدن طلب طرقداری بنی عبدالمطلب و ریاست نبوی هاشم با هم مطمین و پنج تیره با عنوان احلاف هودار بنی عبدالمطلب بودند. تنها پاره‌مبانی بزرگان و تقسیم مناصبها از جنگ

پیشگیری کرد. این درگیری و بحران تا آنست که بعثت پیامبر ادامه یافت. قریش در آنست که پیغمفه بعثت پیامبر شامل ۲۵ تیره است که ۱۲ تیره قدرت بیشتری دارند و دو تیره از آنها یعنی بنی هاشم و بنی مطلب قبایله بنی هاشم را تشکیل می‌دهند. بنی هاشم و بنی مطلب دو برادر هستند که زیر مجموعه آنها یک یا دو قبایله را تشکیل می‌دهند. این قبایله پس از تدبیر «قصبی» تقریباً شبیه یک حاکم، کلیه امورات مکه را به دست می‌گیرد و پس از ۴ تا ۵ نسل این حاکمیت به رسول خدا می‌رسد. در این مدت به تدریج قدرت سیاسی و اجتماعی بنی هاشم کاهش می‌یابد و در مقابل بر قدرت دیگر قبایل افزوده می‌شود؛ به گونه‌ای که توازن قوا و برابری اقتدار حاصل می‌گردد. اتفاقی که در این میان رخ می‌دهد این است که وقتی دیگر قبایل به این واقعه می‌نگردند، می‌بینند که در طول ۵۱ نسل گذشته همیشگی خاندان حاکم و رییس مکه بوده‌اند؛ بنابراین دیگر قبایل قریش با هم رقابت می‌کنند تا خود را ابلا کشیده، ریاست مکه را کسب کنند. در این میان مزاجی میان قبایل رخ می‌دهد و برخی از آنها علیه برخی دیگر با هم پیمان‌هایی می‌بندند. یک گروه طرقدار هاشم و فرزندان او گروهی دیگر طرقدار عموزاده‌های آنها یعنی بنی عبدالمطلب هستند. این تریب دو جزو و گروه سیاسی که در اوج منازعه با هم قرار دارند شکل می‌گیرد.

تدبیری برای بازسازی قدرت بنی هاشم

۲۵ قبایله قریش که ۱۲ قبایله آن صاحب قدرت و شریعت هستند، به دو دسته تقسیم می‌شوند که ۷ گروه و طرقدار عبدالمطلب و ۸ گروه در وجهه‌مقابل قرار دارند. در همین گیر و دار است که پیامبر مبعوث می‌شود. او در حالی است که در جریان رقابت‌های سیاسی و قبایله‌ای گروه مخالف عبدالمطلب، پیامبری رسول خدا را پیامبری نمی‌بیند، بلکه تلاش و تدبیری می‌بیند که بنی هاشم برای بازسازی قدرت خود آن را اندیشه‌ای است. به عبارت دیگر آنها معتقدند که حال که سایر قبایل با بنی هاشم به توازن قدرت رسیده‌اند، آنها تدبیری اندیشیدنیانه قدرت خود را باز گردانند. بنابراین این با شیوه‌های عقلمانی

پیامبر می‌استند و این ایستادگی باعث می‌شود که از میان همان احزاب حقت‌گانه بنی هاشم نیز پنج قبایله جدا شده به جبهه حقیقت پیبوندند. نتیجه‌ی بنی هاشم تضعیف می‌شود و جبهه مخالف قدرت بیشتری می‌یابد. در دل این وقایع، رسول خدا به مدینه هجرت می‌کند و در آن شهر یروانی می‌یابد که به کمک آنها قدرت می‌یابد و سرانجام مکه را فتح می‌کند. در جریان فتح مکه بسیاری از قدرتمندان قریش تسلیم پیامبر می‌شوند. دست‌آست که این افراد به لحاظ سیاسی تسلیم شده‌اند، اما به لحاظ پشتوانه فکری هنوز همان تفکر و تصور را دارند؛ یعنی نظر آنها این است که بنی هاشم به بهانه دین و وحی از آسمان بر آنها سلطه پیدا کرده و این سلطه گذشته را ادامه می‌دهد و آنها باید به هر شکل ممکن این سلطه را پایان دهند. این گروه تا زمانی که پیامبر در قید حیات است جرئت مخالفت ندارند.

در همان سال‌ها که حضرت اعلام می‌کند که «ایسال سال آخر عمر من است» اتفاقات مختلفی رخ می‌دهد؛ از جمله اتفاقات سال آخر حیات رسول خدا آن بود که تمام قبایل قریش علیه خاندان بنی هاشم با هم متحد می‌شوند تا کسی را بنی هاشم جانشین پیامبر نشود؛ چرا که این گونه تصور می‌کنند که اگر کسی از بنی هاشم جانشین پیامبر شود، حکومت در میان آن‌ها موروثی شد. در بنی هاشم امام می‌یابد و به سایر قبایل نمی‌رسد. عده دیگری تصمیم به کنار گذاشتن خلفه هاشمی (امام علی) از قبل گرفته شده بود و تنها با یکدیگر با او به صورت اتفاقی در سقیفه انتخابات شد. سه خلیفه هستند سخنگو و مجری و تصمیمات پیشین هستند نه تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر.

انگیزه‌ای نه تن‌نویزوندان حکومت به تعیین نبوت

پیشینه ذهنی این قبایل آن است که بنی هاشم ۱۷۰ سال پیش از اسلام مام سلطه داشته‌اند و اگر وضعیت به همین روال ادامه یابد در آینده نیز بر ما سلطه خواهند داشت؛ بنابراین تصمیم می‌گیرند اجازه ندهند پس از پیامبر کسی از بنی هاشم جای او را بگیرد.



برای آنها تفاوتی ندارد که جانشین پیامبر چه کسی باشد؛ علی علیه السلام، عباس علیه السلام یا هر کس دیگری؛ تنها نباید از بنی هاشم باشد. این تفکر از پیش وجود داشته و حتی در زمان شخص رسول خدا نیز اظهار می‌شد؛ اما در آن زمان چندان میان تفوذ نمود بی‌امانی می‌شود. در نتیجه این گونه که مکتور می‌کنید و در ذهن ما القا شده است که پس از رحلت رسول اسلام سه نفر خلافت حضرت را غصب کردند، نیست. تعیین شده بود و در شرایط بحران سیاسی و برای حل و فصلی ماجرا این تصمیم گرفته شد. برخی از انصار نیز با توجه به اینکه با هم اختلاف و رقابت دارند به این تصمیم تن داده، با ابوبکر بیعت می‌کنند. توجه به این نکته که اگر انصار بیعت می‌کنند، پس از جانشینی بنی هاشم حمایت می‌کنند، این می‌توانستند رودروی قریش باشند یا به مجال دیگری از طلب می‌کند.

کنار گذاشتن حضرت علی علیه السلام از نبوت تعیین شده بود

انصار با این توجه ذهنی، در سقیفه جمع می‌کنند تا تصمیمی بگیرند. گروه مخالف نیز

یکی از فرزندان من، فرزند دیگرم را کشته است! به فرزند دیگر من چه کار دارید؟ همه غلاب فرزندان من هستند



منبر • هویت طلبگی

نمسی از دریای آرامش

شرح حال سید ابوالحسن اصفهانی

سید محسن باقی زاده طلبه



نهم دی الحجه سالروز درگذشت شریف عالمی قدر شیعیان آیتالله سید ابوالحسن اصفهانی بهانه‌ای شد تا در مقالی کوتاه به زوایایی از زندگانی این بزرگمرد تاریخ تشیع بپردازیم. آیت الله اصفهانی در سال ۱۲۴۸ هجری، در روستایی از توابع اصفهان دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی خود را در اصفهان آغاز کرد و در عنوان جوانی به نجف شرف هجرت کرد. در آنجا در محضر بزرگانی چون میرزای شیرازی، میرزا حبیب‌الله رشتی، محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی و... رزاقی و تلمذ زد و دهه‌ی پایانی عمرش را عهده‌دار زعامت و مرجعیت دینی شیعیمان جهان بود. از شاگردان مشهورش هم می‌توان به آیات عظام سید محسن حکیم، سید محمد هادی میلانی، سید محمود شاه‌رودی، سردار کابلی، علامه طباطبائی، سید عبدالله شیرازی، میرزا هاشم املی و... اشاره داشت.

این عالم جلیل‌القدر پس از ۸۱ سال تلاش در راه اسلام دار فانی را وداع گفت. پیگر باکش در کنار قبر فرزند شهیدش سیدحسن و از اماگه آیت‌الله خراسانی در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد. سده‌ی زمامت، کمک به دیگران و هوشیاری و خردمندی از بارزترین خصایص اخلاقی آیت الله اصفهانی بود که در ادامه به برخی از این خصایص اشاره می‌کنیم.

انفرفرخی

سید ابوالحسن از ابتدای جوانی بارها طعم تلخ فقر را چشیده بود. یکی از علمای نجف نقل کرده که «خدمت آقا سید ابوالحسن اصفهانی رفیق در حال گذر از کوچهای، خرابه‌ای را نشانم داد و فرمود: من با خانواده خود بیازنده زور در این خرابه ساکن بودیم- صاحب‌خانه گفته بود رضایت نازد در خانه‌اش ممانیم، به ناچار از آنجا خارج شدیم و تا پیدا کردن منزل اجاره‌ای دیگری، چون جایی نداشتیم مجبور شدیم در اینجا بمانیم».

یک‌سده‌ی یکی از طلاب که در مضیقه‌ی شدیدی بود، شبی را اثر ذوی آمد و پولی طلب کرد. سید در تاریکی شب، مقداری سکه به او داد. آن طلبه به گمان آنکه لیره عراقی است، خوشحال به منزل رفت و چون در روشنائی دید که آن سکه‌ها پول سیاهی بیش نیست، نامهای بلندبالا به سید نوشت بدین مضمون که «پول و مقام برای تو فقر، توفیق و تنگدستی برای من! اما چرا این چنیندلس (پول کم ارزش) را به من دادی».

سید او را طلب کرد و فرمود: «تمام دارایی من در آن شب، همانی بود که به تو دادم. تو در براب من چگونه اندیشیدی؟ در همین زمان مرجعیت بارها شده من و همسرم پول حمام نداشتیم و غسل واجب خود را نسیم» می‌گذاشتیم. وقتی گفتی پول ندارم، بی‌پولی‌های خودم به خاطرم رسید، گفتم شاید تو هم مثل من برای غسل واجب پول نداری؛ از این رو هر چه داشتم به تو دادم».

بخشش و اغماض

در سال ۱۲۳۹ هجری و در بجنوبه مبارزه علما عراق با حکام انگلیسی، طلبه‌ای با تحریک نیروهای سید ابراهیم رانگل و با داشتن کینه‌ای قدیمی از سید ابوالحسن، فرزند ایشان را در نماز جماعت و در پشت سر ایشان به شهادت رساند. اما تنها واکنشی که سید ابوالحسن به این واقعه نشان داد، فقط این بود: «لا حول و لا قوة الا بالله العلی‌ العظیم».

همان موقع فرد قاتل دستگیر می‌شود. با کمال تعجب فردی این واقعه سید در خواست می‌کند که آن طلبه از آزاد کنند و می‌گوید: «من از او گذشتم، قاتل هم مانند فرزند من است، راضی نیستم یکی از فرزندانم کشته شود و دیگری زندانی». پس از شهادت سیدحسن، فرزند آیت‌الله بی احترامی



آیت‌الله اصفهانی در کنار استادش بهبهانی

برخی از مردم به طلاب و حتی از آزار و اذیت ایشان شرم‌ناز شده و وقتی این خبر به سید رسید دستور داد در مجلس ترجم پسرش از قول او بگویند: «یکی از فرزندان من، فرزند دیگرم را کشته است! به فرزندان دیگر من چه کار دارید؟ همه غلاب فرزندان من هستند».

خاک

یک‌نظر از طلاب حکایت می‌کرد که در صحن امام حسین علیه السلام نزدیک تل زینیه نشسته بودم و مردی در کنار من ایستاده بود که آیت الله اصفهانی از حرم خارج شدند، آن مرد آهسته گفت: بروم سید را دشنام بگویم، سپس به دنبال سید رفتم و پس از چندی با چشمان گریان بازگشت. غنشی را پرسیدم: گفت: من تا منزل سید را دشنام دادم، زمانی که به منزل رسید گفتم چند لحظه بمان با تو کاری دارم و داخل خانه شد. طوفی تشکیدی از منزل خارج شد و بوقالی به من داد و فرمود هر موقع تشکیدی به تو رو آورد به ما مراجعه کن؛ زیرا ممکن است دیگران حاجت را بر آورده نکنند، من آمادگی دارم که هر گونه دشنام و نامزایی را بشنوم! لکن استدعا دارم ناموس مرا مورد دشنام قرار نده. دشنام دهنده ادامه داد: چنان این کلمات پیاپی مکرر می‌شدند که من در عمیق گذاشت که نزدیک بود قالب تهی کنم و این اشک از همان است».

بسیط بد

پس از جنگ جهانی دوم دولت انگلستان به خود تلاش کرد برای به دست آوردن جاگاهی در میان شیعیمان، سید ابوالحسن اصفهانی را به سوی خود متعایل سازد. به همین دلیل سفری وقت بریتانیا چندین بار از سید تقاضای ملاقات کرد که هر بار با مخالفت سید روبه‌رو شد. وی سرانجام به واسطه‌ی شخصیت به نام نوری سید موقوف به ملاقات در حضور بزرگان حوزه علمیه عراق شد. سفیر در این دیدار پس از عرض اتراد می‌گوید که دولت بریتانیا تمهید کرده بود که در جنگ بر آلمان پیروز شود، برای انجام امور دینی، مبنی را به رهبران دینی جهان پیشنهاد کنون می‌دهی از اینها خرج می‌کردیم، به دست شما و هر یکی مسیحیان در دست پای است. هدیه‌ی اعطایی باب، در ویتاکان به ایشان داده شد و هدیه‌ی شما هم نزد من است تا خدمت شما تقدیم کنم.

سید ابوالحسن در حضور آقا قاضی‌الدین عراقی، شیخ محمدحسین کهمانی، جمالی خوساروی و... در میان تعجب ایشان می‌فرماید که هدیه‌ی را بپذیرم. سفیر با خوشحالی چکی به مبلغ ۱۰۰ هزار دینار عراقی به ایشان می‌دهد. سید پس از دیدن وجه چک، کاغذی می‌نویسد و می‌فرماید: شنیدم در جنگ، سربازان مسلمان هندی بسیار کشته شدند. شما این چک و یک خانه‌ی من از به همین مبلغ دو بزرگدی خرج خانواده‌های آن سربازان کنید! اگر مسیوول اید بپذیرید، بیش از اینها خرج می‌کردیم، سفیر در مراجعت از خانه‌ی آقا گفته بود ما خواستیم او و پیروان او را بخریم، اما او ما و دولت انگلیس را خرید».

بوی نوشت:

۱. ترمذی (ص ۲۵) و زرنگی (ص ۱۰۰).
۲. معنی اصفهانی (ص ۱۰۰) و بافتگر، هم در سده‌ی ۱۲۸۱ هجری قمری (ص ۲۲۱).
۳. موسوی اصفهانی، جمیع جلدات جلد اول، زندگانی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (قدس سره)، مشهد: انتشارت (۱۳۴۵).
۴. ص ۱۱۱-۱۱۰.
۵. همان، ص ۱۰۱.
۶. همان، ص ۱۰۲-۱۰۱.



منبر • هویت طلبگی

تکریم خانوادہ در سیره عالمان دین

جواد محمدزانی

مقدمه

خانواده‌وزن در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره به محبت نسبت به خانواده سفارش می‌کردند: آن حضرت زن را در ردیف عطر و نماز ذکر کردن و فرمودند این سه را از دنیا بزرگیم. نخستن مرد نزد عیال خود، نژد پرویزگار از اعتقاد در مسجد النبی بالاتر است: «حلووس المرء عند عیاله أحب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا».

تکریم عواطف خانوادگی

در قرآن کریم می‌خوانیم: «ومن آیات ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتکنوا لیهن»^۱. احساسات و عواطف همواره در زبان بیش از مردان است: از این رو قرآن کریم بسکون و آرامش را در کنار آنان از مطرح فرموده است. در احادیث معصومان علیهم السلام محبت نسبت به خانواده و بیان آن اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ تا آنجا که این مهجه از حلال آفتاب، حلال آسمان، کشته شده است «من اخلاق الانبیاء، حلال آسمان است»^۲. نیز در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام آمده‌است: «کفما ازاد العبد ایماناً اذا دعت لئلسه»^۳. از این رو یکی از ملاک‌های بررسی میزان ایمان افراد،

«فرض کنید اگر مادرمان یک قانون برای منزل وضع کرده باشد، ایشان حتماً رعایت می کنند. اگر آقایان امام بیاضی و گویند، من اینجا می خواهم بنشینم، اگر مادرمان بگویند، نه، بشه این نیست که اینجا کسی بنشیند. ایشان قورا عمل می کنند».



توجه او و نسبت به خانواده و محبت به اعضای آن است.

علامان دینی و تکریم عواطف

علامان دینی به دلیل انس فراوان با قرآن کریم و سیره مصومان علیهم السلام همواره می گویند در بنادر و قنار و اقلین را بیمایند. در این مجال به نمونه‌هایی از این مسئله در زندگانی حضرت امام خمینی علیه السلام و علامه سید محمدحسین طباطبائی علیه السلام می پردازیم.

در سیره امام خمینی علیه السلام

امام علاقه فراوانی به همسر خود داشتند، به گونه‌ای که این مسئله در میان اطرافیان ایشان زبانت در بود. یکی از نزدیکان امام می گوید: «علت علاقه عمیق حضرت امام به همسرشان، فداکاری خانم بود و همیشه می گفتند خانم، بی نظیر است. ایشان پانزده سال در آب و هوای گرم بخش مشکلات را تحمل کرد و همه جا همسر امام بود. در حالی که در خانواده پدری‌شان در رفا به سر می بردند و دختر خانم پانزده ساله‌ای پیش می بردند که به خانه امام وارد شدند. ایشان در آن زمان هم را دوست نداشتند، ولی هرگز این مسئله را نزد امام اظهار نکردند. امام همیشه در پاسخ ما که می پرسیدیم چه کنیم که شوهرمان به ما این همه علاقه مند باشند می گفتند: اگر شما هم این قدر فداکاری علاقه خواهند داشت».

که نگاه مهم در سیره امام اهمیت به قانون منزل بود چنان که نقل شده: «فرض کنید اگر مادرمان یک قانون برای منزل وضع کرده باشد، ایشان حتماً رعایت می کنند. اگر آقایان امام بیاضی و گویند، من اینجا می خواهم بنشینم، اگر

من فکر می کردم و یا که می نوشتم با من حرف نمی زد تا رفته افکارم از هم گسسته نشود و برای اینکه خسته نشوم، رأس هر ساعت در اطراف مرا می زد و می گفت: «کار خود می رفت».

استاد سید صدرالدین حائری شیرازی که از شاگردان نزدیک علامه است، نقل کرده که روزی همسر استاد می گفت: «هنوز هم بین من و ایشان تعارفات مرسوم وجود دارد و حضرت علامه تاکنون با تغییر سبکی نام مرا نبرده و هرگز اسم مرا به تنهایی نمی برد».

بسی دلیل نیست که علامه در مرگ چین همسر فداکار و مؤدبانه اشک می ریخت و سه روز بعد از فوت او می گوید: «وقتی این بانو از دنیا رفت، زندگی من زیر و رو شد. ایشانه ابراهیم امینی گفته اند: وقتی استاد را فقد همسر می گریست، عرض کردم ما باید درس صبر را از شما بیاموزیم، چرا بی ای نایی می کنید؟ فرمود او: بسیار مهربان و فداکار بود و اگر همراهی‌های ایشان نبود من موفق به نوشتن و تدریس نمی شدم».

سید عبدالقایی طباطبائی فرزند علامه نقل کرده است: «علامه در خانه خیلی مهربان بودند و به هیچ وجه دستور نمی دادند. هر وقت به هر چیزی می مثل چسای و مانند آن نیاز داشتند، خودشان می رفتند می آوردند و سانهنگامی که عسل یا یکی از اولادشان وارد اتاق می شدند، ایشان در جلوی پای آنها تمام قاست بر می خاست، بسیار خلیق و مؤدب بودند. بارها اظهار می داشتند که مدعو موقت‌ها ایشان را مدیون همسرشان بوده‌اند».

آنچه نگاشته شد تنها بخشی از سیره عظیم و تکریم خانواده در سیره عالمان دینی بود. امروزه در جهانی زندگی می کنیم که اندیشه غربی می گوشتد از طریق گوناگون نهاد خانواده را سست و ویران سازد. از این رو بر ماست که با سرمشق تکریمی از راه عالمان دینی و سفارش دیگران به بهره گیری از آن، به رشد ارزش‌های اخلاقی و تکریم خانواده کمک کنیم.

پی نوشت:

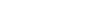
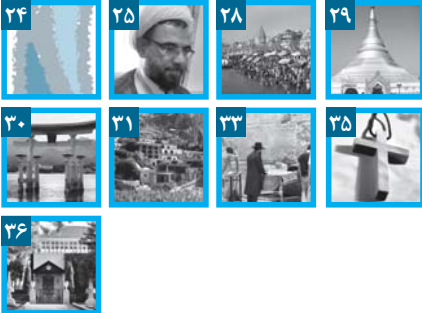
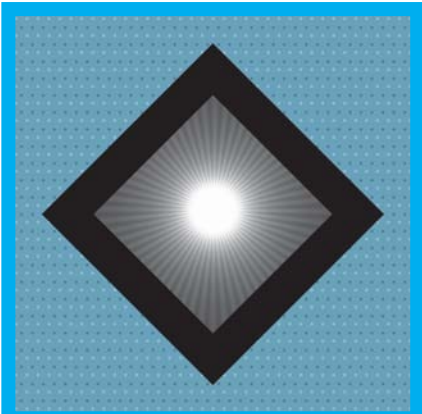
۱. فخرت‌اللهی آفرین، فخرت‌اللهی، ماهنامه سرنوشت که خدایم در برابران سرشته است.
۲. خدا، حق، جان، خانه، نوبه، مردم است. (عمران)، ۹۷.
۳. کتبی، ۲۳.
۴. مستند، ۱۳۱.
۵. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ۱۰، ۱۱.
۶. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ۱۰، ۱۱.
۷. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ۱۰، ۱۱.
۸. مغانه نوروزنامه دوسوم شماره ۹، ص ۸۹.
۹. همان.

رواق

مسجد/شماره ۱۷۷/مهر ۱۳۹۲

زیارت باور و اعتقاد به تجلی قداست در مکان وزماتی خاص است که در میان غالب ادیان وجود داشته است. قدانسی که توسط خدا یا خدایان یا حتی یک شخص الهی به مکانی داده شده و بیرون موقت هستند برای نیایش به زیارت آن بیرون است از آن رهگذر بتوانند به مسیر هدایت، رستگاری و حق راه یابند. زیارت از آن دسته از اعمالی است که خداوند در فطرت بشر قرار داده است^۱ اجتماعات عظیم بشری در سراسر دنیا به مناسبت به تجمعات دینی ابدان مختلف است که سالانه متدینان بسیاری را کثرت هم گرد آورده است. مسلمانان تمام مذاهب اسلامی نیز با توجه به این شریفه «الله علی العزائب حج البیت»^۲ زیارت جمعی خود را در مراسم حج به عنوان کنگره‌های غلیظ و جامع قرار داده‌اند.

بررسی و تبیین زیارات مشابه در سسایر ادیان، می تواند مؤلفه‌های اصلی حج ابراهیمی و همچنین کارکردهای آن را از دیگر اجتماعات مذهبی جهان، متمایز کند. بنابراین در این شماره تلاشی کردیم با بررسی و توصیف انواع زیارت در ادیان دیگر، به این مهم دست یابیم.



مهم‌ترین نکته در زیارت‌ها در ادیان حضور دسته‌جمعی پیروان در زیارت است. اجتماع پیروان برای زیارت، احساس خاصی از پیوند و انسان بودن را میان ایشان ایجاد می‌کند. غالب زائران (در زیارت‌های جمعی در هر دینی) مدعی‌اند که تنها در آن مکان مقدس جامعه بی‌طبقه ممکن است.



رواق ◀ آیامی دانید؟



رواق ▶ تحلیل و نقد

گونه‌شناسی زیارت

احسان جندقی
(دانش‌آموخته حوزه، دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی)

زیارت احترام خاصی از پیوند و انسان بودن را میان ایشان ایجاد می‌کند. غالب زائران (در زیارت‌های جمعی در هر دینی) مدعی‌اند که تنها در آن مکان مقدس جامعه بی‌طبقه ممکن است. اجتماعات عظیم بشری در سراسر دنیا، مجالس و تجمعات دینی بوده که سالانه متدینان بسیاری را مذهب و یا نزد قبور آنان برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض ممنوی است. زیارت سبزگان دینی و قبور آنان همواره از اعمال سبندیده در ادیان بوده و در طول تاریخ در میان دین‌ورزان مختلف آشکار بوده است.

معنای لغوی زیارت «روگردانن و عدول از چیزی» است. از همین رو به «دعوت» نیز «قول زور» گفته شده است؛ چرا که از راه حق عدول کرده است. بنابراین کسی که به زیارت می‌رود، «زائر» خوانده می‌شود؛ زیرا از غیر «زیارت‌شونده» روی گردانده است.^۱

روح زیارت، توجه قلبی به امر مقدس، اظهار احترام و سلام و پیوند روح با آن است. بنابراین آداب خاصی برای زیارت بیان شده است که رعایت آنها برهمندی از قولند زیارت را برای زائران افزون می‌کند. شاید بتوان زیارت را تاجی جسمانی ایشان در یک‌دین معرفی کرد؛ اعمالی که در حقیقت ملامتی برای منجش مقدار پایدندی، ایمان و دبستگی افراد به دین خود است.

زیارت بستری مقدس همراه با تهیجی مشترک با دیگران در تأکید و پاید عقاید دینی است. مهم‌ترین نکته در زیارت‌ها در ادیان حضور دسته‌جمعی پیروان در زیارت است. اجتماع پیروان برای

زیارت به عنوان عملی عبادی و به معنای حضور در پیشگاه پیشوایان مذهبی و یا نزد قبور آنان برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض ممنوی است. زیارت سبزگان دینی و قبور آنان همواره از اعمال سبندیده در ادیان بوده و در طول تاریخ در میان دین‌ورزان مختلف آشکار بوده است.

معنای لغوی زیارت «روگردانن و عدول از چیزی» است. از همین رو به «دعوت» نیز «قول زور» گفته شده است؛ چرا که از راه حق عدول کرده است. بنابراین کسی که به زیارت می‌رود، «زائر» خوانده می‌شود؛ زیرا از غیر «زیارت‌شونده» روی گردانده است.^۱

روح زیارت، توجه قلبی به امر مقدس، اظهار احترام و سلام و پیوند روح با آن است. بنابراین آداب خاصی برای زیارت بیان شده است که رعایت آنها برهمندی از قولند زیارت را برای زائران افزون می‌کند. شاید بتوان زیارت را تاجی جسمانی ایشان در یک‌دین معرفی کرد؛ اعمالی که در حقیقت ملامتی برای منجش مقدار پایدندی، ایمان و دبستگی افراد به دین خود است.

زیارت بستری مقدس همراه با تهیجی مشترک با دیگران در تأکید و پاید عقاید دینی است. مهم‌ترین نکته در زیارت‌ها در ادیان حضور دسته‌جمعی پیروان در زیارت است. اجتماع پیروان برای

زیارت احترام خاصی از پیوند و انسان بودن را میان ایشان ایجاد می‌کند. غالب زائران (در زیارت‌های جمعی در هر دینی) مدعی‌اند که تنها در آن مکان مقدس جامعه بی‌طبقه ممکن است. اجتماعات عظیم بشری در سراسر دنیا، مجالس و تجمعات دینی بوده که سالانه متدینان بسیاری را مذهب و یا نزد قبور آنان برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض ممنوی است. زیارت سبزگان دینی و قبور آنان همواره از اعمال سبندیده در ادیان بوده و در طول تاریخ در میان دین‌ورزان مختلف آشکار بوده است.

معنای لغوی زیارت «روگردانن و عدول از چیزی» است. از همین رو به «دعوت» نیز «قول زور» گفته شده است؛ چرا که از راه حق عدول کرده است. بنابراین کسی که به زیارت می‌رود، «زائر» خوانده می‌شود؛ زیرا از غیر «زیارت‌شونده» روی گردانده است.^۱

روح زیارت، توجه قلبی به امر مقدس، اظهار احترام و سلام و پیوند روح با آن است. بنابراین آداب خاصی برای زیارت بیان شده است که رعایت آنها برهمندی از قولند زیارت را برای زائران افزون می‌کند. شاید بتوان زیارت را تاجی جسمانی ایشان در یک‌دین معرفی کرد؛ اعمالی که در حقیقت ملامتی برای منجش مقدار پایدندی، ایمان و دبستگی افراد به دین خود است.

زیارت بستری مقدس همراه با تهیجی مشترک با دیگران در تأکید و پاید عقاید دینی است. مهم‌ترین نکته در زیارت‌ها در ادیان حضور دسته‌جمعی پیروان در زیارت است. اجتماع پیروان برای

پی نوشت:
۱. تقی‌الله، ص: ۱۰۶.



زیارت خانه‌ای از شرافت صاحب

مرتضی‌نصاحی (دانش‌آموخته حوزه)

حجت‌الاسلام و المسلمین حسین رحیمی در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه شدند و در س خارج فقه و اصول رانزد آیت اعظم فاضل انکرتانی، شیخ حواد تیریزی و حید خراسانی به مدت ۲۰ سال فرا گرفتند. ایشان عضو هیئت علمی دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه اراک هستند و مطالعات زیادی در رابطه با مذاهب اسلامی داشته‌اند. دفعه‌جم ایشان تبلیغ در مناطق محروم و پژوهش در زمینه مذاهب اسلامی است. در همین راستا با همکاری گروهی از فضلاي حوزه، مؤسسه فرهنگی نجم‌الهدی را تأسیس کرده‌اند. ایشان در زمینه مذاهب اسلامی تألیفات بسیاری دارند که «پدیده‌ها و دریافت‌ها»، «روابط امام علی (ع) و خلفا و عقائد تطبیقی» از مهم‌ترین آنها هستند.

حجت‌الاسلام رحیمی از سال ۸۱ تاکنون مستمسک‌آدر جایگاه روحانی کاروان به عربستان اعزام می‌شوند. با توجه به فرارسیدن ایام حج و حساسیت تعامل فرهنگی میان مسلمانان در این شماره با ایشان به گفت‌وگویی نشستیم. این

ترک سخنان بیهوده، خواندن اذکار، آوردن زیارت‌نامه‌های مخصوص، آرامش در دعا خواندن، توبه از گناهان، یادآوری مرگ، عبرت گرفتن و آماده‌اصلاح گذشته‌شدن. علاوه بر تواب‌های زیارت، کارگردهای مختلفی -چه از نظر تربیتی و چه از نظر اجتماعی- برای زیارت در ادیان بیان شده است؛ از جمله قواعد تربیتی زیارت می‌توان به این مسائل اشاره کرد:

۱. افزایش معرفت زائر و آموختن معارف دینی در خلال زیارت؛
۲. آشنایی با مقام امر مقدس و تحکیم رابطه انسان و آن امر مقدس؛
۳. آرا‌انه‌الگوی مناسب به‌جامعه؛
۴. زمینه‌سازی فضای مذهبی برای ترک گناهان و کسب فضائل.

کارگردهای اجتماعی زیارت را هم می‌توان در این مؤلفه‌ها خلاصه کرد:

۱. زنده‌نگه‌داشتن و تقویت روح جمعی و هویت‌دینی متدینان؛
۲. امید و آمادگی در شرایط سخت و طاقت‌فرسای بحرانی برای پیروان؛
۳. توجه به جامعه‌ایندال نظر دین.

در باغی به نام پارک اهو (Mrigavada) که مکان برات نام دارد، نخستین معنطه خود دره ما که بدین دست یافته بود، برای پاران خودیان کرد و به آنها سافارش کرد که راه میانه را بر گیرند و از زاد روی پرهیز کنند.

۴- کوسنپار: در زیارتگاه کوسنپار در شمال ویشالی، از جمله مکان های مقدسی است که بوداییان به زیارت آن میروند این مکان همان جایی است که بودا در آن وفات یافت و به پری نیروانه (Parinirvana) یا نیروانای کامل دست یافت. در همین محل جسد بوده سوخته و بتای یادودی برای او ساخته شد.^۱

برخی از شرایط، باید ها و نباید های زیارت در بودیسم عبارت است از: کسب معرفت، دوری از تجملات، زیارت برای رهنه (همه مان یا پینندنا)؛ پوشیدن لباس ویژه مرقه و توجه معنوی.

می توان اعمال ویژه زیارت در بودیسم را چنین خلاصه نمود:

۱- طواف: انجام طواف به معنای حرکت دورانی به دور قبه مقدس است. طواف بر اساس حرکت عقربه به ساعت صورت می گیرد. ده گونه ای که همواره به ساعت راست بدن زائران به سوی مکان مقدس قرار دارد.^۲ زائران هنگام طواف سه بار گرداگرد قبه می گردند و از آن طواف می کنند.

۲- نماز و دعا: از آن معمول پس از انجام طواف و به نماز و دعا می پردازند. برخی از این اعمال را به نیت اسیاده انجام می دهند، یعنی برای برتری می شنند و برخی نیز به خاک می افتند و اعمال عبادی را برای می آورند.

نویسنده:

۱. Kennick Urubshuvur, Victoria, Introduction/World Religion, P. xxiv
 ۲. Coward, Harold and Neumaier, Eva K. (eds.), Readings in Eastern Religions, P.VII
 ۳. Nancy E. Auer Falk, "Buddhist Paja", Encyclopedia of Religion, ed. M. Eliade, Vol. ۱, P. ۲۰۳
 ۴. Khoo, Kevin, Buddhism: the illustrated guide, P.VI
 ۵. Khoo, Kevin, "Chan Buddhism", P. ۱
 ۶. Lumbini, V. Bodhi-garb, A. Sarnath, K. Kasuga.
 ۷. A. Salomon, Frankfurt, J., Encyclopedia of religions rituals, rituals, and Festivals, Routledge, ۲۰۰۶, P. ۳۳۸
 ۸. Cohen, Brnd, Sacred Places Around the World, (Consentium of Collective Consciousness, ۲۰۰۰, P. ۱۰۲
 ۹. Wilkison, Philip and Chang, Douglas, Encyclopedia of Religion, P. ۷۷
 ۱۰. Altar, Hirakawa, Suga Wuyang, Encyclopedia of Religion, Vol. ۱, P. ۷۷
 ۱۱. Tranos, Kevin, Buddhism: the illustrated guide, (Oxford University Press, ۲۰۰۶), P. ۱۷۸ and C.



زواق آدیان شرق

زائران در پیج و خم کوه ها

مصطفی موسوی تبار (ناشآ موخته حوزة، کارشناس ارشد ایدان شرق)

بر اساس قرآن، خاوند سیدهای مختلفی را برای تیل به برستگاری پیش روی ندگان ترمیم نموده است. «به همین منظور بدنگانی منتخبا به رسالت در میان اقوام مختلف گسیل دانست؛ می فرماید: «اسلامناک بالحق بشیرا و نذیرا و ساعت سه بامداد روز اول سال دیگر به جهت نیایش برای خانواده خود و مردم دیگر به آنجا می رفته و قربانی می کرده است و مردم چین این سنت را ادامه دادند»^۱

کنفوسیوس نیز پس از رسمیت یافتن در چین بسیاری از زیارتگاه های قدیم را تصاحب کرد. دلوهی معابدی برپا داشت و رهبان خود را در آنها کماست. همچنین مردم مرد را به زودنارت اماکن مقدس بر می خیزند.

زیارت در چین بودیسم و کنفوسیوس

رهبان چین از اقوام مختلف با خدات و مستن گوناگون و مذاهب مختلفی تشکیل شده است. با توجه به جمعیت کثیر این کشور و حضور پر رنگ دو مکتب بودیسم و کنفوسیوس و سابق بر آنها دلوهی از این کشور، بجاست که به جایگاه حج زیارت در این سه مکتب اشاره شود. در تاریخ سوزمین چین موزاد متعددی وجود دارد که نشان از وجود زیارت در ادیان این کشور دارد به طور خاص برخی از این زیارت های آن نون فرمه حج قرار داد در میان زیارت های ارت امی مرسوم است و روایات زیادی از بن زیارت رفتن اسطوره ها و سوزگران این روایت شده است. ویل دورانت

مردم سوزمین آفتاب شینتو، بوده است. شینتو، قدیمی ترین دین ژاپن که هنوز هم زنده است، است. برخی از نیاپرستی سرچشمه گرفته است. برخی از مورخان بر این باورند که در ژاپن پیش از تسایر نقاط آسیا پدیده زیارت ثبت شده است. به طور کلی در ژاپن پدیده زیارت در هر دو نخله بودیسم و شینتویسم مرتبط با مایهت و یا طبیعت مقدس است. درین شینتو مشتمل بر اعتقادات و مراسم سنتی بود که در دل بسیاری از آنها باور به مایهت و روحی معال که به لحاظ قدرت و ناش بر انسان تفوق داشت، دیده می شد. در این باور در هر جایی که ممکن بود ری یا ناشی از کما یافت شود، مومان شینتویی را ترغیب به زیارت آن مکان می نمود. شینتو دین پیچیدگی نیست و فقط مومان را موظف می گرداند که گاه گاه به زیارت جاهای متبرک بشنند و با زهد و تقوا به گذشته و نیانک و پادشاه حرمت گذارند.^۲

از جمله ادبای دینی شینتویی است که پیروان رهبان شهر «ار» می شوند تا با زیارت معابد آن شهر، یاد نیانک خود را گرمی دارند که در گذشته در آنجا میسوگند شدند که کشور ژاپن را از استعمار چین آزاد سازند. مردم ژاپن پیوسته به زیارت این شهر می آیند و به یاد گذشتگان، نیایش قربانی می کنند.

نوعی دیگر حج در چین و در این دو جود دارد که مربوط به شکوفه ها است و می توان آن را «حج شکوفه» نامید. شکوفه ها در نظر زائرانی ها از قداست و خوردارند. آنها را می پرستند و برای آنها قربانی می کنند. آنها در هر فصل نوعی از شکوفه را تقدوس می کنند. گل پرستی این ژاپنیان است که با بدیسی دینی و غیرتی ملی گل را می ستایند و گوسفند و باین گل ها را باقدت می کنند. در ماه فروردین، با پذیرای زیارت شکوفه گیلاس، همه زائران برای تعامای آنها دست از کار می کشند و حتی به زیارت خانه های شکوفه می شنند.^۳

پی نوشت:

۱. لکن حکم حکم در دنیا و دنیا (ناشد: ۴۸)
 ۲. دولوت، ویلی تاریخ مذاهب توحه امیر سوزمین ایران پور و دیگران، تهران: انتشارات علمی فرهنگی (۱۳۷۷)، ج ۱، P. ۳۶
 ۳. همان، ۴
 ۴. John Reund - ۱۰, ۲۰۰۲, Questions and Answers on Confucianism, Daoism, and Taoism, Puhli Press, p. ۱۷.
 ۵. John Reund - ۲۰۰۲, The Handy Religion Answer Book, Visible Press, p. ۶۷.
 ۶. Linda Kay Davidson, David Martin Gilgiz - ۲۰۰۲, Pilgrimage in China, Columbia University Press, Volume ۱, ISBN-CLIO, ۲۰۰۶, P. ۵۲۲.
 A. دولوت، ویلی پیشین، P. ۵۸
 B. همان، ۴، P. ۶۸

چنارهایی برای هم گرامی

رضا رهایی (ناشآ موخته حوزة، کارشناس ارشد ایدان شرق)



احتمال دارد که این مکان یا پیگاه و ایستگان این پادشاه در سال های پرمج و مرج بیانی این خاندان باشد که از دست نورشیان و مخالفین شهر بزدگت قرار دارند. هر یک از آدیی های اهمیت یافتن این مکان ها در رابطه با حفظ دینت های ساسانی حکایت دارد که محافل در یک مورد (ستپ) شیواهدن زدهای موجود است. از سویی دیگر برخی پیشانی اولیه این مکان ها را با نیایشگاه های آنجا (فرشته موکل بر او و گیاه) یا ارتباطی می بینند. در این مورد جود شواهد طبیعی و آب گواهی بر این مدعت است.^۱ ریشه پیدایش این مکانی هرچه باشد، این مکان های مقدس در حال حاضر با گیاه های در دامن طبیعت جهت کرده امی به همسنگی، زنده کردن یادو خاطر هفا کاری های گذشتگان، شادمانی و دو نهایت نیایش خاوند در پیوند با طبیعت برای این آخرین یازمین مکان ایران کویا می روند.^۲

مهم ترین زیارتگاه

دیواره شکل گریزی این زیارتگاه ها را پیگاه های زارت شینتو در نزد، سه احتمال ذکر کرده اند. بنابر اعتقاد سنتی زرتشتی ها این مکان های مقدس ساسانی خردان و ایستگان بزرگتر بودیسم در زمان حمله اعراب و در نهایت مگنک نایدید شدن یا جان باختن آن بوده است.^۳

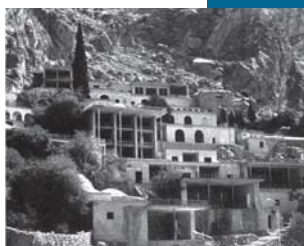
اسوزه در افواه مردم مسلمان یزد، برگزار می‌شود. معادل حج اسلامی در نظر گرفته می‌شود، که اساساً تفکر اشتباهی است. هرچند برخی مناسک مثل نوع ادعیه، داشتن زمان خاص و قربانی، آن را شبیه به حج اسلامی کرده‌اند، اما باید دانست که غالب زیارت‌های زرتشتیان شبیه به این مناسک بوده و بیشتر توجه به همکاری مقدسان زرتشتی محور زیارت است تا انجام مناسک آیینی.



زیارت‌گاه در جوار کوهی نسبتاً بلند، که چشمانی معجز‌نما را نخته سنگی خشک و خالی در اینجا می‌چونند چناری بزرگ و کهن در آن است که زرتشتیان معتقدان این چنار چوپندستی شاهزاده خاتم‌پدید آمده‌اند.^۱

این زیارت‌گاه در ۵۲ کیلومتری شمال شرقی یزد در نزدیکی سریش‌آباد (ارکان) در دامنه کوهی در یک سرریز تند در بخش «خرافق ارکان» قرار گرفته و به «چک‌چک» مشهور است. نقل شده که در «چک‌چک» بر گرفته از صدای قلقله‌های این است که از سخره می‌چکد. بنا بر اعتقاد زرتشتیان این مکان مقدس، جایگاه پنهان شدن یکی از پیادگان مقدس ساسانی بوده که در هنگام حمله تازیان در ایلات گدشته‌است. بعدها چناری او را در خواب دیده و این مکان را بنا گذارد. چنانچه در یکی از اتاق‌های این بنا چاهی به عمق حدود ۵۰ متر وجود دارد که زرتشتیان به نیت بر او روزه‌داری حاجتشان را بخورن یا در دور طهارت این چاه می‌روند.

هر ساله هزاران زرتشتی از تمام دنیا در روزهای آشدان تا اواخر اردیبهشت، با قراب ۲۸ خرداد،



بایکان یا سلسله‌های مسلمانان، بود که کعبه اطراف ویر سرچاه اسماعیل زمره کرده‌اند. گفته‌شده ایرانیان بر سر این چاه بسیار زمره (موساخوانی) می‌کرده‌اند.^۲ امام‌روزه در افواه مردم مسلمان یزد، برگزار می‌شود. معادل حج اسلامی در نظر گرفته می‌شود، که اساساً تفکر اشتباهی است. هرچند برخی مناسک مثل نوع ادعیه، داشتن زمان خاص و قربانی، آن را شبیه به حج اسلامی کرده‌اند، اما باید دانست که غالب زیارت‌های زرتشتیان شبیه به این مناسک بوده و بیشتر توجه به همکاری مقدسان زرتشتی محور زیارت است تا انجام مناسک آیینی.

یکی از تفاوت‌های فاحش بین رسوم زرتشتیان و آداب مسلمانان این است که مسلمانان با حالتی عمگین و اندوهناک به زیارت‌گاه می‌روند، اما زرتشتیان آندوه را فریده‌ها، یعنی و اشک را سبب نیرومندی ایللیس می‌دانند.^۳ در رویکرد اسلامی

خشوع و خضوع و بر برابر معبود و زیارت‌گاه زیارت‌گاه است تا انجام مناسک آیینی. یکی از دیگر مبادک‌های اعتقادی زرتشتیان که دارای زمانی مشخصی است، می‌توان به پیرهریشت در نزدیکی کوه سرفید آباد، (در ایام زورورا) زیارت‌گاه پارس‌ناسو در نزدیکی عقفا (مختصی به زنان و میعادان آن در فصل تابستان) و نیز زیارت‌گاه شاه مهرایزد در کرمان (چشمن آن) دهم‌همین مشهور به جشن شش‌ماهه کرد.^۴ به‌طور کلی زیارت‌گاه در این زرتشتی، مکانی برای گردهمایی زرتشتیان مکانی برای نیایش و دعا و یا برای گفت‌وگو، نیایش و طبیعت و بالا روزه‌ها مراسم شادمانی شده‌است.^۵

پی‌نوشت:

۱. بهوشاهی، داریوش؛ «بررسی نقل‌پیدایش و اهمیت زیارت‌گاه‌های زرتشتی در یزد»، مجله تحقیقات جغرافیایی، ۱۰، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۰۴.
۲. بری‌پوس، پیرس؛ «میلاد و جشن‌های سراسر در نیمه غربی منطقه پارتی»، ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۸، ص ۱۱۶.
۳. نیکی‌کوب، عبدالجبار؛ «تاریخ سده‌های ایران»، تهران: انتشارات ۱۳۴۲، ص ۱۱۶.
۴. شهرمان، ریضا؛ «پرسش‌های زرتشتی در سده‌های اخیر»، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶.
۵. بهوشاهی، پیرس؛ «...»
۶. همان.
۷. همان.
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. همان.
۱۲. همان.
۱۳. همان.
۱۴. همان.
۱۵. همان.
۱۶. همان.
۱۷. همان.
۱۸. همان.
۱۹. همان.
۲۰. همان.
۲۱. همان.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. همان.
۲۵. همان.
۲۶. همان.
۲۷. همان.
۲۸. همان.
۲۹. همان.
۳۰. همان.
۳۱. همان.
۳۲. همان.
۳۳. همان.
۳۴. همان.
۳۵. همان.
۳۶. همان.
۳۷. همان.
۳۸. همان.
۳۹. همان.
۴۰. همان.
۴۱. همان.
۴۲. همان.
۴۳. همان.
۴۴. همان.
۴۵. همان.
۴۶. همان.
۴۷. همان.
۴۸. همان.
۴۹. همان.
۵۰. همان.
۵۱. همان.
۵۲. همان.
۵۳. همان.
۵۴. همان.
۵۵. همان.
۵۶. همان.
۵۷. همان.
۵۸. همان.
۵۹. همان.
۶۰. همان.
۶۱. همان.
۶۲. همان.
۶۳. همان.
۶۴. همان.
۶۵. همان.
۶۶. همان.
۶۷. همان.
۶۸. همان.
۶۹. همان.
۷۰. همان.
۷۱. همان.
۷۲. همان.
۷۳. همان.
۷۴. همان.
۷۵. همان.
۷۶. همان.
۷۷. همان.
۷۸. همان.
۷۹. همان.
۸۰. همان.
۸۱. همان.
۸۲. همان.
۸۳. همان.
۸۴. همان.
۸۵. همان.
۸۶. همان.
۸۷. همان.
۸۸. همان.
۸۹. همان.
۹۰. همان.
۹۱. همان.
۹۲. همان.
۹۳. همان.
۹۴. همان.
۹۵. همان.
۹۶. همان.
۹۷. همان.
۹۸. همان.
۹۹. همان.
۱۰۰. همان.



حج بی‌دکن

رواق اادیان ایرا اهیمنی

محمدصادق احمدی (دانش آموخته حوزه، دانشجو دکتری دین‌پژوهی)

امت‌ها از پیش روی تو خواهر راند و خود تو را وسیع خواهم گردانید و تو هیچ‌بین و آیین دیگری یافت نمی‌شود. قرن خود به این اختلاف کاربوهه و در این باره می‌فرماید: «لاکل جملمانکم شرعة ومنهاجا». «با وجود این که هر ایرانی می‌توان به طور خاص زیارت و نیز گونه‌ای از حج را سراج گرفت؛ هر بی‌نی مال در پوئیدت چه زیارت و حج به شکل مردم سو در اسلام دیده نمی‌شود، اما برخی از این زیارت که در قالب حج نمودار می‌شوند، در سنت یهودی وجود دارد. دکتر حسن حسسن متوفیق ظالفا که تمام عمر هشتاد ساله خود را وقف آیین یهود و لغات سامی و یه‌ویژه عبری کرده در تحقیق خویش درباره حج یهودی می‌نویسد: «حج در پوئیدت در همه‌زمان است که

مصادف با سه عید است: فصح، حصاد و ظلل».^۱ در زمان عبری یوازه «adanya» که به معنای غزبت کردن آمده‌است، اصطلاحاً به منظور آشنارده به مسافرت برای پرداختن به عید و جشن‌های زیارتی خاص است. تورات این چنین تصریح نموده که دکوز از بنی‌اسرائیل باید در هر سال سه نوبت برای با داشتن این مراسم به اورشلیم سفر کنند. این سه عید عبارت‌اند از فصح، شیوعت و سکوت. در تورات در مواردی به این اقسام اشاره شده‌است: «مافرند خروج باب ۲۳ و ۲۴، در هر سال سه مرتبه عید برای من نگاه‌دار. عید فقیتر از نگاه‌دار و چنان که تو را امر فرمودم هفت روز نان فقیتر بخورد. در زمان من ماه اییسیزیر که در آن از مصر بیرون می‌شوی. و هیچ‌کس به حضور من نهدی دست حاضر نشود. و عید حقابتی بر غلات خود را که در مرز که کاشته‌ای و عید جمع را در آخر سال و عید که حاصل خود را از محرا جمع کرده‌ای. در هر سال سه مرتبه عید که کورانت به حضور سلطان تعالی یهوه حاضر شوند» «عید هفت‌ماهه‌ها گردانده یعنی عید نهم حصاد خود عید جمع در خنوی سال. سالی سه مرتبه عید دکورات به حضور سلطان تعالی یهوه حاضر اسرائیل حاضر شوند زیرا که



مناسک شرعی حج

از دیدار هر ساله صدها هزار مؤمن یهودی از درون ارض مقدس و یا از سفر زمین‌های دوره تبعیدی برای به با داشتن این سه عید مقدس عزامه اورشلیم می‌شوند. می‌توان گفت زیارت‌ها بازتاب‌دهنده زندگی و حیات دینی یک

آنچه امروزه در پیروی است از آن به عنوان حج بادی می‌شود. به سه زیارت فصح، سکوت و سایه بان‌ها بنا می‌گردد که ریشه در سنت پیوسته دارد. حج پیوسته با نماسک و پیدایش در فلسفه تاریخ این چهار تغییر شده و به شکل اولیه آن باقی نمانده است.



حججه بندی

پیوسته است که شامل مراسم و ایامی می‌شود که در خود کتاب مقدس نیز مشاهده می‌شود. در سفر خروج چنین بیان شده است: «و آن روز شما را بسایه پادگاری خواهد بود و در آن عیدی برای نگاه دارید... هفت روز سفر قطری خواهد بود روز اول و دوم هر ماه از خانه‌های خود بیرون کنید؛ هر آن روز نخستین تا روز هفتم چندی خیمه شد بخورد آن شخص از اسرائیل منقطع گردد»؛ بنابراین نخستین دستور لازم اجماع در ایام خودداری از خوردن نان قطری است؛ قانون بعدی خودداری از انجام کارهای نامی است؛ «و در روز اول محفل مقدس و در روز هفتم محفل مقدس برپا شد» خواهد بود؛ این امر اگر کرده نشود، جز آنچه هر کس باید بخورد آن مقدار نانی شما کرده نشود. پس عند غیظ رانگاه باید زیارت کرد و همان روشمکرمای شما از زمین میرون میرود؛ او در میان این روز را نسل‌های خود به طریقه‌ای نگاه دارد»^{۱۰}. مهم‌ترین آیین شرعی در این ایام قربانی است که در کنار و به نامی تواریت حضرت موسی در سرچام اسرائیل بدان امر فرمودند موسی در جمیع مشایخ اسرائیل را خوانده بدیشان گفت: «هر یهودی

یهودی برای خود موافق خاندان‌های خویش بگیرد و وضع این امر نماید و نفعی از روزهای کمتر خودی کند؛ شدت است فروریور بر سر درود قلمه آن خودی که در شدت است زندگی از شما از خانه خود تا صبح بیرون نرود؛ زیرا پیوسته خواهد خورد؛ در مصریان را بزند و چون خون را بر سر درود قلمه است مانند ما نماند پیوسته از گذرد و نگار کرد هلاک کننده به خانه‌های شما در آید تا شما را بزند و این امر برای خود و سپران خود به فریضه‌ای نگاه دارد و هنگامی که داخل زمینی شدید که پیوسته حبل خود را از شما به شما خواهد داد، آنگاه این عبادت را امر می‌دارد و چون پس از شما به شما گویند که این عبادت شما چیست، گویند این قربانی پیوسته است که از خانه‌های بی اسرائیل در مصر کرد و وقتی که مصریان را زود و خانه‌های مارا خلاصی داد»^{۱۱}. پس قوم به روی در افتاده سجده کردند. هر چند این مراسم وابسته به معبد است و از گذشته تا زمان تخریب دوم میل در سال ۷۰ میلادی پابرجا بوده است. اما برخی از محققان بیان دارند که این رسوم و رسوم منشأ دینی ندارد و از اصول وارداتی در این دین است. برای نمونه جلال‌الدین اشتیانی در تحقیقش در این رابطه و به ویژه درباره مراسم قربانی که معروفترین عمل در این مراسم است می‌نویسد: «به نظر من دین صحرا فاقد این تشریفات و شماری بوده است که کاملاً وابسته به زندگی شهری و دین معبدی است. هیچ‌یک از این شماری رسوم در صحرا اجرا نشده است و حتی در مقایسه با اقوام پان‌هشتین و کوچ‌گر دیگر نیز می‌توان گفت که این شماری قربانی در مجامع کتاب و در برخورد با فرهنگ مذهبی مردم پان‌هشتین شکل گرفته است. حتی از کتاب مقدس نیز می‌توان استنباط کرد که در دوران صحرا چنین شماری رسوم پیوسته است. تنها قربانی که به کوچ‌گران نسبت داده می‌شود، ذبح بزه پسخ (فصح) است که آن را نمی‌سوزانند؛ بلکه خود می‌خورند و گوشت و خون و حیضاتی برای آغاز تجدید حیات پیوسته و احیای دین خویش برپا می‌اشند. در ده‌فان، که آن در مهم‌ترین دستورات پایه‌ای پیوسته معرفی می‌کنند، سخن از قربانی نیست. مهم‌ترین نشان غریب بودن این شماری نفعی آن سوی نیت‌های بزرگ است. از تلمید است... آنان تنها این شماری را از اصول دین صحرا نمانی دانسته‌اند، که آن‌ها از آنچه فساد و تحمیل روحانیت توحیه می‌کنند»^{۱۲}.

از زیارت رم تا زیارت فاطیمه

محسن گلپایگانی (دانش آموخته حوزه، دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی آداب)

حج مسیحیان که همان زیارت‌توریسم است، از جمله نمادیک عبادت‌های زیارت در مسیحیت است که در زندگی دینی آنان نقش مهمی دارد. سالانه مسیحیان بسیاری از تمامی نقاط جهان با نیت‌ها و مقاصد متفاوت به زیارت‌گاه‌های معهود خویش سفر می‌کنند.

معنای اصطلاحی زیارت در مسیحیت

لفظ انگلیسی زیارت «Pilgrimage» است که از کلمه لاتینی «peregrines» به معنای «بیگانه» مشتق شده است. این کلمه به این معنا است که کارگر کسی است که در آن مکان، شهرها یا کشورهای بیگانه سفر می‌کند. بر اساس این معنی، زیارت می‌تواند به نظر گرفته شود: ۱- معنای عام؛ که همان جهان‌گردی و توریسم است. ۲- معنای خاص؛ که در عرف مردم به زیارت اماکن مقدس دینی اطلاق می‌شود. در این مقاله به معنای دوم یعنی سفر به مکان‌های مقدس می‌پردازیم.

زیارت در معنای اخیر سفر است به حرم، مکانی مقدس یا پناهگاهی که هدف یا هدف‌هایی دینی... این اهداف و اهداف دینی عبارت‌اند از: پاسداری از عقاید و باورهای مقدس، شکرگزاری و امتحان، توبه و طلب بخشایش از گناهان، خودپوزی و جستجو در درون و صرف تمبذ و انجام فرمان دینی.

زیارت در این معنا در مورد مسیح و سفر دورتی به قصد جستجو و یافتن مقصد غایی این امرهای دینی خوشتر نیز کاربرد دارد؛ چنان که در کتاب کاتولیک «سینکسیراز» نوشته جان یاتین (۱۶۲۸-۱۷۸۸ م) در این معنای زیارت گفته است: «چندین هدف از مسیحیان زیارت‌گردی مسیحی را به سفر به زمین‌های زیارت و شهر آسانی» تشبیه کرده است.

پیشینه زیارت در مسیحیت

زیارت در زندگی دینی مسیحیان نقش مهمی دارد. آن‌ها از قدیم به زیارت‌توریسم مقدس در فلسطین می‌رفتند. پیشینه زیارت در مسیحیت به بیش از سال‌ها میلادی بازمی‌گردد؛ زمانی که هنوز مسیحیان هنوز به صورت یک دین، تشکیل یافته نشده‌اند. مسیحیان می‌توانند امپراتوری قسطنطنیه و وی با کمک مادرش هلنا به ساختن حرم‌ها و مکان‌های زیارتی بسیاری می‌

همچنین زائران در بازگشتن از سفر روی کلاه خود نشانی از مکان مقدسی که زیارت کرده بود، نصب می‌کرد؛ چیزی شبیه به تراشیدن سر و پوشیدن کلاه در حج مسلمانان.

شهر لورد فرانسه که داعی می‌شود در آنجا خواب مریم عذرا بیداند. به وجود بازمانده‌های جسم شخص بزرگوار باغ می‌شود که مکانی به زیارتگاه میل شود؛ مانند کلیسای امرم شهر مریم در یونان؛ بطرس در آنجا باستان‌گود کمپوسلا که گفته می‌شود پیوسته به سرفقیس یکی از کاروان‌های مسیحیان از گذشته تا حال مقدس اصلی زائران در قرون وسطی زمین مقدس اورشلیم، کاتولیک کمپوسلا در اسرائیل بود. اما بعدها نظر زائران نیز به مکان‌های معروف دیگری شامل آرماتس فرانسه و سترن (۱۱۲۶ م) در اسیسی ایتالیا، آرماتس مارتین (۱۳۷۱ م) در تور فرانسه، آرماتس بوئیفاش (۱۵۲۴ م) در فلورانس المان، آرماتس توماس یکت در کاتوریو انگلستان و آرماتس سند پاتریک در ونایتا ایرلند رفت و آمد می‌کردند.

با وجود اینکه هنوز مراکز قرون وسطایی زائران وابسته به کلیسای مریم را جذب می‌کنند، آرماتس سنت فرانسویس یک مرکز زیارتی بسیار دارند. هند آرماتس شروود تورین (۱۵۷۸ م) در تورین ایتالیا، آرماتس تادئو دیبر (۱۶۲۸ م) در کاتاند، آرماتس سین پائولس ماری ونی (ستوفی ۱۸۹۹ م) در آرس فرانسه و آرماتس تریزا دی لسیسک (۱۸۹۷ م) در لسیسک، فرانسه و مکان‌هایی وابسته به حضرت مریم مانند گوادلوپ در مکزیک و لاسالت و لورد فرانسه و فاطمیا در برغال به طور پیوسته اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند.^{۱۳}

بانی‌نوشته:

۱. هفتون، جان راسل، فرهنگ آداب جهان، سپهر و سازش علی‌بابایی، قم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی، سال ۱۳۸۶، ص ۲۶۶.
۲. Britannica Encyclopædia of World Religions, Paul, Harper San Francisco, ۲۰۰۸, ۳rd ed., p. ۵۶۶.
۳. Britannica Encyclopædia of World Religions, Paul, Harper San Francisco, ۲۰۰۸, ۳rd ed., p. ۵۶۶.
۴. هفتون، جان راسل، پیشین.
۵. زمانه یونس به سرفقیس، ص ۱۴-۱۳.
۶. Britannica Encyclopædia of World Religions, Paul, Harper San Francisco, ۲۰۰۸, ۳rd ed., p. ۵۶۶.
۷. Britannica Encyclopædia of World Religions, Paul, Harper San Francisco, ۲۰۰۸, ۳rd ed., p. ۵۶۶.
۸. Wiktionary, Philipps Charing, Douglas, Encyclopædia of World Religions, London, ۲۰۰۸, ۳rd ed., p. ۲۲.
۹. Britannica Encyclopædia of World Religions, Paul, Harper San Francisco, ۲۰۰۸, ۳rd ed., p. ۵۶۶.
۱۰. هفتون، جان راسل، پیشین، ص ۲۶۶.
۱۱. Britannica Encyclopædia of World Religions, Paul, Harper San Francisco, ۲۰۰۸, ۳rd ed., p. ۵۶۶.



در آیین‌های جعلی بابیت و بهائیت، چیزی به نام حج تقوی می‌شود که نه تنها خالی از روح بکتاپرستی، بلکه مالا مال از هوس و خودپرستی است.

طواف گرد خدای خودپرست!

رضا کاظمی راه (دانش‌آموخته حوزه، دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ایران)



از جمله فرقه‌های که به دست استعمار و با دسیسه مستقیم آنان برای ایجاد انحراف در مذهب نواری تشیع به وجود آمدند، بابیت و بهائیت بودند. شوق فراوان شیعیان منظر و تشنگی آنان برای ظهور منجی موعود، دست‌آویزی برای فرصت‌طلبان شد تا با استفاده از این احساس پاک در دل‌های مؤمنان، نسخه‌های جعلی از ظهور منجی برای شیعیان در انتظار ظهور بیچندند. علی محمد باب و به تبع آن حسینعلی بهاء، با حمایت استعمار و غفلت برخی از مردم ادعای منجی بودن، سنن اسلام و ظهور دیانت جدید با قالب اسلام کردند. در این آیین جعلی بسیاری از محرمات اسلام جلا و سیساری و واجبات منته شده است؛ اما قالب احکام به صورت تقلیدی از اسلام باقی مانده است.

حج بابیان

یکی از این احکام که با اهداف الهی و انسان ساز در اسلام وجود دارد، مقوله «حج» است. در دین اسلام به دستور خداوند متعال زیارت خانه خدا در مکه یک بار برای هر فرد مسالم و مستطیع واجب است. صورت حقیقی و درست حج محرم شدن، زیارت خانه خدا در مکه مکرمه، طواف هفت گانه به دور کعبه و دیگر اعمال این فریضه است. در واقع هدف از این فریضه، تمرین بندگی خدای واحد و به تصویر کشیدن توحید عملی در بالاترین سطح خود است؛ زیرا که حج گردن زنده لیبک گویان به امر خداوند، شهادت به توحید و یگانگی و می‌دهد. اما در این‌ها یکی بابیت و بهائیت، چیزی به نام حج تقوی می‌شود که نه تنها خالی از روح بکتاپرستی، بلکه مالا مال از هوس و خودپرستی است. علی محمد شیرازی در راستای حج تقوی به دین مبین اسلام و در راستای معادل‌سازی برای احکام اسلامی، زیارت خانه خود در شیراز را جایگزین زیارت خانه خدا در مکه قرار داده است. او بر کسانی که به او روی می‌آورند واجب نموده تا خانه او در شیراز را به طور مخصوص بنا کنند. در

آیین علی محمد باب، حج بیت‌شیراز بر تمام مردان واجب است و این حج، جایگزین زیارت خانه خدا در مکه است. پیروان فریب خود در نیزه بار آداب و ذکر و زیارت‌نامه‌های استعمار ساخته به طواف آیین می‌پردازند. علی محمد باب علاوه بر وجوب زیارت خانه خود، آن را به عنوان قبله برای نماز گزاران بابیان قرار داده است. در یکی از احکام این آیین جعلی به پیروان دستور داده شده است تا به محض به قدرت رسیدن، تمام بقاع مقدسه مانند مکه، بیت المقدس و قبر ابراهیم و اولیایه را خراب کنند.^۱

حج بهائیان

در بهائیت که پس از بابیت به وجود آمد نیز همین رویکرد به چشم می‌خورد. در حالی که همه ادیان آسمانی خدای پرستی را در امر اوشان قرار داده‌اند، بهائیت، همانند بابیت، به جای خدا پرستی، «فرد پرستی و بهاء پرستی» مطرح کرده است. در بهائیت قبله قبر بهاء الله در عکاست و بهائیان به سمت آن نماز می‌خوانند. خود حسینعلی بهاء در این خصوص می‌نویسد: «در قبله هر گاه خواستید نماز بخوانید به طرف اقدس من، مقام مقدس یعنی عکا که خداوند آن را محل طواف ملا علی و محل اقبال مردم شهرهای بقاء و محل صدور امر برای سسکان زمین‌ها و آسمان‌ها قرار داده است و وی یاورید».^۲ در جای دیگری گفته است: «اذ اردتم الملوءة ولو وجوهکم بشرطی الاقدس؛ وقتی نماز می‌خوانید به سوی قبر من نماز بخوانید». حج بهائیان زیارت خانه حسینعلی بهاء است. افراسیابی به نقل از حسینعلی توری می‌نویسد: «به تحقیق که خدا پر هر کسی از شما که استطاعت داشته باشد حکم به حج خانه‌ای محل دفن او در عکا کرده است؛ غیر از آن‌ها که خدا ناپسند را ماعف داشته است».^۳ حسینعلی بهاء در کتاب اقتضای نیزه بار تغییر قبله و مکان حج از شیراز به عکامی گوید: «قبله کسی است که خدای او ظاهر کرده است؛ هر گاه او تغییر کند قبله هم تغییر یابد می‌کند». بنابراین چون بهاء، در فلسطین و در شهر «عکا» زندگی می‌کرد، بعد از باب قبله بهائیان هم جنتین محل حج عکا شد.^۴

آنچه در بابیت و بهائیت از حج و زیارت وجود دارد، در تنها صورتی ظاهری و نامی از آن عبادت اصیل در دین مبین اسلام است. فلسفه حج تمرین بندگی و سنجش سطح توحید در درون انسان است؛ حال آنکه حج بهائی هیچ گونه معرفتی را بر انسان افزون نمی‌کند؛ نه این دلیل که فلسفه‌ها وجوب چنین اقدامی برای بهائیان، جنب نفسی و شهوات شهرت سران بابی و بهائی بوده است؛ نه چیز دیگر.

پی‌نوشت:

۱- زهد زاهدی، سید، بهائیت در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۸۰)، ص ۱۱۰.
۲- زبانی گیانگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، نشر انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۴۴.
۳- تهریزی، زین‌الدوله، مفتاح باب الانوار، ترجمه حسن بن فخر گیانگانی، تهران: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۲۴.
۴- زاهدی، زین‌الدوله، ص ۱۱۰.
۵- افراسیابی، بهرام، تاریخ جامع بهائیت (نوماسونی)، تهران: انتشارات سخن (۱۳۸۸)، ص ۴۲۴.
۶- سلطانزاده، رضا، سفری در کتاب‌های بهائیان، تهران: دارالکتب الاسلامیه (۱۳۸۸)، ص ۱۲۳.
۷- افراسیابی، بهرام، پیشین، ص ۲۵۸.
۸- همان، ص ۳۶۸.

محراب

مسجد / شماره ۱۷۷ / مهر ۱۳۹۲

مسجد، مهد تربیت دینی

در جامعه اسلامی، تربیت به عنوان محور اصلی برنامه‌ها و فعالیت‌ها قرار دارد و بهترین مکان برای تحقق تربیت دینی کودکان مسجد است. کودکان و نوجوانان با حضور در مسجد می‌توانند به وظایف فردی و اجتماعی خود آشنا شوند و اسلام دین‌داری و جامعه‌پذیری دینی آنها نیز به درستی و با سرعت بیشتری شکل بگیرد. با توجه به این که کودکان و نوجوان نمی‌توانند بی‌مقدمه با مساجد ارتباط برقرار کنند، والدین و هیأت‌انصار، خادم، مسئولین اجرایی و فرهنگی و... اشاره کرد، موظفند بلی را بین مسجد و فرزندان برقرار کنند. اما این قطع و یقین می‌توان گفت اصلی‌ترین نقش را امام جماعت ایفا می‌کند. امام جماعت با ارتباط مستقیم با مخاطبان، هو ترترین نقش را در این حوزه خواهد داشت. این امر از طریق ارتباط چهره به چهره و حضوری انجام می‌شود که این نوع ارتباط به از تقاضای مسیحی تربیت دینی کودکان می‌کند. برای حضور کودکان در مساجد باید از تسهیلاتی اجتناب و کاربردی استفاده کرد؛ به طوری که کودکان جهت انجام برخی فعالیت‌های خود احساس نیاز به حضور در مسجد را پیدا نکند. کعبه به برخی تسهیلاتی حضور کودکان در مسجد اشاره می‌کند.

دعوت از کارکنان مساجد کودکان و نوجوان جهت برنامه‌ریزی و مشاوره.
فضاسازی مناسب جهت حضور کودکان.
دعوت از نوجوانان برای حضور در مسجد.
ارتباط مسجد با مدرسه و مراکز آموزشی.
دعوت از مربیان آموزشی و تربیتی جهت حضور و فعالیت در مسجد.
هماهنگی با مسئولین مدارس و مهدهای کودکان جهت حضور در مسجد و اقامه نماز جماعت.
آموزش نماز و احکام به صورت کارگاهی و جذاب.
راهنمایی هیئت کودکان و نوجوانان و آموزش آنها جهت مدیریت و اجرای برنامه‌ها توسط کودکان.

دعوت از چهره‌های محبوب کودکان در مسجد



مسجد از نظر مالی توسط مردم اداره می شود. مؤسسان مسجد هر سال محرم به مسجد می آیند و عزاداری با شکرایی می کنند: «آنها تمکن مالی خوبی دارند و مهربانی پول برای اداره مسجد جمع می کنند. در حساب مسجد واریزی می کنند. این پول را سعی می کنیم تا سال آینده برسانیم».

بازسازی و توسعه مسجد با بود کردیم که برای بازسازی هر متر از مسجد قفله هزینه می برد و اعلام کردیم برای هر متر این مقدار هزینه لازم است. دوباره بعد نقل کار زدند و مسجد را بازسازی کردیم. ما مهندسی جدید بود یا استحکام زیاد ساختمان مسجد را آزمایش می کنیم».

حاج آقا سید علی توضیح می دهد که هر برنامه یا مناسبتی پیش می آید این مردم اعلام می کنند و مردم هم کمک کرده ان برنامه را اجرا می کنند.

نقاط مبین مسجد و انش اموزن چگونه است؟ حاج آقا سیدی واقعا برای دانش اموزان ارزش و

بازسازی و توسعه مسجد با بود کردیم که برای بازسازی هر متر از مسجد قفله هزینه می برد و اعلام کردیم برای هر متر این مقدار هزینه لازم است. دوباره بعد نقل کار زدند و مسجد را بازسازی کردیم. ما مهندسی جدید بود یا استحکام زیاد ساختمان مسجد را آزمایش می کنیم».

حاج آقا سید علی توضیح می دهد که هر برنامه یا مناسبتی پیش می آید این مردم اعلام می کنند و مردم هم کمک کرده ان برنامه را اجرا می کنند.

نقاط مبین مسجد و انش اموزن چگونه است؟ حاج آقا سیدی واقعا برای دانش اموزان ارزش و

را خود جوان ها انجام دهند. آنان راهم گاهی پیشکش و ستان و گاهی نوجوانان می گویند در اجرای برنامه جوان ها جمع می شوند و طبق برنامه ریزی بزرگان مسجد اجرا می کنند».

بزرگان مسجد اعتراض نمی کنند:
«لشتره بزرگترها بزرگتر می دهند و فکر می کنند بچه که آنان بگوید ما مگر باشدشان مسجد و آنها رعایت شده است. اما ما طوری برنامه ریزی می کنیم که احترام آنها نادیده گرفته نشود. زمان که می گذرد و بزرگترها می بینند بچه ها به آنها احترام می گذارند و کارشان را خوب انجام می دهند. با گذشت زمان می پذیرند. بزرگترها می گویند این ها فرزندان شما هستند یک روز هم شما این سن بودید».

چند سال است که اینجا هستند و از نشاطان با مردم چگونه است؟

«۱۲ سال است که قم به اینجا آمده ام و مشغول خدمت هستم. در ابتدا برنامه ام این بود که یک سال در مسجد امام جواد علیه السلام در خدمت مردم باشم. اما مردم آن قدر محبت داشتند که تا امروز مانده ام. ابتدا که وارد شدم، امام جماعت قبلی به رحمت خدا فرشته بود. اینجا از محله های قدیمی تهران است و مردم خوبی دارد. آرام آرام مردم انس گرفت».

مسجد امام جواد علیه السلام در سال ۱۳۵۱ تأسیس شده است. مؤسسان این مسجد جمعی مردم آزادی زبان بودند تا به حال سه بار بازسازی شده و توسعه پیدا کرده است. جریان بازسازی این مسجد در استان جالبی دارد که حاج آقا سیدی با لجه شیرین آذری اش بر ایمان تعریف می کنند: «چند سال پیش که مسجد مردم برای جمعیت مردم کوچک است و فضا کم داریم. تصمیم گرفتیم فضای مسجد را توسعه دهیم. همسایه مسجد هم تصمیم فر فروش گرفته بود. این مسئله مقلان محرم شده بود. یک روز در ماه محرم که جمعیت زیادی در مسجد جمع شدند، برای مردم صحبت می کردم. به مردم گفتیم بیاید با خدا معامله کنیم. بیاید نفری یک متر بایم. متر از خانه کناری مسجد را بخریم. برای خودمان و نزدیکانمان. اول از همه من خودم پیش قدم شدم و یک متر برای خودم و یک متر برای همسرم خریدم. مردم همه این کار را کردند. یکی برای خودش و فرزندان یکی برای خودش و پدر و مادر مرحومش. خلاصه خانه کناری مسجد را خریدیم و خانه را اضافه کردیم به مسجد. برای

این بار مسجد امام جواد علیه السلام برای گزارش به خواتمگان محترم انتخاب شده است. مسجد امام جواد در یکی از محلات قدیمی غرب شهر تهران قرار دارد. برای رسیدن به این مسجد باید ساسانی را در خیابان های پاریس و پر از حجام اصل قدیمی در ترافیک گذرانند. و دقیقی از قدم مردمی برانظاره کرد که درست است که در خانه های کوچک کهنسال زندگی می کنند و بسیار ساده روزگار می گذرانند. اما مال های باصفا و محبتشان مساجد این محله را پر رونق و فعال نگاه داشته است.

یا حاج آقا سیدی قرار مصاحبه گذاشته ایم. با نشانی با محل و ترافیک خیابان باعث می شود با تأخیر به مسجد برسیم. اما حاج آقا سیدی با روی گشاده و بالبخنده با من گفتگو می کنند. حاج آقا سید عباس سیدی متولد ۱۳۳۶ در آذربایجان است. او تحصیلات حقوقی را در قم گذرانید. دو دوره و سه سطح تمام کرد. در محضر اساتیدی چون آیت الله مکارم شیرازی و وحید خراسانی درس خارج را گذرانید. اما با شناختی که از خود داشت فعالیت های تبلیغی را برای خود مناسبت دید و صحبت های رهبر محترم انقلاب در سال ۷۶ در قم جرقه ای برای حضور جدی ایشان در عرصه تبلیغ و ارتباط نزدیک با مردم مسلمان و نمازگزار شد.

حاج آقا سیدی در این باره بر ایمان توضیح داد «در سال ۷۶ رهبر به قم آمدند و گفتند طلبه ها هجرت کنند و قم نمانند. در مرگ زور، که نرم افزار های آموزش تولید می کنند. بدم من هم، با نرم افزار های کامپیوتری آشنایی داشتم. دیدم در تبلیغ مهارت خوبی دارم و از طریق خوبی می توانم با جوان ها برقرار کنم. بنابراین به اینجا آمدم. در اینجا با جوانان رابطه خوبی دارم و بعضاً برنامه های مرکز نور را به آنها داده و دیدم استقبال خوبی از برنامه ها شد. اینجا می آیند برای نماز و من برای نماز به دیرستان نزدیک مسجد می روم».

حاج آقا سیدی توجه زیادی به جوان ها خصوصاً دانش اموزان دارند. در نزدیکی مسجد چند مدرسه قرار دارد که حاج آقا برای آنها برنامه ریزی خوبی دارد و طی سال برنامه های هدفمند زیادی برای بچه های پیش دبستانی، دبستانی و دبیرستانی اجرا می کنند. از این طریق تمام سنین و قشر ها مسجدی می شوند. «یکی از اهداف من این است که جوان ها را به مسجد جذب کنم. من کودکان و نوجوانان را در کارهای مسجد دخالت می دهم. سعی می کنم کارهای مسجد

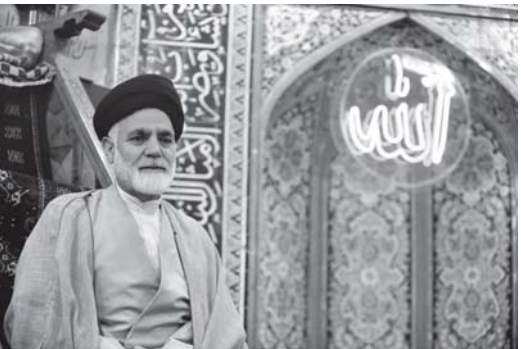


محراب گنت و گو

قطب سرهای از جود و کرم در مسجد امام جواد

گزارشی از امام جماعت و فعالیت های مسجد امام جواد (ع)

گزارشگر: اصغر غلامی



اگر کسی از زیارت برگردد، همه با هم به دیدارش می‌رویم. در چریان کجایی سوماتی از مردم در خواست کمک کردیم. مردم این منطقه قنبر هستند، با وجود این مردم می‌گفتند چند روز می‌دونی خوریم چیزی نمی‌شود.



جایزه می‌دهیم، دانش آموزان ممتاز را به همراه پدر و مادرشان به مسجد دعوت می‌کنیم و به آنها جایزه می‌دهیم.

زیارت مسجد یا مساجد

«اگر کسی از زیارت برگردد، همه با هم به دیدارش می‌رویم. در جریان فحقی سوماتی از مردم در خواست کمک کردیم. مردم این منطقه قنبر هستند، با وجود این مردم می‌گفتند چند روز می‌دونی خوریم چیزی نمی‌شود. از همین مردم که وضعیت مالی خوبی ندارند ۱۷۰۰۰۰ هزار تومان پول جمع شد من شب رفته‌ام و گریه کردم گفتم خدا یا خدا این مردم را ببین.»
یک اصل که باید امام جماعت در نظر بگیرد «یک امام جماعت باید با مردم زندگی کند اگر امام جماعت فقط در مسجد نماز بخواند و برود و زیارت با مسجد و نمازگزاران دیگر نداشته باشد فایده‌ای ندارد اگر مسجد نتواند مشکلات مردم را حل کند فایده‌ای ندارد. من تمام نمازها را در مسجد می‌خوانم و بعد از آن مشاوره و رسیدگی به مسائل و مشکلات مردم را در اولویت کارهایم قرار می‌دهم.»

کتابخانه کلیدی که مساجد باید در نظر داشته باشند

«یکی از چیزهایی که در مساجد رعایت نمی‌شود، مردم باید بدانند نماز کی شروع می‌شود و کی تمام می‌شود. کیفیت نماز هم باید خوب باشد در عین حال طولانی نباشد. در تهران مردم عجله دارند به کارهای خود برسدند و بین برایشان مهم است. من به همین دلیل بین دو نماز تنها یک ربع صحبت می‌کنم. چون زمان کوتاهی صحبت می‌کنم و زمانش هم مشخص است. جمعیت زیادی می‌نشینند هر کس می‌داند دقیقاً چه ساعتی نماز شروع می‌شود چه ساعتی صحبت می‌کنیم و چه ساعتی تمام می‌شود.»

سرد هم‌طور، اینقدر از بر نامه‌های مسجد استقبال می‌کنند

«اگر امام جماعت با مردم زندگی کند و محبوبیت و مقبولیت داشته باشد، با اخلاق و رفتارش مردم را جذب می‌کند. مثلاً چند روز پیش یک مادر شهید فوت کرده بود. با جماعتی از نمازگزاران برایشان نماز لیلۃ اللین خواندیم. وقتی یکی از نمازگزاران می‌باید می‌شود همه ما هم بعد از نماز به عیادت آن فرمودیم. برای مردم، همیشه با هم کارهای مشکلی داشته باشیم. دخل می‌کنیم، اگر کسی به رحمت خدا رفته باشد، به منزش می‌رویم برای تسلیت

و لوح‌های فشرده احکام تفسیری از مرکز نور گرفتیم. بین نمازگزاران هم اعلام کردیم مردم چادر و سجاده‌های زیبا تهیه کردند و در مدرسه جا به جا می‌آوردند.
همان بچه‌ها بعد از آن همراه پدر و مادرشان به مسجد آمدند و مسجدی و نماز خوان شدند. هر فرمودند که خوب است امام جماعت مساجد با نفر ۲۰۰ نفر معرفی کردند. برای تهیه جایزه برای این بچه‌ها ما مرکز نور هم تماس گرفتیم

حدود ۲۵ خانواده تحت حمایت دائم مسجد هستند. مسجد برای شان یک سید غذایی از کالاهای اصلی مثل برنج، روغن، گوشت و حبوبات می‌دهد. برای تأمین هزینه این سید غذایی هم سرانگ نمازگزارانی که تمکن مالی خوبی دارند می‌رویم. به آنها گفتیم شما از آید باید که وقتی چوب می‌بازد مقداری براده چوب اطرافش می‌ریزد. شما هم که بر آمد چوبی ما را باید مقداری پول به نیازمندان بدهید. از آنها حواله گرفتیم برای این فروش یا قصاب و... آن افراد با دریافت حواله مسجد جنس‌ها را می‌فرستند و چوب‌ها هم بسته‌بندی می‌کنند و به خانه‌ها می‌فرستند.

به یارمانگان، کسی در محل فوت کرده بود، مسجدی‌ها گفتند این فرد یک بار هم به مسجد نیامده است! اما همه نمازگزاران جمع شدیم و به منزش برای عرض تسلیت رفتیم. در آنقرآن خواندیم و به خانواده‌اش تسلی خاطر دادیم. حالا هر سه پسر آن مرحوم از مسجدی‌های خوب ما هستند.
معمولاً کلاس اولی‌ها یک روز زودتر از دیگران به مدرسه می‌روند برای آشنایی با مدرسه آن روزها و اینجای مدرسه نزدیک مسجد در مسجد می‌گذرانند. کلاس اولی‌ها به همراه پدر و مادرشان به مسجد می‌آیند. در مسجد پذیرایی می‌شوند، هدیه می‌گیرند من برای شان صحبت می‌کنم. برای شان می‌گویم که خوانند چقدر آنها دوست داشته که اولین روز تحصیل را در مسجد آغاز کرده‌اند.

در آخر همراه با یارایشان از زیر قرآن رذیشان می‌کنیم تا به مدرسه بروند. یک خانمی فرادی جنس، فرزندش را آورد و گفت حاج آقا ما در روز نبودیم، فرزندم را آوردیم تا شما او را زیر قرآن رد کنید.»

سجده نیازمندان هم کجایی؟

«حدود ۲۵ خانواده تحت حمایت دائم مسجد هستند. مسجد برای شان یک سید غذایی از کالاهای اصلی مثل برنج، روغن، گوشت و حبوبات می‌دهد. برای تأمین هزینه این سید غذایی هم سرانگ نمازگزارانی که تمکن مالی خوبی دارند می‌رویم. به آنها گفتیم شما را به دیدار ما می‌بریم. چوب می‌بازد مقداری براده چوب اطرافش می‌ریزد. شما هم که در آمد خوبی دارید باید مقداری پول به نیازمندان بدهید. از آنها حواله گرفتیم برای برنج فروش یا قصاب و... آن افراد با دریافت حواله جنس‌ها را می‌فرستند و بچه‌ها هم بسته‌بندی می‌کنند و به خانه‌ها می‌فرستند.

اسم‌ال تمام‌هار رمضان افطاری ساده داده شد. جمعیت مردم می‌آیندند و از افطاری استفاده می‌کردند. همانطور که می‌دانید، هر از این افطاری ساده را رضی بوندند.

جز آنکسان در بر نامه‌های مسجد چه کسانی هستند؟

«افسر ادبیت اما او جوان‌ها به صورت منظم می‌آیند و کارهای مسجد انجام می‌دهند. تعداد زیادی هم در عبادت‌ها و طر‌های ضربتی به مسجد می‌آیند و کمک می‌کنند. همینطور خود



مسجد گذاشته می‌شود و در طول سال با قناعت خرج مسجد می‌کنیم. هنوز موفق نشده‌ایم کسی را پیدا کنیم. پول زیادی بگذارد و منبع در آمدی برای مسجد ایجاد شود. شاید همین طور بهتر باشد. چون در آمد نداریم خرجش نیست که... ما کمتر می‌توانیم نیازمندان استفاده را می‌بریم. اینجا خواهران فعالیت‌های زیادی دارند. مثلاً سانه دستمال بسته است. اگر امکانات بیشتری داشتیم فعالیت‌های بیشتری می‌کردیم.
کمک‌هایی که مردم خیر می‌کنند در حساب احساس مسئولیتی نمی‌کند.

لباس عوض می‌کنیم، و یا به پای دیگمان کار می‌کنیم.

بر منبع در آمدی با پشتیبانی اداره مسجد بهتر نبود؟

«ما کمتر می‌توانیم نیازمندان استفاده را می‌بریم. اینجا خواهران فعالیت‌های زیادی دارند. مثلاً سانه دستمال بسته است. اگر امکانات بیشتری داشتیم فعالیت‌های بیشتری می‌کردیم.
کمک‌هایی که مردم خیر می‌کنند در حساب احساس مسئولیتی نمی‌کند.»

فرشته‌هایی در قالب انسان

شخصیت معنوی در آیین تریبیت دینی
م. ر. باقی‌طلقاتی



برای غور در شخصیت معنوی انسان‌ها و اراله رهاک‌ها و اسپیس‌سنجی مشکلات تربیتی، ابتدا باید تعریف از شخصیت داشت. شخصیت اساسی برین موضوع علم روان‌شناسی است. لغت شخصیت که در زبان لاتین Personalite و در زبان انگلیسی پسون Personalite خوانده می‌شود، ریشه در کلمه لاتین persona دارد. این کلمه به نقاب یا ماسکی گفته می‌شود که در یونان قدیم، بازیگران تئاتر بر چهره خود می‌زدند. بنابراین مفهوم اصلی و اولیه شخصیت به تصویری ظاهری و اجتماعی که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند، گفته می‌شود، به عبارت دیگر فرد به اجتماع خود شخصیتی را ارائه می‌دهد تا جامعه بر اساس آن وی را ارزیابی کند^۱ شخصیت معنوی نیز تعریفی در همین راستا دارد. شاید نتوان آن را قسمی و یا زیر مجموعه‌ای از شخصیت کلی فرد نامید؛ زیرا فرد مؤمن تنها یک شخصیت برای ارائه به جامعه و زندگی خود دارد و آن هم شخصیتی معنوی است که تحت تألیم و تربیت دینی و معنوی رشد تکوین یافته.

اگر با تعریف علامه طباطبایی از دین مبنی بر اینکه «دین نظام عملی مبتنی بر اعتقاد است که مقصود از اعتقاد در این مورد تعالی علم نظری نیست؛ زیرا علم نظری به تنهایی مستلزم عمل نیست؛ بلکه مقصود از اعتقاد، علم به مبدء و حقیقتی است»^۲ پیروی بر طبق مقتضای علم قطعی است^۳ موافق باشیم، انگاه می‌توانیم شخصیت معنوی را در تعریفی برابر با شخصیت به صورت مجرد ارائه دهیم و بر این شکل دهی و کمال آن به تألیم تربیتی آن متسکث شویم.

بیش از هزار حدیث تربیتی به یادگار مانده از پیامبر مکرّم اسلام و ائمه معصومین^۴ برآه‌های جامع برای طراحی و تکوین شخصیت معنوی یک مسلمان ارائه می‌دهد که از این حیث ذخیره‌ای گران‌بها و حائز اهمیت در عرصن شخصیت‌های علمی در حوزه علم‌النفس و روان‌شناسی برای محققین، مبلغین و توده مسلمانان عالم است.

مطابق برنامه جامع تربیت اسلامی و همچنین نظریات جدید علوم مختلف روان‌شناسی، شکل‌گیری شخصیت انسان که متاثر از دو عامل وراثت و محیط است در واقع از پیش از تولد فرد آغاز می‌شود. احادیث زیادی نیز درباره این قاعده در کتب روایی اسلامی موجود است که نشان اهمیت موضوع در نگاه پدران دینی ما دارد. البته با توجه به موضوع این مقاله که سیر شکل‌گیری و تکوین شخصیت فرد را در سه برهه ۱، ۲ و ۳ تا هفت سالگی، ۲، هفت تا چهارده سالگی و ۳،

چهارده تا ۲۱ سالگی مورد بررسی قرار می‌دهد، تنها به اشارات کلی گذرا بیان بسنده نمی‌کنیم. ریشه‌یابی شخصیتی یک کودک بنا بر روایات اسلامی از چگونگی تربیت شخصیت فردی و خانوادگی والدین وی آغاز می‌شود. آیا والدین کودک دارای تربیت اسلامی بوده‌اند؟ ملاک آنها برای ازواج یا یکدیگر چه بوده است؟ پیامبر اکرم اخلاقی و دین‌مداری را متر و معیاری مشخص برای یک همسر ایده‌آل و دینی معرفی می‌کند و خطاب به خانواده‌ها می‌فرماید: «أنا جاکم من ترضون خلقه و دینه فرؤجوه! اگر کسی که از اخلاقی و دین او خوشود هسید به خواستگاری اید، به وزن بدهید»^۵.

پدر و مادر به مثابه ستون فقرات شخصیت کودک معرفی می‌شود. تا کنید اسلام بر این دو موضوع به دلیل اهمیت موضوع قانون وراثت است. در تمام اخلاقیات و غرایز روحی، فرزند از پدر و مادر خود خارج نیست؛ بلکه تابع و نتیجه صفات آن خود است^۶.

نتیجه قوای روحی و اخلاقی آن دو خواهد بود^۷. کودک تحت تأثیر لقمه‌ای که پدر و مادر از آن رشد کرده‌اند، در دوران رشد چنین مادر از آن تعذی می‌کند فرار دارد. حکایتی از علامه محمد تقی مجلسی نقل می‌کند که اوقات و تجربه نیز با آن موافقت دارد: «علامه در مسجد جامع مشهدین نماز می‌خواند. شی «علامه» پرسش از حمدیاق مجلسی را با خود به مسجد برده بود. حمدیاق از ورود به مسجد خودداری کرد و در حیاط مسجد نشست. پس از رفتن پدر، به مشک آبی که در حیاط مسجد بود سوزنی فرو برد و آب آن را از آن می‌ریخت بازی می‌کرد پس از نماز، پدر خبر یافت و از این امر ناراحت شد. به خانه رفت و همسرش را گفت که من در تعذی و رعایت ادب و رسوم اسلامی پیش و پس از آنغناظف و در دوران کودکی فرزند نامی تمام کرده‌ام ولی عمل امروز این کودک نشان دهنده تغییر یکی از ماست.

مادر کسودک گفته هنگام بارداری به منزل همسرش رفته بودم که درخت انار آنها توجه مرا به خود جلب کرد. به اناری از آن، سوزنی فرو بردم مزه آن را چیشم»^۸.

می‌بینیم سوزنی که مادر در دوران بارداری به انار درخت همسایه برده کرده بود، در تکوین شخصیت کودک مؤثر افتاد و رفتار کودک کمربوز کرد. خوردن غنای تهیه شده از مال حرام در هر دورانی از زندگی اثر نامناسب بر انسان می‌گذارد و رفتار او بروز خواهد کرد.

دست‌ان حساسیت‌های مادر در دوره بارداری به



تکوین شخصیت آینده فرزند در بخش تعذی و وی خلاصه نمی‌شود و عوامل تأثیرگذار بر روح و روان وی هم مدنظر تألیم اسلامی است، و خواندن قرآن به صورت مستمر در دوره بارداری و توصیه‌های در این مورد در این مقطع می‌تواند شخصیت کودک را در آینده دستخوش تأثیرات خود کند.

عوامل مؤثر بر شخصیت کودک در هفت ساله ابتدای زندگی

خانواده مأمّن ابتدایی ورود کودک به دنیا است؛ محیطی که می‌تواند خاستگاه صفات جلیله انسانی و در برخی موارد ملجأ صفات ذلیله غیر انسانی، شکل‌دهی فطرت و سرشت پاک و باقیمان کردن صفات القومیت فرزند، هنری است که خانواده دینی باید دارای آن باشد. دریای بی‌کران آموزه‌های دینی در قالب سیره عملی و تئوری‌ای نظری پیامبر و ائمه اطهار^۹ مسیر این مرحله را برای شکل‌گیری شخصیت معنوی کودک سهل و آسان می‌کند.

عوامل مؤثر بر شخصیت کودک در هفت ساله دوم

ایسن دوره از زندگی کودک آغاز مرحله موختن دوره امرهای والدین و پدر فرزند است. در این مرحله شخصیت معنوی کودک از مرحله تقلید و عادت‌بسته مرحله پرسش‌گری می‌سازد. مهارت والدین در ارائه پاس‌خها و دلائل کوتاه ساده و قابل فهم و خود را در استدلال‌های پیچیده باشد تأثیری مهم در پرورش و رشد انسان مذهبی کودک دارد و پایه و اساس جزیی و تفکرات دینی او را در آینده شکل خواهد داد.

در این دوره کودک با توصیه‌های عملی که در زیر آورده می‌شود شخصیت معنوی محکم‌تری پیدایش می‌کند:

۱. برای آیین تیبیت در دل فرزندتان بیش‌ها

تربیت در مسجد

سید مرتضی موسوی

فرزندان در هر سنی که باشد برای خود شخصیت و احترام قائل است و دوست دارد به شخصیتش توجه شود. از این رو سزاوار است که پدر و مادر به عزت نفس و اعتماد بنفس کودک در تربیت و تحکیم اصول اخلاقی وقت نمایند. از جمله در مهمانی‌ها و دیدارهای گروهی روح کودک و نوجوان مانند گل، بسیار ظریف و حساس است و کوچک‌ترین ناهنجاری ای پرمهره می‌شود.

نکاتی که در تربیت فرزند در مسجد به مردم سفارش می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد برای تقویت اعتماد به نفس کودکان باید به آنها احترام گذاشت و نظرها را برپسندید در مسجد اگر چند نفر از آنها در یک صف ایستاده‌اند آنها را به عقب نرانند بلکه بین آنها برای صحیح نماز فاصله انداخته.

اگر کودک، این وجود را ایستاده به فقط توجه می‌دهد و پیراسته از آلودگی‌های روزانه، در دامن پدر و مادری مومن و پابنده نشانیات، جامعه‌های سالم و مدرسه‌ای واجد شرایط صحیح قرار بگیرد، مؤدب به ادب می‌شود و آشنایی جامع و با فضیلت به بار می‌آید. ولی با کمک تأمل بیشتر کودکان به خانه‌های قدم می‌گذارند که آثار تربیت الهی و آشنایی در آن خانه کم است، یا اگر باشد قدرت مقابله با محیط خراب اجتماع را ندارد.

چاره چنین مهلکه‌ای پناه بردن به جایی است که مامن و محل تکیه و خویشتن است تا با پرهیزدن از ممنوعیت از گرداب حوادث نجات یافت. مسجد مأمی تکیه خوار کودکان است که می‌تواند آنان را از این خطرات حفظ کند.

پی‌نوشت:

۱. مهران، حسین. تشریح و شرح صحابه سجاده، ج ۱، ص ۱۷۷.

معماد | پرزنده مسجد

زمانی برای نگرستن

راهنمای تربیت معنوی کودکان

آگاهی باشند و بزرگوارانه از عرضه ارائه کنند که در هر سنی که باشند در نظر داشته باشند که ذهن کودک به زمین آماده‌های شیشه‌است که همه چیز را می‌پذیرد، حتی اوها و خرافات را. والدین ناگزیر اولین الگوی کودکان در تربیت معنوی هستند. نقش عموی والدین به عنوان یک الگو بسیار تربیت معنوی کودک را سازگارترین روش است و شایسته و تربیت کودک به میزان علاقه و فراساتگی و میزان ویژه‌ای شده است. رعایت نکاتی در انعقاد نظاره، مراقبت‌های هنگام باردار و پس از زایمان، سبب می‌شود که کودک، آنگاه که در کنار زمینه‌سازی قبل از تولد برای مراحل رشد و راهکارهایی را می‌توان برای تحقق این امر پیشینهاد داد؟

۱. انتخاب الگوی تربیتی

نقش الگوها در تربیت معنوی کودکان سرنوشت‌ساز است. اصولاً تربیت، به ویژه تربیت معنوی، بر اساس صورت‌های عملی و مدل‌هایی خواهد بود که والدین و مربیان به کودک عرضه می‌کنند. نظری که رفتار را از والدین خود بیاندازد از آن تبعیت خواهد کرد. خواهر و برادر یا دیگران، خواه آن‌ها سالم، چه تبعیت از الگو در همه سنین مهم است و در شش تا دوازده سالگی نقش مؤثرتری دارد. تصور کودک چهار ساله از پدرش این است که در هر چه او مشاهده می‌کند، همگی دوستی یا همسالان خود را بخورد. خود کودک به دلیل نقش پدر بودن از دوسان خود، به شدت تأثیر می‌پذیرد. والدین می‌توانند دوسان فرزند خود را انتخاب کنند. امروزه نقش مهد کودک‌ها

۲. انتخاب همسالان و هم‌بازی کودکان

یکی دیگر از راهکارهای مهم در تربیت معنوی کودکان، انتخاب در هم‌سنین و هم‌بازی‌های کودک است. کودک که به دوست و هم‌بازی می‌شود دارد تا ارتباط عاطفی خود را گسترش دهد. ملاقات دوستی با همسالان خود را بخورد. خود کودک به دلیل نقش پدر بودن از دوسان خود، به شدت تأثیر می‌پذیرد. والدین می‌توانند دوسان فرزند خود را انتخاب کنند. امروزه نقش مهد کودک‌ها

کودکان ساعات زیادی را در آن می‌گذرانند. بسیار مهم است والدین می‌توانند با انتخاب مهندهای تربیت معنوی کودک کام مؤثری بر دارند. برنامه‌های مهد کودک در تربیت کودک مهم است؛ حتی بازی‌هایی که کودکان با یکدیگر انجام می‌دهند و تأثیراتی که در بازی از آنها با یکدیگر می‌گیرند نیز مهم است. از نوع ارتباط با یکدیگر می‌تواند تربیت والدین به کودکان آموختگی از تربیت والدین هستند. در انتخاب هم‌بازی‌های کودک به خانواده‌ها نیز باید توجه کرد.

۳. شرکت در محافل مذهبی و معنوی

شرکت دادن کودکان در مراسم و محافل دینی مذهبی باعث پرورش عواطف دینی کودک می‌شود که در تربیت معنوی کودک مؤثر است. خدمات آنها کسود که در الگو در دادن این شخصیت‌ها تربیت می‌شود. کودکان نسبت به کسانی که جنبه ایجاد و تحسین آنها برمی‌انگیزند و راه و روش فراهم‌مان را دارند علاقه‌مندند. این توانمندی شرح اختیار می‌دهد که فرزند از آن‌ها استقبال کند. کودکان که در این محافل شرکت می‌کنند، به آنها وابستگی بیشتری پیدا می‌کنند. والدین می‌توانند این محافل را در اختیار خود قرار دهند تا کودک در این محافل شرکت کند. والدین می‌توانند این محافل را در اختیار خود قرار دهند تا کودک در این محافل شرکت کند. والدین می‌توانند این محافل را در اختیار خود قرار دهند تا کودک در این محافل شرکت کند.

دهن کودک به جای بگذارد. دادن شیرینی یا هدیه تا تأثیر غیر مستقیم بر کودک دارد. در تربیت معنوی کودک سعی کنید بیشتر به صورت غیر مستقیم فضاهای روحی و معنوی را ایجاد کنید که کودک جذب و متحمل شد. ملاقات کودک در (زودهای فرهنگی یا زبانی، ملاقات با شخصیت‌های معنوی و در کارخان در جمع عمل کودک توجه کنید. استفاده از تقویت مثبت به یاد در راستای تربیت

کودک باید به اولیای دین، به رسول خدا و ائمه و دیگر پاسداران مذهب علاقه باشد تا امر و نهی شان و راه و روششان در او اثر گذارد و شیوه‌های زندگی آنان را سرمشق خود برد. برای رسیدن به تربیت معنوی ذکر باستان زندگی و شرح فکادی و خدمات آنها کودک در الگو قرار دادن این شخصیت‌ها تربیت می‌کند.

۴. روش‌های قصه‌گویی

معنوی کودک باشد. نه اینکه بخواهد اعمال قدرت کند یا کودک را بدون لیاقت مورد تشویق قرار دهند. اعمال تهنیت و تحسین موجب تأثیر روحی کودک می‌شود. اگر کودک از راه صحیح و به میزان مناسب بتباید، سبب عبرت‌اندوزی کودک می‌شود و با احساس بشیمانی، به‌طور جدی تصمیم می‌گیرد دست به کاری نرند که پس از آن تنبیه و سزایش باشد. همچنین تشویق و پاداش موجب نشاط و شادی کودک می‌شود. در صورتی که این نشاط و شادمانی از صحیح و به اندازه ایجاد شده باشد، کودک با اشتیاق تمام می‌کسود که همواره کارهایی را انجام دهد که معمولاً پس از آن والدین او را تشویق می‌کنند و به او پاداش می‌دهند.

در هر سنی باید تشویق مثبت را به کودک به انجام اعمال دینی بتباید، به صورت یک محرک باشد. مردی نوزدهم موسی بن جعفر از فرزند خوش شکایت کرد که حضرت فرمود: هر قدر نتوانی از آن بگریزی و راه و روش فراهم‌مان را دارند علاقه‌مندند. این توانمندی شرح اختیار می‌دهد که فرزند از آن‌ها استقبال کند. کودکان که در این محافل شرکت می‌کنند، به آنها وابستگی بیشتری پیدا می‌کنند. والدین می‌توانند این محافل را در اختیار خود قرار دهند تا کودک در این محافل شرکت کند. والدین می‌توانند این محافل را در اختیار خود قرار دهند تا کودک در این محافل شرکت کند.

تربیت معنوی کودک بسیار حساس است و باید به صورت غیر مستقیم و جذاب صورت بگیرد تا کودک لذت و شیرینی معنویت را در زندگی خوش احساس کند و خود مشتاق انجام اعمال دینی شود.

۵. استفاده از تشویق مثبت

یکی از راهکارهای تربیت استفاده از سیستم تشویق و تنبیه است. این روش بسیار حساس است و باید در استفاده از آن به دقت توجه کنید. تهنیت یا توجه به سن و سال کودک باشد. (ب) در فهم کودک و سبب (سبب) به نوع عمل کودک توجه کنید. استفاده از تقویت مثبت به یاد در راستای تربیت

کودک مسجد

میزگر دکتور سبزی آری سبب فلسفای و شیوه‌های جذب کودکان به مسجد

به کوشش سعید قاضی

موضوع «کودک و مسجد» را نمی‌توان یک دوجویی ساده تصور نمود که هر گاه کودک و مسجدی در کنار هم قرار گرفته‌اند، قانون جاذبه عمل کند و لاجرم این دو به هم پیوند خوردند این عقوله ابتدا به مفهوم فلسفای این رابطه و تأمل دربار و سؤالاتی نظیر لایحه‌های یک مسجد چیست؟ چرا ای حضور کودک در مسجد؟ جایگاه مسجد در منظومه تربیتی کودک؟ نیاز دارد. در این مورد ما بیش از نظر به برزای علمی به راهکارهایی عملی تمایل نمودیم. برای بررسی این دغدغه به مسراع سن از کارشناسان خبره که در عرصه عمل هم دارای تجربیاتی ارزنده هستند، رفتیم. مثنی ذیل چند کجیده گفت‌وگو می‌آید با ایشان است.



سهرابی در روح کودک‌ها همه جایچه دارد کسند و کودک که مسجد ایستاده است. کودک را برای آموزش و محبت بخش - الگوگیری کودکان از جامعه و محیط، بخش عمده‌ای را یادگیری چیمها از دریافت‌های محیط و افراد است. می‌توان حسستان را با الگوهای عملی یاد کودک آموخت. جذب کودک به مسجد یک کار جمعی است و خانواده و رسانه و مدرسه باید اهمیت راهبردی حضور کودک در مسجد را درک و همراهی کنند.

به عنوان اولین کارشناس به حضور صدای آشنای این روزها برای برنامه‌های تربیتی رادیو رفتیم. جیست اسامه‌الله المسلمین محمد حسن سعیدی که مدیریت هم‌گوشه مشاوره بیان را بر عهده دارد و دغدغه‌های ما را چنین پاسخ گفت:

استعداد به نفس دینی

در اولین گام ما باید اسلام را به عنوان دین خدا و یک مجموعه جامعی که بشر را به سوی سعادت هدایت می‌کند و مجموعه‌ای از تمدن‌ها که بهیچ‌جا پای روی است و هم سبک زندگی را می‌آموزد، یقین کنیم و شناختیم و بشناسیم. باید با حقیقتی که آموخته‌ایم دین را برای کودک جایزانه‌اییم که مهم‌ترین نتایجش تقویت اعتدال به نفس است. مشکل این است که برای مسلمانان اعتدال کمالی به هویت دین خود ندارد که این عدم اعتدال دلیلی عدم شناخت است و نتایجش آسیب‌های روانی و اجتماعی متعددی است که بعداً در جامعه شاهد آن هستیم.

می‌توان یون و ویژگی‌های کودک را شناخت و از آنها بهره گرفت: آموزش رابطه مسجد و کودک باید بر پایه - استعداد فراگیر کودکان - البته باید به اصل آموزش غیر مستقیم توجه داشت.

مسجد محیط مناسبی برای ارائه این الگوها به کودکان است. والدین باید مشق کودکان باشند. **گروه‌های دوستی**

علاوه بر این برنامه‌های فرهنگی تفریحی و ورزشی می‌توانیم جذب مستقیم کودک، با ایجاد کلوب‌ها و جمع‌های هم‌سن و سال از ظرفیت دوستی و گروه‌های همسالان تربیت کودک بهره‌برد.

حس اجتماعی

حضور در مسجد دروس موزیر برای آشناسازی نسل آینده با ارزش‌های اسلامی است. مسجد نماز اسلامی است و تکمیل کند و هویت اسلامی در کودک است. احساس مذهبی کودک با حضور در مراسم مذهبی در مسجد ایجاد تقویت می‌گردد. نیز سن‌های مختلف دیدار با الهامی محل و همسایه در مسجد تدریس مناسبی برای ایجاد و تقویت حس اجتماعی در کودک است.

سوره پیامبریه‌ها

سوره نبوی توجه دادن مردم به جایگاه مسجد در سیره است. پیامبر چه‌جا را به مسجد می‌آورد. می‌بینیم در آن زمان چه‌جا در نماز جامعه مشغول یاری هستند. نشان نه تنها منبع آشنایی بلکه تشویق می‌کنند. زنان اصحاب بچه‌های شیرخواره را می‌آورد و ایشان نهی نمی‌کنند حتی برای گریه نوزاد نماز را سریع می‌خوانند.



لزومه‌های یک مسجد در روایات داریم که در کنار مسجد پیامبر مکانی بوده‌اند. «رضه العسبان» یعنی باید در کنار مسجد فضایی آرام و باشاش و خاطر ساز برای بچه‌های بی‌گناه کتیم. این کلبی ما در کنار همه مساجد مذهبی کودک ایجاد می‌کردیم. تا این آشنگی که در مذهبهای کودک ما هستند. آن هم در مذهب‌ترین سنین شکل‌گیری شخصیت انسان برسه. تربیت و زندگی دینی را تهدید نمی‌کرد. توجه و شخصیت‌دهی به کودکان مهم است. خدا در امور مسجد از کودکان و نوجوانان که اعتمادشان سنباشن کمک بگیریم. مدخل کاری که می‌تواند کودک‌دوستان و تلاوت قرآن است که باید به چه‌جا بهره‌برد شود.

داستانی از برای امام جماعت

در پروین یادگوش:

غیر مستقیم با استفاده از قصه و نمایش عروسکی و تئاتر و داستان. **کودک در روش زنده باشد.**

بایسته‌های یک امام جماعت **در برخورد با کودک:** هم‌طور باشد که می‌خواهید کودک حاضر در مسجد همان‌طور باشد. الگوهای رفتاری کودک هستنیده و همین دلیل باید در گفتار و کردار آراستگی رفتاری و ظاهرش، احترام و تواضع، نظم و انضباط وقت نماید.

نکته طلایی

اگر بنا داریم به جذب و تربیت کودکان را آغاز کنیم، اولین، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین کلید، کشف ذوق است. با روابط عمومی قوی و کشف ذوقی همه تقصیرها در جذب کودک را می‌توان پوشاندان شده‌اند.

لزومه‌های یک مسجد

در روایات داریم که در کنار مسجد پیامبر مکانی بوده‌اند. «رضه العسبان» یعنی باید در کنار مسجد فضایی آرام و باشاش و خاطر ساز برای بچه‌های بی‌گناه کتیم. این کلبی ما در کنار همه مساجد مذهبی کودک ایجاد می‌کردیم. تا این آشنگی که در مذهبهای کودک ما هستند. آن هم در مذهب‌ترین سنین شکل‌گیری شخصیت انسان برسه. تربیت و زندگی دینی را تهدید نمی‌کرد.

توجه و شخصیت‌دهی به کودکان مهم است. خدا در امور مسجد از کودکان و نوجوانان که اعتمادشان سنباشن کمک بگیریم. مدخل کاری که می‌تواند کودک‌دوستان و تلاوت قرآن است که باید به چه‌جا بهره‌برد شود.

داستانی از برای امام جماعت

در پروین یادگوش:

۱- فضایی فکری در کنار کودک باید آشنا باشد. ۲- مهارت‌های ارتباط‌گیری با کودک باید آموخته شود. ۳- نیازهای کودک را بشناسند. ۴- شیوه‌های جذب کار با کودک را بدانند. مهم‌ترین اصل در زمینه آموزش و التلقا

باید در مساجد فضایی ایجاد کنیم که کودکان با طیب خاطر و با علاقه به مسجد بیایند و بازی کنند و هیجانات خود را تخلیه کنند. باید حوصله به خرج دهیم تا کودک خردی را می‌توانیم جذب کنیم. و خاطرات کودک‌هاش که شیرین‌ترین خاطرات است، در مسجد شکل بگیرد.

خاطرات کودک

باید در مساجد فضایی ایجاد کنیم که کودکان با طیب خاطر و با علاقه به مسجد بیایند و بازی کنند و هیجانات خود را تخلیه کنند. باید حوصله به خرج دهیم تا کودک خردی را می‌توانیم جذب کنیم. و خاطرات کودک‌هاش که شیرین‌ترین خاطرات است، در مسجد شکل بگیرد.



یک تپیم خوب

یک مسجد خوب شامل یک تپیم مدیریتی خوب است؛ یعنی اگر هدف و دغدغه جذب کودک و نوجوان باشد، باید امام جماعت، مثبت‌اندک، کانون فرهنگ، پایگاه سبب و حتی خادم مسجد هم همین هدف و دغدغه داشته باشند و همگفکر کمک‌کار باشند. اگر تپیم مدیریتی، البته این همه‌ها را همگفکر تپیم‌ها، به هم وصله و حوصله امام جماعت است که ایجاد می‌شود.

خاطره

کیمبار که برای اعجاز نماز من مسجد بودم، مؤذن کیم سنن و سالی ششاید برای اولین بار مؤذن می‌کرد که اتفاقاً هم خوب و دلنشین آنان گفت. بن دو نماز بنده چند جمله‌ای از مؤذن تعریف کردیم و چون هم یک پنج‌پنج توانی به او جایزه دادم، بعد از آن همیشه ایشان را در مسجد می‌بینم. حتی پدر و مادرش هم مسجدی شدند و پدرشان می‌گفت: «ما به اعجاز و اجاز او به مسجد می‌رویم و تپیم و حوصله امام جماعت می‌آیند می‌خواهد مؤذن شود». من خدارا شکر می‌کنم در این همه چینه چینه که می‌خواهند دکتر، خلبان و مهندسان شوند یکی هم تصمیم گرفته‌اند بر روحانی شوند!

حق همسایه

نویسنده: سعید مرتضی موسوی

حقوق همسایه از جمله حقوقی است که انسان بر عهده دارد. این حق آن قدر هست که پیامبر ﷺ فرمود: «جبرئیل همواره مرا به حق همسایه سفارش می کرد، تا آنجا که گمان کردم که ممکن است او را در ارت شریک کند»^۱

در کتاب‌هایی که درباره حقوق نوشته شده است، همجین در رساله حقوق امام زین العابدین (ع) درباره حق همسایه مطالب فراوانی آمده است.

حق همسایه در پشت سر و نبودن حفظ و نگهداری او، در حضورش گرمی داشت و احترام او، در حضور و غیاب نایب و کمک به او، نباید از او بی‌محبتی و بی‌دلی و گرفتاری و سختی نهایش نگذاری^۲

اینها توصیه‌هایی عمومی برای حق همسایه است. همسایگی مسجد فضیلت بزرگی است که باید حق آن همانند بقیه همسایگان باشد و بلکه بهتر از همه آنها رعایت شود. علاوه بر اینها، سفارشی نیز در خصوص مسجد و اینکه این حق را مراعات کنند وجود دارد از جمله اینکه امام صادق (ع) می فرماید با قوم خودتان با مسجد‌ها بروید و برای همه مردم بخواهید آنچه را برای خودتان می خواهید یا یکی شماها در نماز که همسایه‌اش حق او را شناسد و رعایت کند او حق همسایه خود را شناسد^۳

حقی که مسجد از همسایگان مراعات می کند، مسئله‌ای است که در شماره‌های بعد به آن خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت:

۱. بحواله آثار ترجمه فوهند و محمدی، ص ۴۴۹.
۲. این همه حدیثی است، حسن علی نجف، القول ترجمه چندی، تهران (۱۳۸۱)
۳. حدیثی نقلی، المیزان الکافی، ترجمه گره‌گاری.

محراب معرفی منابع



رسانه‌هایی برای رساندن پیام انقلاب

گزارشی از نوین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال انقلاب اسلامی

به‌کوشش ایوب درکامل

در این صفحه با راه‌ها و سایت‌ها و نرم‌افزارهایی در حوزه مسجد و معارف اسلامی پرداخته‌ایم و با ضرورت آشنایی با دنیای جدید دیجیتال و فضای مجازی سخن گفته‌ایم. حال قصد داریم گزارشی از نمایشگاه ارائه کنیم که مجموعه‌ای از آخرین دستاوردهای دیجیتالی متخصصان و فعالان این حوزه در کشورمان است.

امسال در فاصله نسبت کم زمانی و مکانی دو نمایشگاه در حوزه رسانه‌های دیجیتال برگزار شد که در این گزارش سعی می‌کنیم به هر دوی آن‌ها بپردازیم. البته اینکه چرا دو نمایشگاه در یک موضوع برگزار شده موضوع این بحث نیست و ما صرفاً به محتوای این دو نمایشگاه نظر داریم.

نوع‌هایی که قرار است انقلاب به پا کنند

نمایشگاه در فضایی دل‌انگیز و با جای پارکی مناسب در بوستان گفت‌وگو دایر است. فضای مناسب و تأثیرگذار غرقه‌ها هر گونه نشانه تجاری بودن نمایشگاه را از ذهن دور می‌کند. غرقه‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که خود یک رسانه باشند و به مخاطب خود تأثیرگذار، ملایم، موضوع قابل عرضه در خصوص چهره و دفاع مقدس است از نشانه‌های مربوط به همان دوران استفاده می‌شود و این خکایت را ریحان محتوا بر فرم دارد که در قالبی هنری به مخاطب ارائه شده است.

ویدئو اولین سالن که می‌شویم با بخش وسایط‌های اینترنتی و نرم‌افزارهای تلفن همراه و رویو هستیم. این بخش از جاذبه‌های خاصی خود برخوردار است. تقریباً چیزی برای فروش وجود ندارد. همه محصولات در قالب یک فضای کم‌قابلیت عرضه‌ شده و میتوان با اسواچ اینترنتی و رادیویی آنها را یافت کرد. هدف آنها اما هم‌صدا یک چیز است و آن نگاه از رشتندارانه و انقلابی به مقله‌های پیرامونی



است. در این بخش از کلیه پایگاه‌های اینترنتی که در زمینه‌های فرهنگی هنری، پایگاه‌های خدمات رسان، و نیز وبسایت‌های تخصصی با موضوعاتی مناسب و تأثیرگذار غرقه‌ها دارند دعوت شده‌اند تا در این نمایشگاه شرکت کنند.

از موضوعات اصلی این بخش عبارتند از: فرهنگ ایثار، شهادت و دفاع مقدس، ارزش‌های انقلاب اسلامی و اندیشه‌ها و آموزه‌های پیروی از انقلاب اسلامی، جنگ نرم و فرهنگ، ارائه دهنده خدمات و محتوای الکترونیک نظیر شبکه‌های اجتماعی و جامع مجازی، اتاق‌ها و تالارهای گفت‌وگو، خدمات دهنده ویلاگ‌ها و میکرو بلاگ‌ها، ابزارهای مدیریت محتوا و پایگاه‌های اشتراک‌گذاری صدا و تصویر، خبرگزاری و پایگاه‌های تحلیلی در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

از دیگر بخش‌هایی که توجه را به خودش جلب می‌کند میتوان به گروه بین‌الملل اشاره کرد. جایی که در آن کشور‌های مختلفی مانند عراق و سوریه به غرقه داشتند. جالب بود که بازدیدکنندگان هم با علاقه به سر وقت

بخش دیگری که با توجه به مخاطبین و ضریب نفوذ آن‌ها واقعاً مهم است بازی‌های رایانه‌ای است. کلیه بازی‌های رایانه‌ای و سرگرمی‌های دیجیتال قابل اجرا بر موبایل و یا کنسول‌های بازی مختلف و همچنین شبیه‌سازی‌های مختلف با موضوعات متنوع شامل این بخش می‌شوند. بخش‌های مختلفی دیگر نمایشگاه را هم مرور می‌کنیم:

بخش فناوری اطلاعات

در این بخش از موسسات و شرکت‌هایی که در زمینه زیرساخت‌های فضای مجازی اعم از اینترنت، سرور، سامانه‌های پیامکی، نرم‌افزارهای سایت و... تولیدات داشتند دعوت شده‌بود که با حضور خود و معرفی این محصولات به مردم زمینه آشنایی هر چه بیشتر تولیدات داخلی فراهم کنند.

بخش بازی‌های رایانه‌ای

هدف از این بخش معرفی محصولات و

محراب مسجد

نویسنده: سعید مرتضی موسوی

یکی از قسمت‌های مسجد که در همه‌مساجد وجود دارد، محراب است. لغت محراب به معنای غرقه، به‌بالای اتاق بهترین جای اتاق و مکان امام در مسجداست. به‌فصل حاضر از آن جهت که بهترین مکان هاست و به‌بیشه شیر نیز محراب گفته می‌شود.^۱

در وجه تسمیه محراب گفته‌اند به دلیل اینکه مصلی در این مکان در حال محرابه با شیطان است، به این محراب گفته می‌شود؛^۲ اما در عرف مردم به مکانی که امام جماعت در آن قضا می‌کند و یا به‌مکانی که جهت قبله قرار می‌گیرد نشان می‌دهد محراب می‌گویند. محراب به لحاظ ساختار مهندسی با مسطح است یا فرورفته، در مدل مسطح قشری را بر روی دیوار در سمت قبله در مسجد طراحی می‌کنند و با کاشی آن را تزئین می‌نمایند. در نوع محراب فرورفته که به آن محجوف گفته می‌شود، قسمتی از دیوار کنده می‌شود و فرورفتگی ایجاد می‌شود.

اکثر مساجد که به‌عنوان محراب (محراب مسطح) معروف شده‌اند، سنی در مورد آن بیان نکرده‌اند و عده کمی از جمله مفتیان ارضی (به آن اشاره کرده‌اند) فرموده‌اند علامت محراب در مسجد که توفیقی نداشته باشد) اشکال ندارد.^۳

شکی در جواز و عدم مکروهیت چنین محرابی باقی نمی‌ماند چرا که بقیه فقهای بزرگ که ساخت محراب (میکروه می‌دانند یا فقط «محراب انداخته»^۴ آن نام می‌دهند و آن محراب داخلی (محراب توفیقی) نامند اشکالی ندارد. علاوه بر اینها محراب در تشخیص قبله نیز یکی از امارات به حساب آمده‌است.^۵

پی‌نوشت:

۱. کفای جامع، ج ۱، ص ۷.
۲. محمد بن ابراهیم بن محمد القاسمی، ص ۱۷، ج ۱، ص ۱۴.
۳. ایزدی، محمد بن محمد بن مهدی بن علی، ج ۱، ص ۱۷.
۴. طبرسی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحیرین، ج ۱، ص ۲۸.
۵. مقدس اردبیلی، مجمع الفوائد و العیون فی شرح بیان الاحادیث، ج ۱، ص ۱۵۸.
۶. حدیثی نقلی، طه، حرز الاسلام، ص ۷۷.

سوغات حج چه قیمتی؟

در سال‌های اخیر به هر یک از زائران متبع و عمره ۳۰۰ دلار ارز پرداخت شده است از طرف دیگر سالانه حدود ۹۰۰ هزار نفر به حج و عمره مشرف می‌شوند. این یعنی هر سال حدود ۲۷۰ میلیون دلار ارز از کشور خارج شده است. اگر این هزینه‌ها خرج خرید سوغات و اجناس به‌اصلاح متبرک از کشور عربستان شود یعنی در هر سال چیزی حدود ۸۱۰ میلیارد تومان از سرمایه کشور به کشوری دیگر منتقل شده است که علاوه بر تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر افراد جامعه این عمل از معایب و مفساد اجتماعی، فرهنگی و... نیز برخوردار است. تا کید مسئولان فرهنگی و در رأس همه آنها مقام معظم رهبری در مقابله با این فرهنگ غلط در سال‌های اخیر نشان از چالشی فرهنگی اقتصادی در این حوزه دارد که نیازمند توجه مردم و مسئولان فرهنگی حج برای روشن کردن اذهان زائران محترم است. بازار گری در کشوری غریب علاوه بر اینکه جایگاه یک کارزائر در چشمان دیگران کوچک می‌گنجد باعث دست رفتن وقت و فراموش کردن هدف اصلی می‌شود.

مفساد معظم رهبری در توصیه‌های که در دیدار با کارگزاران حج در سال ۱۳۸۰ داشتند فرمودند: «بعضی‌ها به عنوان چیز بهتر که از آنجا سوغاتی می‌آورند تیرگی ندارند. در این خانهاهایی که در سندنج و کردستان خودمان می‌یافتند، بهر آنجا از خانهاهایی که از آنجا می‌آورند، بهتر است. برادر خودتان را تقویت کنید، ساخت دست‌ورا که هم زیباتر است، هم بهتر است، بخردید و این را به عنوان سوغاتی بدهید. همه‌ی اجناس خودمان همین طوری است. ما لایحانه از آنجا که می‌توانید حتی مقدس‌ترین است.»



۵۴	۵۶	۵۷	۵۸
۵۹	۶۱	۶۲	۶۴
	استقلال اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی		
۶۵	۶۷	۶۸	۷۰

کارگاه‌ها و نشست‌ها

کنترل فرزندان در فضای مجازی. دوم) دوره‌های توریک و کارگاه‌های آزاداندیشی با موضوع تعریف زمین بازی اسلامی در فضای سایبر و رسانه که طی یک هفته مباحث نظری از نگاه شهید آوینی به رسانه تا قفقه رسانه و فضای مجازی و... بررسی خواهد شد. در انتهای این دوره‌ها نیز کارگاهی پایان دوره در صورت شرکت مستمر در کلاس‌ها و فعالیت مطلوب و ارائه پایان نامه مورد نظر آساندید دوره‌ها، به شرکت کنندگان اعطا خواهد شد.

بخش‌های مختلف نمایشگاه در قالب عکس‌های ۳۶۰ درجه و کیفیت عالی با عنوان «بازدید بر خطا از نمایشگاه» از بخش‌های جذاب مسابقات نمایشگاه است آندروید به همراه کارگاه خاک‌نگار ۱۵ نفره در طول ایام نمایشگاه و دوره‌های دو ساعته آموزش والدین برای

تهدیدات آنها بود. در این نمایشگاه ضمن تسهیل مردم به خرید محصولات مختلف از تهدیداتی که برخی محصولات در عرصه‌های گوناگونی مانند نرم افزارهای موبایل، موتورهای جستجو، بازی و آمیجیشن، کالا‌های صهیونیستی داشتند نیز پرده برداشته می‌شد. از کارهای جالب این بخش می‌توان به نمایش گونه‌های خیابانی اشاره کرد. مکان‌هایی که افرادی با ماکت‌های شخصیت‌های معروف کارتون‌ی مانند «باب اسفنجی» و «بنمن» ظاهر می‌شدند و به نوعی خطرات این نوع برداشت از زندگی را یادآور می‌شدند. البته بچه‌ها هم با آنها عکس یادگاری می‌گرفتند. از این حرکت بچه‌ها شاید بتوان به این نتیجه رسید که در این باره بیشتر باید به دنبال جایگزین بود.

در این بخش مکانی جهت برگزاری کارگاه‌های تخصصی و نشست‌های صمیمانه فعالان سایبر در نظر گرفته‌اند که می‌توان از آساندید مجرب در حوزه سایبر دعوت به عمل آورد و کلاس‌های تخصصی در زمینه‌های جنگ نرم، گرافیک و... برگزار کرد. عناوین جالبی را در قالب اطلاعیه‌ای به‌سر در این بخش پیغامده بودند:

«در مدت ۷ روز دومین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال انقلاب اسلامی تصمیم بر آن شد تا این شاهانه دو گروه آموزشی تعریف نماییم. اول) گروه آموزشی فتی با موضوع آموزش یک هفته‌ای برنامه‌نویسی آندروید به همراه مباحث رایسط گرافیکی و امنیت در قالب یک کارگاه خاک‌نگار ۱۵ نفره در طول ایام نمایشگاه و دوره‌های دو ساعته آموزش والدین برای



آینده‌آزان ماست

نظرون بین‌جهانی و جایگاه‌ایران در نظر مقام‌معتبر هبیری
سید محمد طاهما موسوی

زمانی که صحبت از نظم نوین جهانی به میان می‌آید یکی از دو معنای زیر مورد نظر است.

۱. تئوری توطئه منظور از نظم نوین جهانی، اشاره به پیدایش حکومتی تمامیت‌خواه برای سلطه بر تمام اطلاق می‌شود در این تئوری با یقینی مضمینی از نخبگان دنیا در نظر گرفته می‌شود که آنها لیست بلندبالایی از اقداماتی که باید در سطح دنیا انجام دهند را آماده کرده، با توسل به این برنامه‌ها در حال دسیسه‌چینی برای حاکم شدن بر جهان از طریق یک حکومت جهانی اقتدارگرا و قدرت‌طلب هستند. حکومتی که بتوان آن را جایگزین حکومت تمام کشورهای مستقل دنیا کرد.

۲. در ادبیات سیاسی منظور از این عبارت اشاره به دوره‌ای از تاریخ جهان است که جهان با تغییرات بسیار چشمگیر در تفکرات سیاسی و توان فواید و بوده است. در این تعریف نظم نوین جهانی باوری است که برقراری حکومت جهانی را فقط از طریق یک تلاش‌های همگانی برای ساخت مشکلات جهانی و رفع آنها امکان‌پذیر می‌کند. بیشترین کاربر این اصطلاح پس از پایان جنگ سرد است که می‌تواند گویا و جرح و جریب و باکر بوش برای روشن کردن ماهیت عصر پس از جنگ سرد و همکارایی بین دو ابر قدرت که امپراتور به تحقق آن بودند مورد استفاده قرار گرفت.

ایالات متحده آمریکا بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با خالی شدن عصره بین‌المللی از قدرتی همسنگ خود، شروع به تثبیت قدرت خود در شرق و غرب عالم کرد. امریکایی‌ها با علم به این واقعیت که تصرف بر منابع طبیعی به ویژه انرژی، یکی از مهم‌ترین عوامل حکومت بر سایر کشورهای دنیا است و به‌همراهی‌های مختلف سعی در تصرف گلوگاه‌های انرژی کرد. حمله به عراق و افغانستان یکی از مقدمات برای دسترسی آسان به منابع غنی انرژی در منطقه خاور میانه و نزدیک به قدرت‌های منطقه مانند چین، هند و ایران بود. جذب دانشمندان بزرگ دنیا، اختصاص بودجه‌های سنگین برای تعالی علمی در جهت کشف منابع مالی و استیلا بر اقتصاد و نظامی هر کشورها دیگر از جمله برنام‌های ای کشور برای حاکمیت بر دنیا بود. در ۱۹ نوامبر در آمریکا اهمیت ندارد چه شخصی یا چه رویدادی در یک کشور حکومت می‌کند؛ برای ایشان مهم، غلامی این حاکم برای امریکا در جهت حفظ به منافع آنها و یافتن بر کشورهای دیگر است.

«دولت امریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز در سرنگونی چهل دولت مستقل که تابع امریکا نبوده‌اند، نقش ایفا کرده و بیست و چند مورد دخالت نظامی داشته است!» این دخالت‌ها بدون استثنا با کشتار عمومی و با قیام بزرگ همراه بوده است. البته در مواردی موفق شده و در مواردی هم با ناکامی مواجه شده است. آنچه که در ذهن خود ماست و از یاد ماها دور نیست، مثال‌ها روشنی است: از جمله بعثران اتمی زاین در ایران جنگ جهانی دوم، که آقای رئیس‌جمهور اشاره کرد در مقاله و کتاب آن جنگ جهانی خونی، آن فجاج فراموش نشدنی که بالاخره هم با ناکامی امریکا تمام شده است. مثال‌ها خود ایران در کودتای ۲۸ مرداد که مأمور امریکایی به تهران آمد و مشغول برنام‌ریزی و اقدام شدند و بعد هم خودشان این موضوع را اعلام کردند و استنادش نیز منتشر شد که آن در دسترس همه است.^۱

آنچه مقاسم معظم رهبری در دیدارهای اخیر خود بر روی آن تأکید دارند

نظم جدیدی است که در دنیا امروز در حال شکل‌گیری است و هر یک از کشورهای باید موقعیت خود را در این نظم مشخص کنند. به طور قطع قدرت ایالات متحده آمریکا و برآمده از آن است و نشانه‌های آن در امور اقتصادی، نظامی، ایمنولوژیکی و... مشهود است. شکست‌های امریکا در دو جنگ بزرگ گذشته در عراق و افغانستان، شکست‌های مفتوحانه اسرائیل در چهار جنگ گذشته، شکست آنها در برخورد با روسیه، تلاش مذبوحانه آنها به برانزوا کشاندن ایران و دنیا، اسلام و نشان دهنده شکست شدن هیمنه ایالات متحده نه تنها در میان کشورهای منطقه، بلکه در انتظار جامعه بین‌المللی است. امریکا در حرکت رو به زوال امریکا و قدرت گرفتن کشورهای مستقل که هر یک داعیه‌دار نوعی تفکر هستند، مستولان نظام اسلامی را به این مهم رهنمون می‌کند که در منطقه سیاسی جدید باید تا توان بالا در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی حضور پیدا کرد. موقعیت ایران اسلامی را همچون خورشیدی در دنیا، خارج به نمایش دیگر کشورها گذاشت.

مقام معظم رهبری به دوپایه نظری و عملی نظم قدیم جهانی که در دوره زوال است، این گونه اشاره می‌کند: «این نظم قبلی که عرض کردیم حدود هفتاد سال به‌حو مستقر در دنیا حاکم بود. دوپایه اساسی داشت: یک پایه فکری و ارزشی، و یک پایه عملی، یعنی نظامی و سیاسی عرض من این است که هر دو پایه امروز دچار چالش شده، دچار تزلزل شده، اما آن پایه اخلاقی و فکری عبارت بود از داعیه برای فکری و ارزشی غرب. شمال اروپا و آمریکا - بر بقیه مناطق جهان و بقیه ملل عالم، شمارهایی از اینها مطرح کردند که این رهپی به پیشرفت‌های علمی و صنعتی ندارد. دشمنان اینها را فریبند مثل شعار آزادی، شعار مردم‌کراسی، شعار حقوق بشر، شعار دفاع از ملت‌ها و از احاد انسان‌ها را بر دست گرفتند و مطرح کردند. خواستند برتری نظام ارزشی خودشان را بر سایر مناطق عالم، بر ادیان عالم، بر نخبه‌های گوناگون فکری و تخصصی اسلام، از این طریق تثبیت کنند. موفق هم شدند. در بخش دوم که بخش عملی است، که پایه دوم قدرت غربی تسلط غرب بر مدیریت جهان بود. مسئله توانایی‌های سیاسی و نظامی بود که اگر ملت‌ها یا دولت‌ها جای بران می‌شدند یا استنادی می‌داشتند از نظر ارزشی و آن جنبه اول قرار گرفتند و تسلیم نمی‌شدند و استنادی می‌کردند، اینها با فشار سیاسی و فشار نظامی با آنها مواجه می‌شدند و کارهای زیادی انجام می‌دادند که کسانی که زیر بار آن عامل اول نمی‌فکنند، با فشار عامل دوم، یعنی فشار سیاسی و فشار نظامی و امنیتی، مجبور شوند یا آنها همراهی کنند و همکاری کنند».

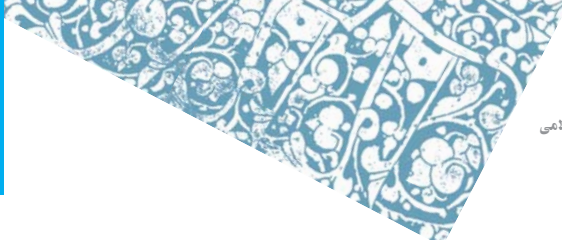
در این دوره از زمان دو عمل ممکن است در برابر این نظم نوین انجام داد: یکی مرعوب شدن در مقابل امریالیسم جهانی که صلاهی خود شدن استخوان‌هایش به گوش می‌رسد دیگری استفاده از ظرفیت‌های موجود جهت ارتقای توانایی کشور، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و طبقه دولت و ملت را چنین ترسیم می‌کند: «خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید کشور را آماده کنیم برای اینکه نقش افرینی کند این هم نتوانیم نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور را باید قوی کنیم، تقویت کشور متوقف است بر استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که ما در داخل



کشور و در بیرون کشور داریم. توجه کنیم که ظرفیت‌های ما و توانایی‌های ما، فقط آن چیزهایی نیست که ما در داخل داریم؛ ما بیرون کشور هم ظرفیت‌های مهمی داریم، ظرفیت‌های داریم، عسقی رهبری داریم؛ در منطقه، در کشور، بعضی به‌خاطر اسلام، بعضی به‌خاطر زبان، بعضی به‌خاطر مذهب، شیعه، اینها عمق رهبری کشور هستند. اینها جزو توانایی‌های ما هستند؛ همه این توانایی‌ها باید استفاده کنیم، فقط همه در منطقه نیست؛ ما در امریکا، لاتین عمق رهبری داریم، در قسمت‌های مهمی از آسیا عمق رهبری داریم، امکانات استفاده داریم؛ از اینها با استفاده کنیم، اینها کشور را قوی خواهد کرد»^۲. ایشان در رابطه با تکیه بر سه موضوع اساسی که بر این راه‌اوج قدرت خود می‌رساند می‌فرماید: «سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسئله علم و فناوری است، یکی مسئله اقتصاد است و یکی مسئله فرهنگ است. در این سه بخش باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ اینها عناصر کلیدی‌اند. دولت‌های ما، مسئولان ما، مؤثرین و متفکرین ما در هر سه قسمت باستانی فعال شوند و کار کنند». این سه مورد از موارد بسیار مهمی است که ایشان در سال‌های اخیر و در دوران رهبری بسیار به آن تأکید داشته‌اند. در واقع همان گونه که رشد و پیشرفت در این موارد باعث قدرت‌رسمین کشور می‌شود، کمبودها در هر یک از این زمینه‌ها نیز کشور را زمینگیر خواهد کرد. قدرتهای دنیا بیشترین تمرکزشان در نابود کردن این سه محور در نظام اسلامی است که برای جلوگیری از عملی شدن این نقشه عملی همه جانبه از طرف دولت و ملت تیار است.

پی‌نوشت:

۱. گفتار در دیدار روزگار نظر (۱۳۸۷/۱۲/۲۴).
۲. گفتار در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۲/۳/۲۹).
۳. همان.
۴. همان.



اجوتگرابتش خواندند چرا که...

غایت اقتصادی در سیر امیر المومنین^ع
سید مهدی موسوی

زندگی انسان کل به هم پیوسته و هماهنگ است. اگرچه زندگی دارای مسائل مستقل و اجزاء جدا از یکدیگر است و هر یک از آنها قلمرو خاص خود دارد و به گوشه‌ای از امور بشر متعلق دارد، اما همه آن مسائل و اجزاء هر تبط با انسان است و در مجموع از تطابقت مختلفی با یکدیگر دارند؛ طوری که زندگی واحد را برای انسان تشکیل می‌دهند. انسان بر حسب سرشت و طبیعت دارای شخصیت یگانه و به هم پیوسته است و این یگانگی و پیوستگی موجب کنواختی و هماهنگی در حرکات و اعمال اوست؛ مانند ماهی که شئون زندگی انسان را با یکدیگر تمام و همراه هستند. صلاح و فساد هر یک از اجزای دیگری تأثیری ندارد.

بر اساس این گزارش، تربیت، مذهب، فرهنگ، سیاست و اقتصاد، اجزاء واحد است که تأثیر و تأثر یکدیگر دارند. حفظ این هماهنگی و پیوستگی اجزاء و شئون زندگی مستلزم وجود برنامه‌ی منسجم، نظام منبسط و واحد است. تاروپ و رفتار او را تعیین کند. اسلام به عنوان دین فطرت، مذهب جهان‌شمولی است که بصورت کلی یک سیستم پیوسته عرضه شده است و در عین وحدت و هماهنگی نسبت به شئون مختلف و اجزای متفاوت زندگی انسان دارای اسفاق روشن، برنامه و مقررات منظم است که جمله عرصه‌های حیاتی زندگی انسان که اسلام توجه ویژه‌ای به آن دارد، اقتضای است.

اسلام در اقتصاد به صورت مستقیم و غیر مستقیم پیوند دارد؛ بخشی پیوند اسبابی است که از نوع مستقیم است عبارت از تمام کارهای که از مقررات و قوانین اقتصادی درباره مالکیت

مدالات، مالیات‌ها، هدیه‌ها، صدقات، موقوفات و مجازات‌های مالی اسلام با وضع این احکام و مقررات تبیین کننده چارچوب صحیح و مشروع مدالات و معاملات است. بخش دیگری از پیوند اسلام با زندگی اقتصادی انسان از طریق اخلاق و ارزش‌هایی است که روح و معنای زندگی اقتصادی را کنترل و هدایت می‌کند. امانت، عفت، عدالت، احسان، قناعت، ایثار، منع زردی و غصب، تم اسراف و بخل از جمله ارزش‌ها و اصول اخلاقی ما نظر به بعد اقتصادی انسان است. در گفتمان اسلام‌آبادی محمدی، اقتصاد و معیشت آدمی بر پایه عدالت و مبادرویی در برهیز از افراط و تفریط استوار است. در این اندیشه، ثروت، معیشت و اقتضای صحیح وقت تحقیر نشده است بلکه از لوازم اصلی و مهم حیات انسانی تلقی شده است. همواره تولید، مبادله و مصرف اقتصادی مورد تأیید و توصیه انسان بوده و بخش وسیعی از معارف این دین بین بدان اختصاص یافته است. اسلام با وضع مقررات و قوانین و بیان اصول اخلاقی و ارزشی نحوه استفاده صحیح از نعمات مادی و ثروت‌های مشروع او را نشان داده است. اسلام با وضع مقررات مبادله‌ای است که بصورت ضروری دانسته شده و ضعف زیرساخت‌ها و عدم اقتصادی و ناتوانی مادی موجب ضعف اجتماع و زمینه‌ساز بردگی و اسباب ملتها شده است. سیر امام مومنان علی^ع در سیرمه شده است. سیر فریاد: «حتج من علی من شئت کن اسیره، استغن عن شئت کن نغیره، احسن علی من شئت کن امیره» محتاج هر که ناشوی اسیر او خواهی بودی نیاز هر که دردی با او برآورد خواهی شد، و هر که با او مرد زبکی و احسان خود قرار دهی فرم ای و خواهی شد.

امام علی^ع با فراتر بود به جامعه اسلامی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان زندگی خوبی و معیشت مادی را با کمالات انسانی جمع کرد و از راهی غیر از مادیات، دنیا را بداند. یاریش از کار کردن و زحمت کثیفین برای کسب حلال را نه تنها عار نمی‌دانست، بلکه خود همواره بر آن اهمت داشت. ابو نعیم اصفهانی می‌گوید:

«کان علی^ع اذ قاله فی العیش الشیق والجد اعرض عن الخلق قائل علی الشیق والاکد؛ هر گاه به سختی و تنگنا میشت می‌گزار می‌شد، از مردم دوری می‌کرد و به کسب و تلاش می‌پرداخت.»^۱

دوران خانقشینی ۲۵ ساله امیر مومنان برای ایشان دوران غلبنه و بخش خاطر و قهر و غم نبود؛ بلکه امیدواران فرصت را اغنیم می‌شدند و به سینه‌های فید و با کجا چشمها و نخلستان‌های مدینه پرداختند و کار و تلاش فراوان باغات بسیاری را احیا کردند که پس از آنجا، ابقا و بقا فرمود می‌کردند. انجان اشراف با خاک و درختان مایوس بود که «ملبوراب» لقب شدند. شیخ صدوق در علقه التبریع نقل می‌کند:

«هن هم راه پیامبر^ص بودم که نخلستان‌های مدینه دنبال علی^ع می‌گشتند که همین حال به بوستان می‌رسید به درون آن نگاه کرد و علی^ع را دیدم در حالی که در آن زمین کار می‌کرد و خاک بر رویش نشسته بود پس فرمودم مردم را می‌توان سرزنش کرد که تو را بوبراب مسا می‌کنند!»^۲

امام^ع از ابتدای خلافت خان را در منطقه بنوعی غر ب امامان (ساحل شرقی) می‌فرمودند که تا نزدیکی زمان خلافت مشغول بودند که تا نزدیکی زمان خلافت

امام^ع از ابتدای خلافت خلفا در منطقه بنوع در غرب مدینه (ساحل دریای سرخ) به کشاورزی مشغول بودند که تا نزدیکی زمان خلافت خودشان تمام وقت را با کشاورزی سپری می‌کردند. امام المومنین^ع در بنوع رابا بالغ بر یکصد حلقه کنگه زود است. میزان محصول این اسلا در زمان حیات امام^ع به نسیق ۶۰۰ (من) بود است. درباره ارزش مجموعه این املاک اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما از روایتی که درباره عین ابی‌نیر وارد شده است تا حدودی می‌توان ارزش بسیار بالای آنها بی برد. این روایت حاکی است که ماهی ۲۰۰ هزار دینار برای خرید عین ابی‌نیر به امام حسین^ع پیشنهاد کرد ولی امام آن مبلغ را نپذیرفت. البته فعالیت‌های اقتصادی امام^ع محدود به همین منطقه نبود و ایشان در مناطق دیگری مانند «ادی‌قال» و «ادی‌ترعه» و «ادی‌حجین» و «ادی‌قهال» و «دفق‌و» و «ادی‌گنجه» و «ادی‌قصر» و «ادی‌کوره» مستوفیان و زمین‌های خود صنعت نفت که منجر به محدود شدن دست‌انگزاران و ایران و کشورهای منطقه شد. بزگترین اقتصاد اوست، چه بسا بتوان مدعی شد اقدامات او در مبارزه با استعمار برپا که آن روزها به بریتانیای کبیر شهرت داشت، سراز مسیسه‌ها و اجزای سیاست‌ها و اقتصادی شد که در پایان به کودتای لنکن ۲۸ مرداد منجر شد. معصوم در پوشش تحرکات خیانتی می‌توانیم بگویم: «استدکبر و حاکم و نژاد و پاران زندگی ندیش چنین است که مورد آخرت تبیل تری استوار است.»^۳

و نسیق ۶۰۰ (من) بوده است.

خودشان تمام وقت را با کشاورزی مشغول بودند که تا نزدیکی زمان خلافت خودشان تمام وقت را با کشاورزی سپری می‌کردند. امام المومنین^ع در بنوع رابا بالغ بر یکصد حلقه کنگه زود است. میزان محصول این املاک از راهی غیر از مادیات، دنیا را بداند. یاریش از کار کردن و زحمت کثیفین برای کسب حلال را نه تنها عار نمی‌دانست، بلکه خود همواره بر آن اهمت داشت. ابو نعیم اصفهانی می‌گوید:

«کان علی^ع اذ قاله فی العیش الشیق والجد اعرض عن الخلق قائل علی الشیق والاکد؛ هر گاه به سختی و تنگنا میشت می‌گزار می‌شد، از مردم دوری می‌کرد و به کسب و تلاش می‌پرداخت.»^۱

دوران خانقشینی ۲۵ ساله امیر مومنان برای ایشان دوران غلبنه و بخش خاطر و قهر و غم نبود؛ بلکه امیدواران فرصت را اغنیم می‌شدند و به سینه‌های فید و با کجا چشمها و نخلستان‌های مدینه پرداختند و کار و تلاش فراوان باغات بسیاری را احیا کردند که پس از آنجا، ابقا و بقا فرمود می‌کردند. انجان اشراف با خاک و درختان مایوس بود که «ملبوراب» لقب شدند. شیخ صدوق در علقه التبریع نقل می‌کند:

«هن هم راه پیامبر^ص بودم که نخلستان‌های مدینه دنبال علی^ع می‌گشتند که همین حال به بوستان می‌رسید به درون آن نگاه کرد و علی^ع را دیدم در حالی که در آن زمین کار می‌کرد و خاک بر رویش نشسته بود پس فرمودم مردم را می‌توان سرزنش کرد که تو را بوبراب مسا می‌کنند!»^۲

امام^ع از ابتدای خلافت خان را در منطقه بنوعی غر ب امامان (ساحل شرقی) می‌فرمودند که تا نزدیکی زمان خلافت مشغول بودند که تا نزدیکی زمان خلافت

دست‌انگزار پیروز کوتاه

۲۰ شهرانکر و ابین قطع رابطه امیر ابن انگلیس

علی قان‌بیلی

۲۴ مهرماه ۱۳۳۱ از دیومتن نام‌های ربه اطلاع عموم رساند که دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر وقت به نمایندگی مجلس شورای ملی نوشته بود: نام‌های با این مطلع «جنس شورای ملی، آقایان نمایندگان محترم مستحضرنه که جنبش ملی ایران آرزو را با این کارکنس‌ها و محرکات، عوامل شرکت سابق دولت انگلیس در داخل و خارج کشور و ربو گردید.»

روز ۲۰ مهر ۱۳۳۱، دکتر سید حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت مصدق اعلام کرد رابطه سیاسی ایران و بریتانیا قطع شده است. این تصمیم پس از تصویب هیئت وزیران تسلیم کاردار سفارت انگلستان در تهران شد. علت قطع رابطه ایران با انگلستان، بی‌انصافی لندن به خواست‌های ملت ایران در احقاق حق خود، به ویژه در جریان ملی کردن صنعت نفت، عنوان شده بود. پس از گذشت حدود یک‌قرن که کشور انگلستان بارها بردی استعماری از دوران قاجار تا پهلوی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی ایران حضور داشت، این نخستین بار بود که به حضور این کشور، برای مدتی پایان داده می‌شد.

در کارنامه سیاسی و ایدگاه‌های شخصی مصدق آنچه در ابتدا به چشم می‌خورد اولین صفت مصدق به شمار می‌آید. وجهه ملی‌گرایی و عشق به وطن است. مصدق شخصیتی آینه‌نگار در دوره پهلوی بود، از جمله رجال سابقه‌دار و بدین صفت است. اقدامات او در جریانات سیاسی رماش کرده است. موفقیت‌های او در جنبش صنعت نفت که منجر به محدود شدن دست‌انگزاران و ایران و کشورهای منطقه شد. بزگترین اقتصاد اوست، چه بسا بتوان مدعی شد اقدامات او در مبارزه با استعمار برپا که آن روزها به بریتانیای کبیر شهرت داشت، سراز مسیسه‌ها و اجزای سیاست‌ها و اقتصادی شد که در پایان به کودتای لنکن ۲۸ مرداد منجر شد. معصوم در پوشش تحرکات خیانتی می‌توانیم بگویم: «استدکبر و حاکم و نژاد و پاران زندگی ندیش چنین است که مورد آخرت تبیل تری استوار است.»^۳



پی‌نوشت:
۱. کنگه زود مفهومی، مجموعه آفریج، ۲، ص ۴۰.
۲. کنگه زود مفهومی، مجموعه آفریج، ۱، ص ۷.
۳. سید حسین فاطمی، «تاریخ ایران»، ج ۱، ص ۳۰۳.
۴. سید حسین فاطمی، «تاریخ ایران»، ج ۱، ص ۳۰۳.
۵. سید حسین فاطمی، «تاریخ ایران»، ج ۱، ص ۳۰۳.

جریان‌شناسی

جریان اجتهاددینی

سینا فیاض

اولین فقیه شیعی که توانست در عرصه گفتمان‌سازی اجتهاد دینی در عهد صفویه از اعتبار بالایی برخوردار شود، شیخ علی بن عبدالعالم معروف به محقق کرکی یا محقق ثانی است که پس از دعوت شاه اسماعیل صفوی به همراه ۴۰ تن از علمای جبل عامل به ایران مهاجرت کرد و توانست نقش گسترده‌ای در مناسبات فرهنگی، علمی و سیاسی اجتماعی ایران اسلامی ایفا کند.

محقق کرکی آغازگر مرحله جدیدی از گفتمان فکری و اندیشه‌های شیعه است که تأثیر فراوانی بر نظم اجتماعی و امور سیاسی تشیع و جامعه ایرانی داشت. توجه به تلاش‌های محقق کرکی در حوزه نظر و عمل در گفتمان‌سازی فکری و جریان‌سازی اجتماعی نشان از دوره‌ای جدید از حیات گفتمانی و فکری شیعه است.

به اعتقاد فقهای این دوره مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، جمه، اقامه حدود و تعزیرات و سایر سیاسیات، «قطب‌العظم‌الدین» است که خدا پیامبر را به خاطر آن برانگیخته است و اگر ترک شود، نبوت تعطیل می‌شود و دیانت از بین می‌رود. (از این رو، محقق کرکی در مقام نظر با تألیف کتاب‌وزین «جامع المقاصد» برخی رسائل سیاسی و اجتماعی مثل «الغفرانچه» و «الحزب جمعه» به نوعی پایه‌گذار فقه سیاسی و اجتماعی شیعه است؛ چرا که هدف اصلی او بازنگارش این آثار و وضع قوانین شرعی برای جامعه اسلامی دولت صفوی بود. محقق کرکی در این دوره به بحث‌های فقهی و بیانات عامه فقها را به طور صریح و مستوفی در آثار خود طرح کرد و شیروعت فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت را ناشی از تردید از جانب امام معصوم در تمامی امور دنیوی و اخروی مردم می‌داند و محمود اخبارات فقیه را محمود نمی‌داند.

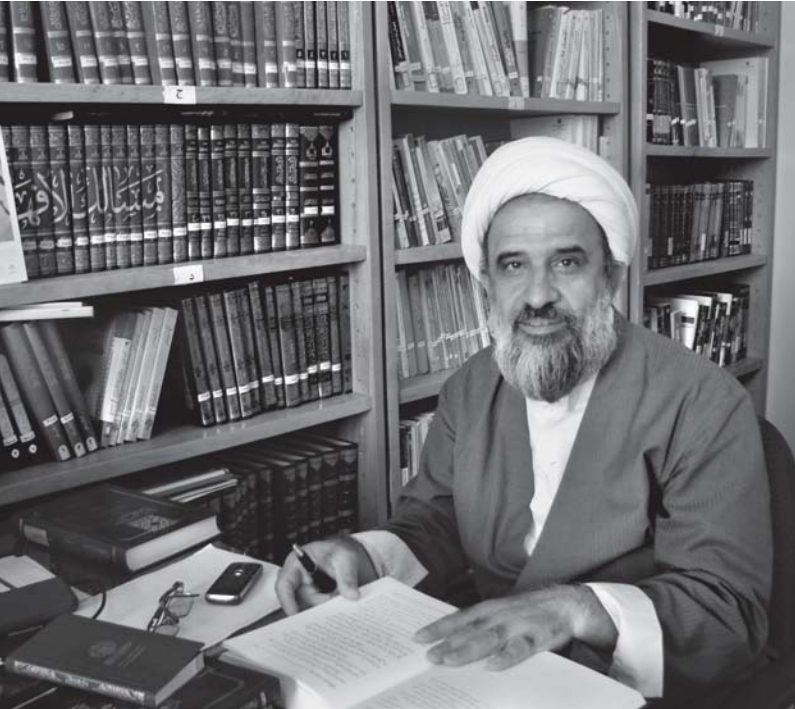
محقق از دیدلی دیگر فقیه هم عصر کرکی که باست حوزه علمیه نغفرا از عهد یاد نمود تمامی مناصب عصر غیبت را متعلق به فقیه جامع‌الشرایط می‌داند. پس از محقق کرکی و محقق اردبیلی

اکثر فقهای شیعه این نظر به رأی پذیرفتند و بدان معتقد بودند. در مقام اجرا و عمل موانع زیادی برای تحقق این نظر به وجود داشت و شرایط عینی تحقق آن وجود نداشت؛ زیرا محقق کرکی و تابعان او از باب «هلائیکرک کله، لایترک کله» و بر اساس حق اولیایت از سبب امر به معروف و نهی از منکر، رویکرد اصلاحی را پیشه خود ساختند و به قدر میسر سعی کردند از شرایط پیش آمده در جهت تحقق جامعه اسلامی و اجرای شریعت بهره‌گیری کنند. همکاران با حاکم صفوی پرداخت تا ضمن وضع قوانین شرعی و اقامه حدود و تعزیرات و برخی امور حسبه، جلوی برخی انحرافات حکومت در اداره کشور را بگیرد. از این رو با پذیرش منصب «شیخ الاسلامی» ضمن حفظ استقلال، جایگاه فقها در حکومت به جای رسید که فقها رکن رکن حکومت و جامعه اسلامی گشتند که بدون آنها انجام کارهای سیاسی و اجتماعی دشوار می‌نمود و تنها آنها بودند که سبب حفظ حکومت از فساد و انحراف و موجب حفظ استواری جامعه اسلامی تلقی می‌شدند. به همین جهت شاه صفوی به محقق کرکی برانگیخته است که در آن زمان، کشور، به تحلیل و مقام و موقعیت محقق کرکی پرداخت و او را نائب الامام خواند و خود را مجردی فرامین و اوامر او دانست.

در این دوره، هر مرحله جدیدی از رابطه مردم و مجتهدان و فقهای شیعه بر پایه رابطه مجتهد و مقلد به وجود آمد که موجب شد روزبه‌روز قدرت فقها و مجتهدین نزد مردم بیشتر شود. محقق کرکی در این زمینه در رساله نماز جمعه خود می‌نویسد: «الحاصل ما رضوان الله علیه اتفاق کرده‌اند بر اینکه فقیه عادل امامی جامع‌الشرایط برای فتوا که از لویه مجتهدان احکام شرعی تعبیر شده است، نایب از جانب الله هدی سلوات الله و رساله علیه در زمان غیبت در تمام چیزهایی است که برای نیابت در آنها مدخلی هست... پس واجب است بر تن حکم آنها و اگر نکرند آنها به حکم ایشان... تا آخر آنچه برای حاکم مصوب از جانب امام ثابت است. اصل در این مسئله روایت عمر بن حنظله است.^۱

پی‌نوشت:

۱. در یک کتابی منابع التاریخ، ج ۲، ص ۲۸۲۷.
۲. محقق کرکی، رساله نماز جمعه، رسائل، ج ۱، ص ۱۵۸.



از نظر تا عمل

نگاهی به بانکداری اسلامی یا بانکداری بدون ربا

به کوشش مرتضی ناصحی

دهها سال از تحول در نظام بانکی در کشورهای اسلامی به خصوص جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد و همچنان موضوع بانکداری اسلامی و بدون ربا نقل محافل تخصصی است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام بانکداری دچار تحول شد و در ۱۷ خرداد سال ۱۳۵۸، شورای انقلاب، نظام بانکداری کشور را ملی اعلام کرد. آنچه در بانکداری اسلامی مدنظر است کار آمدی بانکداری بدون ربا در ایجاد عدالت اجتماعی است و همواره عدالت اجتماعی اولین هدف نظام اقتصادی در اسلام بوده است.

در این شماره و با توجه به اهمیت این موضوع یا جنبات حجت الاسلام و المسلمین دکتر مجتهد رضایی دولتی، عضو هیات علمی گروه اقتصاد و مدیر مرکز مطالعات قرآن دانشسگاه مفید به گفت‌وگو نشستیم؛ از جنبات حجت الاسلام رضایی آثار علمی و پژوهشی فراوانی در حوزه اقتصاد تألیف شده است که می‌توان به کتاب‌های ربا، مقدمه‌ای بر مابایه عمومی اسلامی اشاره کرد.

در رابطه با قانون بانکداری بدون ربا چه نظری دارید و قانون بانکداری اسلامی بدون ربا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در چند دهه اخیر یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که اندیشمندان اسلامی دنبال می‌کردند بحث «ربا در بانک» بوده است و تلاش‌های زیادی هم در کشورهای مختلف از سوی اندیشمندان شیعه و سنی صورت گرفته است تا فراموشی از بانک ایجاد نشود که در آن بدون ربا، نیازهای پولی تأمین شوند. این انگیزه به این دلیل است که ربا به نحوی شدید و متفاوت از دیگر مجرمات الهی در قرآن و منصوصات اسلامی مورد تحریم واقع شده است.

از طرف دیگر، نهاد بانک آثار اقتصادی متفاوتی را در کشورهای دنیا، به خصوص کشورهای

آسان‌ان به رسم آسانان

علی صادقی شریقت
قال رسول الله ﷺ: «من احبنا بنى تبعى فان من سنتى التوبع»^۱
ازواج آسان مقدمه وروده به بیمنی آسانمی است که مورد تاذ کید اولیا این دین می باشد. در این نوشتار با گمانی سلسلی به بحث ازواج آسان پرداخته‌ایم؛ به این معنا که موانع شکل گرفتن ازواج آسان را بررسی کرده‌ایم.
هر چند پژوهش‌ها نشانسان می‌دهد که بیکاری، نداشتن ثبات شغلی، نداشتن توان مالی کافی و یافتن فرد مناسب برای ازواج، چهار عامل تأثیر ازواج در پسران و زنان جوان است.
ازواج در پسران و نیز بیکاری خواستگاران، پیدا نکردن فرد مناسب زندگی، ازادی نبودن در انتخاب همسر و نبود حس مسئولیت در پسران، چهار عامل مهم تأثیر ازواج در دختران هستند. با نگاهی دقیق‌تر به این پرسش که «چرا ازواج دشوار شده‌و راهبر این سنت نبوی این چنین است؟» به مطالب زیر اشاره می‌کنیم:

۱. **انتقاد به بوبرای حقوق زن ومردان:** این تصور سبب می‌شود تا زنان به صورت ناخودآگاه وارد رقابت ناخوشانه با مردان برای رسیدن به برخی از امتیازات اجتماعی شوند. این مسئله سبب می‌شود به این رازحی تا این ازواج ناممکن و دشوار شود. به نحوی تا اخیر هفتاد درصد کن این میان ادامه تحصیل دختران کن از افرادیهای رسیدن به حقوق مساوی است. آنچه در جمله امروز ایران بیشتر دیدگانه مشاهده می‌کنیم، میل به تحصیل در دختران و نیز میل به اشتغال است. هر چند این پدیده رازی امری تازان و پایاید به صورت مطلق منفی قلمداد کرد، اما نباید غافل از این آسجیاسی بود که این رویکرد ممکن است به همه راهشده باشد. روش‌های آندخوار و کارهایی که بر اساس آنها هم امکان ازواج هم امکان تحصیل در دختران وجود داشته‌باشد، از احکاهای مؤثر در فلق آسان بر این مشتکل است.

۲. **رویاپردازی دختران و پسران:** بی‌توجهی به حقایق زندگی و رویاپردازی در رسیدن به یک زوج آرملی، یکی از اسباب به تأخیر افتادن ازواج‌هاست. این رویاپردازی از مواعل در دو حیطه شکل ظاهری و امکانات مادی نمایش پیدا می‌شود. در حالی که باید دختر و پسر به دنبال تقوی این نظریه به طور جدی مطرح کنند.
۳. **رویاپردازی دختران و پسران:** بی‌توجهی به حقایق زندگی و رویاپردازی در رسیدن به یک زوج آرملی، یکی از اسباب به تأخیر افتادن ازواج‌هاست. این رویاپردازی از مواعل در دو حیطه شکل ظاهری و امکانات مادی نمایش پیدا می‌شود. در حالی که باید دختر و پسر به دنبال تقوی این نظریه به طور جدی مطرح کنند.

۴. **موانع مستقیم:** پسران از شب خواستگاری تا شب عروسی و دختران از تهیه شفاف و قاشق و تاجیخال و اطاق کار، با مسائل مالی مختلفی مواجه هستند که هر چه مسیر تشکیل زندگی و به جلومی‌رود، کار رازستگاری وسنگین‌تری می‌شود. بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل به تأخیر افتادن ازواج‌ها آن است که در کنار خرهای ازواج، راه‌ها و چیهایی به نام تحمل اسراف، ریخت و پاشی، جشنواره‌ها و پارتی‌ها در فرهنگ ازواج شده است. این ازگان در بیشتر خانواده‌ها، صورت پنهان و آشکار، رسیدن دختر و پسر به همدگر است و دست‌خاست می‌کند.
۵. **مستعدی بیش از حد والدین:** هر پدر و مادری ازویی خویشگانه‌اش دختر و پسر خود دارد. اما گاه این علاقه ممکن است در دایره منطبق و واقعیتی خارج شده و به عنوان نظر گرفتن شرایط روحی و روحی و هویت زندگی پسر سبب به تأخیر افتادن ازواج شود.

رسانه‌های جمعی هرچند نتوانند به مخاطبان نشان بگویند که چگونه فکر کنند، اما تا حدود بسیار زیادی می‌توانند به گروه مخاطبان خود این آندیشه را که به چه چیز فکر کنند القا نمایند.

آسان و بسیار کم‌هزینه به رسانه رانیز اضافه کنند
یکی از نظریه‌هایی که به ذکر کار کرده‌ها و نحوه تعامل آن با مخاطبان در بردار نظریه برجسته‌سازی است که البته عنوان دقیق آن تعیین دستور کار است. به طور کلی پروان برجسته‌سازی معتقدند چیزی که برجسته‌سازی اهمیت بهی‌پیدا می‌کند، به دیگر سخن آنچه امروز در روی آنتن‌ها و تیتراهای روزنامه‌ها قرار می‌گیرد، «بسیر منبای این نظریه به پژوهش‌های بنیانگذاران آن» رسانه‌ها میان اخبار و رویدادهای مهم‌ترین آن میان موضوعاتی که می‌توان به انتشار آنها پرداخت، با انتخاب اخبار و رویدادهای خاص و برجسته نمودن موضوعات مهم‌ترین شده‌ای، آنها را در دستور کار جامعه قرار داده، به نوعی دخن مخاطبان خود را با آن مشغول می‌نمایند.

دارای امتیازات و منابعی هستند که این امتیازها را ماهیت و کارکرد رسانه‌های یون که غالباً رسانه‌های جمعی هستند، ناشی می‌شود. این مسئله امتیازات و ویژگی‌ها باعث شده است که رسانه‌های جمعی هم‌طور ضمنی بر مخاطبان خود مؤثر باشند و فرهنگ آنها را تغییر دهند. هر چند فکر و تصور رسوین ایشان به مرحله عمل ذخالت کنند، اولویت‌های فکری ایجاد کنند و جهان اطراف مخاطبان‌شان را در ذهن‌شان ترسیم کنند. رسانه‌های جمعی هر چند نتوانند به مخاطبان نشانسان بگویند که چگونه فکر کنند، اما تا حدود بسیار زیادی می‌توانند به گروه مخاطبان خود این آندیشه را که به چه چیز فکر کنند القا نمایند. اولین مزیت رسانه‌های جمعی سرعت و نظم انتشار اخبار و رویدادهای آنهاست. تا دوام در انتشار و گستردگی حوزه‌های مکتفی مخاطبان نیز از ویژگی‌های مهم رسانه‌ها است که باعث شده‌است تا روزی که این دسته از رسانه‌ها به خود اختصاص داده‌اند، شکل خاصی به خود بگیرد. رسانه‌های جمعی چندین گروه مربوط به به‌لآخر قرن بیستم و اولین قرن بیستم، توانسته‌اند به مزیت‌های فوق‌العاده خود در عنصر دستیابی به قضاوت مخاطبان امروزی و دست‌رسی



شهرستان ۶۳ گشتنام انقلاب اسلامی

رسانه سرد رسانه‌ای است که مشارکت زیادی را از ناحیه مخاطب طلب در فهم پیام‌های آن است به قدرت تبلیغی مخاطب دارد. رسانه گرم آن است که مشارکت چندانی از مخاطب طلب نمی‌کند و به دلیل صراحت و وضوح، نیاز به تخیل ندارد.
مشهورترین و مهم‌ترین دسته‌بندی رسانه‌ها در اصطلاح به هر یک از این اقسام رسانه است: می‌شود رسانه‌ها در کتابت‌بزرگی معنای اسنادی است.
در علم ارتباطات اجتماعی، رسانه‌ها، روش، ابزار فنی یا مادی تغییر شکل پیام به علامتی است که مناسب انتقال از یک مجرای معین هستند. با طریقی این تعریف برخی از ابزارهای رسانه‌ها را می‌توان به صورت زیر نام برد: عکس، موبایل، تلویزیون، اینترنت، رایده، کتاب، روزنامه و...
ولادیسلاو استینبا و فیلیپ بیمنی از دانشمندان و سوابیل ارتباطاتی را امتداد یکی از جواس انسان دانسته‌اند و آنها را بر گرفته از یک روند تاریخی و در طول جواس انسانی می‌دانند به عنوان مثال خذ در امتداد چشم‌وراد بوبر امتداد شنوایی است. البته این سخن شاید در همه رسانه‌ها صحیح نباشد و بتوان آن را در مورد رسانه‌های گرم به کار برد. رسانه‌ها به سرد و گرم تقسیم می‌شوند.

رسانه سرد رسانه‌ای است که مشارکت زیادی را از ناحیه مخاطب طلب در فهم پیام‌های آن است به قدرت تبلیغی مخاطب دارد. رسانه گرم آن است که مشارکت چندانی از مخاطب طلب نمی‌کند و به دلیل صراحت و وضوح، نیاز به تخیل ندارد.
مشهورترین و مهم‌ترین دسته‌بندی رسانه‌ها در اصطلاح به هر یک از این اقسام رسانه است: می‌شود رسانه‌ها در کتابت‌بزرگی معنای اسنادی است.
در علم ارتباطات اجتماعی، رسانه‌ها، روش، ابزار فنی یا مادی تغییر شکل پیام به علامتی است که مناسب انتقال از یک مجرای معین هستند. با طریقی این تعریف برخی از ابزارهای رسانه‌ها را می‌توان به صورت زیر نام برد: عکس، موبایل، تلویزیون، اینترنت، رایده، کتاب، روزنامه و...
ولادیسلاو استینبا و فیلیپ بیمنی از دانشمندان و سوابیل ارتباطاتی را امتداد یکی از جواس انسان دانسته‌اند و آنها را بر گرفته از یک روند تاریخی و در طول جواس انسانی می‌دانند به عنوان مثال خذ در امتداد چشم‌وراد بوبر امتداد شنوایی است. البته این سخن شاید در همه رسانه‌ها صحیح نباشد و بتوان آن را در مورد رسانه‌های گرم به کار برد. رسانه‌ها به سرد و گرم تقسیم می‌شوند.

رسانه سرد رسانه‌ای است که مشارکت زیادی را از ناحیه مخاطب طلب در فهم پیام‌های آن است به قدرت تبلیغی مخاطب دارد. رسانه گرم آن است که مشارکت چندانی از مخاطب طلب نمی‌کند و به دلیل صراحت و وضوح، نیاز به تخیل ندارد.
مشهورترین و مهم‌ترین دسته‌بندی رسانه‌ها در اصطلاح به هر یک از این اقسام رسانه است: می‌شود رسانه‌ها در کتابت‌بزرگی معنای اسنادی است.
در علم ارتباطات اجتماعی، رسانه‌ها، روش، ابزار فنی یا مادی تغییر شکل پیام به علامتی است که مناسب انتقال از یک مجرای معین هستند. با طریقی این تعریف برخی از ابزارهای رسانه‌ها را می‌توان به صورت زیر نام برد: عکس، موبایل، تلویزیون، اینترنت، رایده، کتاب، روزنامه و...
ولادیسلاو استینبا و فیلیپ بیمنی از دانشمندان و سوابیل ارتباطاتی را امتداد یکی از جواس انسان دانسته‌اند و آنها را بر گرفته از یک روند تاریخی و در طول جواس انسانی می‌دانند به عنوان مثال خذ در امتداد چشم‌وراد بوبر امتداد شنوایی است. البته این سخن شاید در همه رسانه‌ها صحیح نباشد و بتوان آن را در مورد رسانه‌های گرم به کار برد. رسانه‌ها به سرد و گرم تقسیم می‌شوند.

پی‌نوشت:
۱. آسان‌ان به رسم آسانان، علی صادقی شریقت، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۲. دیوید گیل، دیوید کول، بریانت آفریابی، ارتباطات، راهنمای جامعه، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۳. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۴. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۵. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۶. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۷. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۸. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۹. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۱۰. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.
۱۱. پروین سهرابی، تهران: نشر معین، ۱۳۹۲.

۵۲۵ میلیون مورد ثبت، تبادل و بازنشر پیام با دیدگاه در توئیتر برای اعتراض به حملات اخیر رژیم صهیونیستی به نوار غزه - بدون در نظر گرفتن آمار دیگر شبکه‌های اجتماعی - که بیش از ۹۰ درصد آن اعلام انزجار از اسرائیل و حمایت از مردم بی‌فدای غزه بوده. نشانه شکست سیاست‌های انحصار طلبانه «عزیز» رژیم‌های غریبی در مدیریت افکار عمومی جهان است.



ادوات رسانه‌ای صهیونیسم بین‌الملل بود. این روزها سرمدان صهیونیسم در پهنه قزو و قندهار که چگونه نتوانسته‌اند اخبار و اتفاقات رخ داده در غزه را در همان حوالی نگه دارند و چه چیزی باعث شده تا جنگ رسانه‌ای میان رژیم صهیونیستی و مردم بی‌فدای غزه افسرغ نموده و اگر آن نماینده واقعتاً این است که عدم تسلط بر انتشار افکار عمومی، همان نکته‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های تعاملی کار را از دست رسانه‌های پر رنگ و لماب زیر مجموعه امکان آن را نایافته تا روال همیشگی خود که ظلم نمودن و مظلوم‌نمایی است، را عملی نماید. کمک رسانه‌های جریان اصلی که در اختیارشان هست نیز توانست تغییر چاندنی در نتیجه ایجاد نماید. حتی تمرکز افکار عمومی دنیا بر اخبار و گزارش‌های جام جهانی ۲۰۱۴ نیز بریل نیز کمکی شایانی به این اوضاع و وجه که رژیم صهیونیستی در آن کفایت بود، کرد.

۵۷۵ میلیون مورد ثبت، تبادل و بازنشر پیام با دیدگاه در توئیتر اعتراض به حملات اخیر رژیم صهیونیستی به نوار غزه - بدون در نظر گرفتن آمار دیگر شبکه‌های اجتماعی - که بیش از ۹۰ درصد آن اعلام انزجار از اسرائیل و حمایت از مردم بی‌فدای غزه بوده. نشانه شکست سیاست‌های «عزیز» رژیم‌های غریبی در مدیریت افکار عمومی جهان است.

در جنگ قبلی غزه تعداد کاربران اینترنتی که در مورد غزه «تک شو» ارسال نموده بودند ۲۶ میلیون نفر بود، اما در جنگ اخیر غزه این تعداد تا روز شروع آتش‌سوزی سه سروزه به ۲۵۰ میلیون نفر رسیده بود، این تفاوت که تبلیغات در این



نویت به نفع فلسطینی‌ها بود، به طوری که هشت تگ «غزه غزه زمانی بود که کاربران شهرهای ۴ میلیون و پانصد هزار توئیتر را پذیرا بود. اگر فکر می‌کنید این تعداد کم است باید این ارافافه نمود که هشت تگ دیگری هم توسط صهیونیست‌ها با نام «اسرائیل زیر آتش است» راندازی شده بود که تنها دوستان یزد توئیتر خود این مسئله وقتی اهمیت پیدا می‌کنند که بداییم حماس و جهاد اسلامی به عنوان تنها مدافعان مسلح غزه است یا اسلحه آن هم در محدوده مرزهای نوار غزه مشغول جنگ بودند و تقریباً در شبکه‌های اجتماعی هیچ حضور رسمی نداشتند؛ اما ارتش اسرائیل تبلیغات بسیار گسترده و پرتنگی را در شبکه‌های اجتماعی به نمایش گذاشته بود.

دیگر مهم‌ها در اسرائیلی مزایای مالی و تحصیلی اعطای آن تا مواضع خود را با موضع رسمی دولت همسان نمایند.

در فیریک هود مرتب، تبادل و بازنشر پیام با دیدگاه در توئیتر اعتراض به حملات اخیر رژیم صهیونیستی به نوار غزه - بدون در نظر گرفتن آمار دیگر شبکه‌های اجتماعی - که بیش از ۹۰ درصد آن اعلام انزجار از اسرائیل و حمایت از مردم بی‌فدای غزه بوده. نشانه شکست سیاست‌های «عزیز» رژیم‌های غریبی در مدیریت افکار عمومی جهان است.

افکار عمومی دنیا می‌رساندند. نقطه اوج این اتفاق زمانی بود که کاربران شهرهای ۴ میلیون و پانصد هزار توئیتر را پذیرا بود. اگر فکر می‌کنید این تعداد کم است باید این ارافافه نمود که هشت تگ دیگری هم توسط صهیونیست‌ها با نام «اسرائیل زیر آتش است» راندازی شده بود که تنها دوستان یزد توئیتر خود این مسئله وقتی اهمیت پیدا می‌کنند که بداییم حماس و جهاد اسلامی به عنوان تنها مدافعان مسلح غزه است یا اسلحه آن هم در محدوده مرزهای نوار غزه مشغول جنگ بودند و تقریباً در شبکه‌های اجتماعی هیچ حضور رسمی نداشتند؛ اما ارتش اسرائیل تبلیغات بسیار گسترده و پرتنگی را در شبکه‌های اجتماعی به نمایش گذاشته بود.

دیگر مهم‌ها در اسرائیلی مزایای مالی و تحصیلی اعطای آن تا مواضع خود را با موضع رسمی دولت همسان نمایند.

در فیریک هود مرتب، تبادل و بازنشر پیام با دیدگاه در توئیتر اعتراض به حملات اخیر رژیم صهیونیستی به نوار غزه - بدون در نظر گرفتن آمار دیگر شبکه‌های اجتماعی - که بیش از ۹۰ درصد آن اعلام انزجار از اسرائیل و حمایت از مردم بی‌فدای غزه بوده. نشانه شکست سیاست‌های «عزیز» رژیم‌های غریبی در مدیریت افکار عمومی جهان است.



به جز ابروی تو محراب در حافظه نیست

کوتاه‌سخنی در ستایش شعر، آوازه‌شمن‌المدین، محمد، به‌بهانه بیستم‌مهر و وزیر زکدشت حافظه محمد درودگری

اگر ابرو باشد در نقطه‌ای همه ایرانیان و پارسی زبانان جهان، با هم اتفاق نظر داشته باشند و در خلوت و جلوت از زبان اوستن امروز خود بگویند و به خود ببالند، آن نقطه «ابو حافظ» است. حافظی که از دعوت‌نامه‌های جشنی انزواج، «عشگران» گره از زلف پار باز کشید، خوش است، بدین قضاهاش دراز کند؛ سهم دارد تا سنگ‌نوشته‌های قبرستان، که به خط خوش از زبان اهل قورمی نویسد «هر سر تربت من با می مغرب بنشینم آتا به پویت ز حدرقص کتان بر خیزم!». او که از سر چشمه‌های زلال معارف اسلامی به حقیقت‌شگری نویسنده بود، او می‌نماید «بهدقت برسد، فریاد ز خود به‌سان حافظ / قرآن ز یزخوانی بر چاره دروایت» و در بلندترین شیب ایرانی سزگی دارد که شب و بلدا و غیبت حافظ؟ هرگز! «در اول بر تو حستت به لجم دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد».

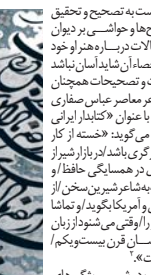
هر زمان حافظ که باشی برای هر زمان، شایخه تابی در دست داری ایات حافظه می‌تواند همیشه شفاف‌کننده این عظمت‌ها و حالات بی‌شائبه باشد. در گله ز زمانه‌های پاران می‌توانی بخوانی: حافظ نام هم نمی‌نمونه، پاران را چه شمس! دوستی کی آخر آمد؟ دوستداران را چه شد؟! از زبان او که در فراغ می‌خواند «هر دشمنی کشیدم که می‌رس از هر جهری چشیدم که



شیرستان آذینات و هنر

و مشاهیر بسیاری دست به تصحیح و تحقیق دیوان او بردند. شرح‌ها و حواشی بر دیوان او موجود است و تک مقالات دربار هنر او خود کتابخانه‌ای است که احصاء آن شاید آسان نباشد و این دست تحقیقات و تصحیحات همچنان ادامه دارد تا آنجا که شاعر معاصر عباس صباری در یکی از اشعار خود با عنوان «کتابخانه ایرانی در دانشگاه برکلی» می‌گوید: «خسته از کار کتابداری امی خواهد زگری باشد از بازار شیراز عید تیموری ای خانه‌ای در همسایگی حافظ / نخستین کسی‌اند که شاعر شیرین سخن از چاپ غزلیاتش در آلمان و آمریکا بودند؛ او مانا کند عکس العمل ایران وقتی می‌شوند از این / او که تمدد حافظان نمانسان قرن بیستم و یکم / بیش از لشکر تیمور است».

زبان لسان‌الغیب در شعر و ویژگی‌های مختصر، فقری دارد و شیوه‌ها و شکرده‌های او در امر غزل، ادب پارسی راه اوج خود رسانده است. به گواهی نظر اهل فن از او کسی نتوانست آن واقع‌راحت‌کنندگی و استادی سحرآمیز، حافظ شیرین سخن برچین حکمت و اخلاق و فضیلت را در شعر و ادب فارسی بر افراشد. نگاه داشته است. مجموعه غزلیات او به قدری منجمد و مستحکم است که خواننده تاریخ ادب پارسی را بی‌نیاز می‌کند از خوانش شرح



ایبات حافظانه می تواند آینه شفاف باشد. در کله از زمانه و سزای می توانی بخوانی؛ «بیاری اندر کس نمی نویسم، بیاران را چه شده؟ دوستی کی آخر آمد؟ دوستداران را چه شده؟ از زبان او که در فرقی می کشد هر چه چشیده ام که مهربانم، اینگونه به استقبال معشوق می رود، آماده وصل تو کس کز سر جان برخیزم؟ طایر قدسم و از دم جیان برخیزم».

گذشتگان او حافظ به قاعده بزرگان و خاقان آواز بزرگه تاریخ شعر این سرزمین را به دو نیمه قبل از خود و بعد از خود تقسیم کرده و معیار و سنگ محکی شده است برای سنجش و ارزش سنج دیگران.

شیرین سخنی و عمق نظر او در مرزهای ایران محدود نمودار و آرا بلند و ممالک دیگر را در اعصار گوناگون فتح کرد. اوایل قرن هجدهم میلادی مجموعه کلام دیوان حافظ با زبان های مختلف تأثیرات بسیاری بر منتقدین و شاعران جهان گذاشت. این تأثیر گاه به صراحت در زبان و کلام این بیان شده، چنان که گوته شاعر نامدار آلمانی «دیوان غربی - شرقی» و پستین شاعر جوان روسی در «درمایه های آریانی» از حافظ یاد می کنند و مکتب و منتقدان و فیلسوفان اروپایی سخن از اسلوب و حافظ را در آثار مشاهیر جهان به ما نشان می دهند. یکی از این تأثیرات گاه در منسجم و پیوستگی منطقی مضامین شعری در یک شعر است که برخی معتقدان این ویژگی در شعر از طریق ترجمه دیوان حافظ در میان برخی شاعران مرسوم شد.

در باب کار و حال حافظ بسیاری می توان و باید گفت ولی همه بضاعت گاه کرده اند که استعدادهای او را بیشتر نامزد یا نامز می نامند. بیت مشهور «بدر غایب و صیبت نامر می نامد» بیت شهیدی گران قدر است، با حسرت و امید به لب می آورد «و خوش و سحر و طراغ غمه جاتم دادند/ و ندر آن قلمت نمب، آب خاتم دانه» و در پایان حافظ سخن از خود می گوید «حافظ سخن ماندگار است که در صفحه جهان / این نقش ماندگار قلمت یادگار عمر».

بی نوشت:

- ۱- نایب زکریا و دیگران، تاریخ ایبات ایران، ازورن باستان تا کنون، ترجمه حبیبی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۳.
- ۲- هادوی، علی، مباحث علم جواهر در تهران، انتشارات دولتی، ۱۳۲۶، ص ۹۸.
- ۳- هادوی، علی، شعر و شاعری، تهران: انتشارات موزایی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵.
- ۴- حسین درویش، «درمایه های آریانی»، تحقیق و ترجمه جعفر شافعی، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۸، ص ۵.
- ۵- دیوانه و کلام گوته، گوته، دیوان غربی، ترجمه کوش مودری، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۳، ص ۳۸.

سیستان ◀ ادبیات و هنر

جلوه حکمت



پروانه

نگاهی اجمالی به شاعر انگلی حکیم میرزا علیالحسن طباطبایی مشهور به «جلوه»

محمد درویش

داد که جمع کنیزی از عالمان و حکیمان در طول تاریخ و به دلایل گوناگون زبان به شعر گشوده، جان کلام را در قالب سوره های مزبور و مقفا بیان کرده اند. در این میان عارفان و حکیمان سهم به سزایی دارند و هر کدام در سطوح مختلف ذوق اولیه خود را در بهره گیری از این هنر والا مسوره توجه فراداده، هر کدام گامی در اعتدالی آن برداشته اند. در مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز شاعرانی که فریادگر آزادی و بیان گر حقایق و فضائل بوده اند، قدر بسیار در محنتی های متیوب که در یافت گردانده البته مرآت های بسیار هم کشیده اند.

شعر و حکمت

اگر اقبال و مقام به سرایش شعر آزادی بدانیم، تعامل بسیاری را می توان نام برد که خواص جامعه به این دلیل فرهنگ سازی، اجتماعی و سیاسی با ذکر دلایل شخصی، زبان به شعر گشودند. مثلاً به دلیل اختلاقی سیاسی و به دلیل بستری پیچیده و استعمراتی زبان شعر از این هنر استفاده کرده سخن تازه خود را گفته اند یا به دلیل شیرینی و شویایی زبان شعر، تعالیم اخلاقی در این روش بیشتر از روش های دیگر، میان مردمان می نشیند و بیشتر اثر دارد ولی برسی و واکاوی مستخان شاعران و اهل ذوق نشان داده اولین مرایش ها غیر آزادی و ناخواسته اتفاق افتاده است و پس از آن حافظ اقدام به تقویت زبان شعری خود با لایش اشعار خود کرده است. از این فرضیات و تحلیل های پر دامنه که بگذریم، نگاه اجمالی به تاریخ ادب ایران به ما نشان خواهد

علی زوزی و میرزا علیالحسن جلوه انتقال یافت که این چهار بزرگوار را حکما، اربعه (حکیمان) چهار گانه می گویند».

مراه به همه دل شوق بهشت بوده به عمر چو نوری تو دیدم نماند شوق بهشت

برخی از نغمه‌ها

بدر میرزا علیالحسن جلوه، سید محمد مظفر، از شاعران نامی عصر قاجار به شمار می آید که در دوره ای برای تحصیل علم طبابت به سرزمین هندوستان سفر کرد، چنان که نقل کرده اند میرزا علیالحسن هم در سال ۱۲۳۸ هجری در کجرات هند دیده به جهان گشود. وی در همان دوران کودکی که به همراه خانواده به ایران مراجعت کرد و مشغول تحصیل علوم دینی شد. او در انگیزه خود برای آن توجه ویژه به علوم غنپی می نویسد: «چون فطرت خدا در میل به علوم مختلف است، خاطر من میل به علوم غنپی کرد و در تحصیل علوم معقول کمال آفرینی و رضای اوقاتی صرف کردم».

در دیوان خود بیان شعر می گوید: «تلاقی انقیسی است به بارز جهان / ما از عشق آتش سوزنده به کال زنده ایم / شکر کنی بگذشم پیش شوق و خوشی / خویش از جان بگنجی و بندم در یاد دایم»

منابع و احوال

جلوه در اصفهان از نزد علمایی چون میرزا حسن نوری، میرزا حسن حبیبی و ملا عبدالجواد تونی سراسری بهره بردار مهم تر آن آریشکان، می توان به حاشیه بر آستان ملا صدرا، حاشیه بر آستان، رساله ایات الحزق که الجوهریه، تعلیقات بر

شرح قصص قیصری، دیوان شعر که مشتمل بر قاصد، غزلیات و مثنویات اوست، تصحیح تمهید القواعد این تر که حاشیه بر شرح الهدایة الایمیه و رساله ای در وجود و اقسام آن اشاره کرد او کتبی دارد به نام «فکشن جلوه» که شرح حال جلوه است، از زبان خودش. جلوه از دوستداران مکتب اهل بیت و از حکیمان بلند آوازه دوره ناصرالدین شاه قاجار است.

کتابخانه

نقل است زوی بین علما و جمعی از بزرگان عصر ناصرالدین شاه، اختلاف نظر پیش آمد مجلسی از هر دو دسته مخالف و موافق تشکیل می شد. در این نشست، بحث و جدل به سرو صدا و قیل و قال تبدیل گشت که در این میان، مرحوم علیالحسن جلوه که در سرتخته حکمای آن جلوه بوده، خاموش ماند و سخنی بر زبان جاری نکرد. پس حاج میرزا حسن آشتیانی از وی پرسید که چرا شما مکتب و خاموش نشسته اید. مرحوم جلوه با کمال تعامل و آرامش در جواب می گفت:

چون بخته شوق لذت برد، در خاموشی است
این دیگن ز خامی است که در جوش و خروش است

خودنوشتی‌ها

این حکیم متناهی در سال ۱۲۳۴ در تهران جان به جان آفرین تسلیم کرد و بیکر پاکش پس از تسبیح باشکوه در قبرستان آن ایوبیه به خاک سپرده شد.

در ادامه چند قطعه از اشعار ایشان را می آوریم.

غیر علی کس نکرد احمد

غمغوار موسی آباد را هارون
تیره رونم اگر چه از هر تحقیق
زب به انواع مصعبت ها مرون
هست مدیخش ز خوش جمله شویم
آری شویده می بلدی سیحون

من خسته و نزارم

لیکن به گرد خوش
بینم به چشم غیب یکی آهنین حصار
آن آهنین حصار چه که به است بر حسین
آن گوهری که گشته به دوش نمی سوار

غزل

بخت زلفت وصل، گر ممکن است حالی
بگذاشتن است دل با بقدرت صالی
برسدی وصل خواهی، گفتم تا بنهین است
باشد حرام و منکر، در دهر اگر سزالی
چون گفتم تا بحسب دوش می بوی راندنش
گفتم اگر که به همدی، دانشی محالی
در جزء عشق معنوق، بینم جزای
اما کسان بینند، هر درد زلف و خالی
گاهی نهان کنده، که دوستی به دشمن
آزاد جان مارا، هر دم کند خیالی
خواهی که دوست کرد آن بار یا تو دل
افتادنی ندانی، بدبانه محالی
مال و کمال خواهند، خوبان شهر «جلوه»
قدرت نه چون ندرای، نه مال نه کمالی



نقد غلط یک فرهنگ

نگاهی به فیلم طیفه هسات

مرشدیه عبیدی



هر کدام از ما اگر نام چند فیلم را بیشتر شنیده باشیم؛ به یقین نام «لیلی یا من است» را شنیده‌ایم. لیلی یا من است ساخته کارگردانی است به نام کمال تبریزی که تاکنون ۱۵ فیلم را کارگردانی نموده و حداقل در پنج ساخته بلند سینمایی دیگر به صورت فنی حضور داشته است. فیلم‌هایی همچون عبور، آشور در خرمن، در مسلخ عشق، مهر مازی، شیدا، مارمولک، همیشه پای یک زن در میان است، دونه زمین و خیابان آرام و چندین فیلم دیگر از ساخته‌های وی به شمار می‌آید.

تبریزی در چند سال با نام‌های سرزمین کهن، دوران سرکشی (مجموعه تلویزیونی)، قصه‌های رودخانه (مجموعه تلویزیونی تولید مشترک با کشور مازای) و این اواخر سریال شهریار را کارگردانی نموده است. در اوایلین روزهای سال گذشته و شاید در بهترین زمان اکران فیلم‌ها و به عبارتی اتم نوروز از آخرین ساخته این کارگردان نیز رونمایی شد. «طیفه حساس» (طیفه هسات) از بیش از ۸۰ سینما به روی پرده رفت. طیفه هسات فیلمی کم‌سدی به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبگی و فیلمنامه‌نویسی پیمان قاسم‌خانی بود. بازیگران این فیلم نیز از چهره‌های سرشناس سینمای ایران بودند؛ رضا مظان (وی به خاطر بازی در نقش اول مردان فیلم، سیرمیر نورین نقش اول مردان درسی و دومین حضوره فیلم فجر در فایف کرد)، محمدرضا فروتن، پانته‌ا بهرام، بهاره رهنما، پیمان قاسم‌خانی و نتلی چند از بازیگران نام‌آشنای سینما در این فیلم نقش فرینی نموده بودند.

نشان فیلم بسیار جذاب آغاز می‌شود. داستان درباره پارچه فروشی به نام کمالی (رضا مظان) است که در ابتدای فیلم همسرش (پانته‌ا بهرام) فوت می‌کند و وی برای دفن همسرش قبر کوچک طیفه سفارش می‌دهد، تا اگر خودش هم روزی از دنیا رفت، در داخل آن را داده شود. اما پس از مدتی متوجه می‌شود که اشتباه حسد فرد دیگری را بر روی قبر همسرش قرار داده‌اند. این سراز اتفاقا داستان فیلم است.

کمالی از توتمندان بازار است. او فردی ظاهر المصاحح، کم‌سواد، دکامی، دروغگو و از همه مهم‌تر غیرتی است. فیلم قیفی‌ا می‌خواهد کمالی را نماد یک حاجی بازاری یا کیسه‌ای از رفتارهای ناموزون و بد نشان دهد و صفت نمادین غیرت را نیز در این نقش منفی بچکانند و تا آنجا آن را منتقد نشان دهد که حتی همسر از دنیا رفتن‌اش را بر مبنای نامعلوم طلبا دهد. چون چنین ننگی را (دفن شدن فردی در قبر کنار چانه همسرش) بر نمی‌نماید.

کمالی بی‌اطفاه است، او در مجلس ختم همسرش با دوستانش آن قدر



می‌خندد که همه فکر می‌کنند او گریه نموده است. گویی زن برای او هیچ اهمیتی ندارد. او عیاش هم هست، چرا که چندروز پس از فوت همسرش عزم دیار چین می‌کند و در اثنا فیلم مشخص می‌شود که می‌فرود می‌آید. در آنجا در حالی که همسرش فوت شده است، وی دل‌العا در حال ذکر اشتباه کلماتی ساده است.

جنای از شوخی‌های جنسی اعم از کلامی و تصویری فیلم، نشان دادن تصویری خاص از قشر مذهبی و متدین جامعه آن هم خلاف واقع، هرچه باشد، ملنز نیست. فیلم تصویری از خانواده مذهبی و سنتی ارائه کرده است که در نظر مخاطبان فرصت‌طلب، سودجو و نان به نرخ روزخور معرفی می‌شود. طیفی که گویی بحث غیرت روی ناموس آن هم به شیوه افراطی و مذبوح و در ایشان نهادینه شده و افراد دیگر جامعه هیچ احساس غیرت و تعصیب نیست به ناموس خود ندارند.

داستان به گونه‌ای پیش می‌رود که شاید این گونه به نظر برسد ولی با کمی دقت در فیلم به وضوح می‌توان نامطلوب جلوه دادن پابندی به مساجد دینی را مشاهده کرد. خانواده کمالی ظاهر مذهبی ندارند، ولی به برخی رفتارهای دینی پایبندند که در این فیلم تلاش شده، آنها به سخره گرفته شود و دستمایه هجوی که این روزها مانع برخی خودپسند می‌کند، شود. برای مثال به رعایت برخی اصول مانند جناب پابندند و نسبت به آن غیرت دارند؛ بنابراین ظواهر را رعایت می‌نمایند و از طرف دیگر پدر خانواده از نظر اخلاقی دچار مشکلات اساسی است.

در کنار این نشانه‌ها از خانواده کمالی، خانواده دیگری متوفای داستان وجود دارد که با اینکه مد از این اصول نمی‌زنند، ولی نقاط ضعف کمالی را ندارند و اصول اخلاقی پایبند هستند. هیچ نکته منفی و غیرعرفی در آنها به نمایش گذاشته نمی‌شود. شاید به نوعی ضعف مخاطب از این مقایسه عنصری را در میان نتیجه‌گیری‌های خود بیابد.

البته مردمی که در کوی و برزن مشغول زندگی هستند یا خود از قشر سنتی و مذهبی جامعه هستند و یا رفتار این قدر را می‌بینند، با یک فیلم نظرشان در خصوص رفتارهای این قشر تغییر نمی‌کند؛ اما به نظر می‌رسد «در این فیلم مویزات شخصی و فکری افرادی که علی‌الغالب خیلی دمخو این مردم نیستند، به شکلی هرچگونه فرد حائز معمولی ارائه شده است که تنها به درد مردمانی بی‌دغدغه، روشنفکر نما و آزادی‌طلب و



تا جدی بی‌بنوبار می‌خورد تا راحت تر بتوانند خود را از قید و بندها رها کنند و با پوشش خنده بر افرادی که با ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها زندگی می‌کنند، وجدان خود را آسوده کنند!؟
آقای تبریزی خود در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی «این فیلم را فقط یک فرهنگ غلط خوانده بود که به اشتباه وارد فرهنگ ما شده است» اگر بخواهیم با ادبیات ایشان یک جمله در باب این فیلم بگویم باید این فیلم را «تقد غلط یک فرهنگ که به اشتباه نشان داده شده است» عنوان کنیم.

فرم نظر سنجی

ماهنامه مسجد شماره ۱۷۷۵

نام و نام خانوادگی :
 آدرس :
 پست الکترونیکی :
 مشخصات محل خدمت (مسجد) :
 نام مسجد تحت مدیریت :
 آدرس پستی :
 تلفن تماس :
 در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید :

تخصیلات آکادمیک :
 تحصیلات حوزوی :
 تلفن تماس (همراه) :

تهران صندوق پستی ۱۳۸۵/۱۹۷۷
 پست جواب قبول
 هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۳۸۹/۱۹۷ پرداخت شده است
 لطفا پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بپسندازید

داستان فیلم بسیار جذاب آغاز می‌شود. داستان درباره پارچه فروشی به نام کمالی (رضا مظان) است که در ابتدای فیلم همسرش (پانته‌ا بهرام) فوت می‌کند و وی برای دفن همسرش قبر کوچک طیفه سفارش می‌دهد، تا اگر خودش هم روزی از دنیا رفت، در داخل آن قرار داده شود. اما پس از مدتی متوجه می‌شود که اشتباه حسد فرد دیگری را بر روی قبر همسرش قرار داده‌اند. این سراز اتفاقا داستان فیلم است.



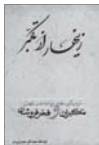
پی‌نوشت:
 ۱. قبل از فرستادن این انتخاب با عنوان فروش میلیاردی، طیفه حساس و مرام‌های، شماره ۳۹ فروردین ۱۳۹۲، شماره ۱۳۷۱۰.
 ۲. البته به جهت اینکه این نمودارترین شریک باید وی، مرام‌های می‌شود و مانند خیلی‌ها آنجا خوش است که کارنده اما مالاً چه شده که نام خوش‌گذاری کمالی به جای فرستادن برآورده است. موصوفی است که هر چند برای بحث دارد اما از جمله «این مقاله بدون است و قوتش را می‌گیرد و موصوفی خدای می‌باشد»
 ۳. کافکی، سید علی‌محمد، این طیفه حساس، گکه منصف گه‌میرا، «سینما سنا» شماره ۷، آذر ۱۳۸۵، شماره ۴.
 ۴. همان.
 ۵. قبل از فرستادن این انتخاب با عنوان فروش میلیاردی، طیفه حساس، گکه این عنوان را می‌توانید در شماره ۵، قبل از فرستادن این انتخاب با عنوان «سینما سنا» شماره ۷، آذر ۱۳۸۵، شماره ۴، تاریخ خبر: ۱۳۸۵/۱۱/۲۱.

خواننده مستقر م:
 اهتمام شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود. قطعاً نشان راه در به طریق از نقای همه جانبه تشریح خواهد بود.
 برای ارسال فرم، تنها آن را در نشریه بگذارید، بدون پاکت پستی و الماسک تمبر، در صندوق پست بپسندازید.

تخصیلات آکادمیک :
 تحصیلات حوزوی :
 تلفن تماس (همراه) :

زینهار از تکبر

به کوشش علی صادق سرشت



پیشانی اش مدام سجده‌گاه را غرق بوسه می کرد تا اینکه خاندن بر گه‌های امتحان را روبه‌روی آنها قرار داد، روی بر گه‌ها نوشته بود «بر آدم سجده کنید!» سکوت کرد. یکی یکی به سجده افتادند؛ اما او سرش را عقب انداخت؛ ایستاد و متکبرانه گفت «من از انتم، آدم از گل چرایید.»^۱

خاندن بر گه‌ها را تصحیح کرد. پای بر گه‌ها نوشت: «ففسق عن أمرتیه» یعنی از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد. او در این امتحان رد شد. در مدرسه آفرینش، این بدترین نمرای بود و هست که یک شاگرد می تواند بگیرد. شش هزار سال سجده، شش هزار سال هونبسی یا مالانک، به یاد رفت؛^۲ اینجاست که باید روی هشدار امیر مومن علی^۳ تمرکز کنیم که می فرماید: «از کاری که خدا بلیس کرد پند بگیرید. این گناه که به دلیل لحظه‌ای تکبر، کار طولانی و کوشش طاقت فرسا یا عبادی است. این کتاب،

را باطل کرد ایس، بعد از بلیس یا آن همه مقامی که داشت آکست که با مصیبتی همچون مصیبت او، از خشم و کفر خدانوادم باشد؟ پس ای بنندگان خدا، از دشمن خدابخیز باشید تا ما با شما را به درد خود مبتلا سازد و به ندای خویش شما را با خفت و خواری به سرعت از حق دور و به خود جذب نماید و بالشرک پیاده و سوارش شما را احاطه نماید.»^۴ امام صادق^۵ می فرماید: «هر کس خودش را بهتر از دیگران بداند از متکبران است». خصص بن غیاث می گوید عرض کردم: اگر کتاهکاری را ببیند، به سببی گناهی و یا کلامی خود، خوشترن را از او بهتر بداند چه؟ فرمودند: «هرگز هرگز! چه بسا که او امرزیده شود، اما تو برای احسارسی نگه دار، ند، مگر داستان جادوگران و موسی^۶ را نخواندای؟»^۷

امیر بیسان علی^۸ در کلام گهربار دیگری فرموده‌اند: «پس اگر بنا بود اجازه تکبر به احدی از بندگانش بدهد، چنین اجزای را در خصوص پیامبران و اولیای خود صادر می فرمود؛ و لکن خاندن خود نیز کینینی را برای آنان نامطلوب نمود و فروتنی را از ایشان بستند.»^۹ کتاب «زینهار از تکبر» اثر از زشمندان گران قدر، آیتالله محمدتقی مصباح یزدی است. این کتاب،

شرح خطبه قصه امیر مومن علی^{۱۰} است. خطبه‌های که یکی از بحث‌های مهم و کلیدی آن، توجه دادن حضرت به تکبری است که عامل سقوط و رانده شدن شیطان از درگاه رحمت الهی بوده است؛ تکبری که سبب می شود تا مبتلایان به آن راهی جهنم شوند و از رحمت خدانوادم دور مانند.

روایت امام باقر و امام صادق^{۱۱} در این باره که فرموده‌اند: «در دل هر کسی به اندازه‌ی ذرات کبر باشد به بهشت نمی رود»^{۱۲} ما را بر آن می دارد تا مطالعه این کتاب سودمند را که مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در سال ۱۳۸۶ به زور طبع آراسته است، به شما پیشنهاد می دهیم.

آدرس کتاب: م: ۰۴۲۳/۳۸ BP

پی‌نوشت:

۱. نور، ۲۲.
۲. ابرار، ۱۰.
۳. کف، ۵۰.
۴. حجج الآراء، خطبه ۱۱۲ (قاسمه).
۵. همان.
۶. محمد مجتبی سراج، بحار الآنیوار، ج ۷، ص ۱۲۶، محمد کلینی؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۱.
۷. حجج الآراء، فرازهایی از خطبه قاسمه (خطبه ۱۱۲).
۸. محمد کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱.

سطح علمی مطالب:

بسیاری کدام مطلب از سربویس های چهارگانه تشریه را در شماره بعدی لازم می دانید.
آموزشی، مهارتی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

متنبر، عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
رواقی، عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
محراب، عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
شیستان، عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف

سطح کاربردی مطالب:

سیک نوشتاری و ویرایشی مطالب عالی، خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف

صفحه آرایشی را چگونه ارزیابی می کنید؟ عالی، خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف

متنبر، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواقی، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شیستان، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده اند؟ خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم

حجم مطالب در هر سربویس:

متنبر، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواقی، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شیستان، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

مسابقه پیامکی (با جایزه)

بهترین مقاله، بهترین طرح صفحه، بهترین تیتر

تنوع موضوعات و عناوین در هر سربویس:

متنبر، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواقی، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شیستان، خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

برداشتن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می کنید.

آموزشی، مهارتی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

